



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پر وگرام ماسټری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال

(رساله ماستری)

محصل: محب الله "الکوزی"

استاد راهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1402 هـ. ش - 1445 هـ. ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پر وگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال

(رساله ماستری)

محصل: محب الله "الکوزی"
استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: ۱۴۰۲ هـ. ش - ۱۴۴۵ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

معاونیت علمی

امریت برنامه های فوق لیسانس

پوهنخی شرعیات و قانون

پرتله ماستری فقه و فقون

تصدیق نامه

محترم (محب الله) ولد (محمد گل) دارنده ID نمبر: 914 - SH-MSF-S1401 محصل دور (دهم) فقه و فتون که رساله ماستری خویش را تحت عنوان:

(مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال)

به تاریخ ۱۳۸۰/۱۳/۱۲ هـ ش. موفقانه دفاع نمود. و به اسان بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۳ (نمره به عدد) نمره به درجه (نمره به درجه) گردید. موفقیت شان را از الله متعال بخواهیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	مستوابیت	امضاء
۱	مر محقق سید حبیب شاگرد	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالملکی ثاقب	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

امر پرتله های فوق لیسانس

سپاس گزاری

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (۱)

ترجمه: اگر از نعمت‌ها سپاس‌گزاری کردید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم. به تأسی از آیه مبارکه الله متعال را سپاس گزارم که بنده را در پهلوی نعمت‌های بی‌شمار توفیق تکمیل نمودن مرحله ماستری را عنایت فرمود و همچنان جا دارد تا از تمام کسانی که به نحوی در پیشبرد مرحله ماستری و تحریر این رساله با من همکاری نموده اند تشکری نمایم. نخست از وزارت تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان سپاس گزاری میکنم که با ایجاد این زمینه ی آموزشی ما را یک گام دیگر به ترقی علمی نایل ساخت. دوم از ریاست محترم پوهنتون سلام اظهار سپاس می نمایم که با ایجاد فضای آموزشی در این زمینه ما را یاری رسانید.

سوم از ریاست محترم پوهنځی شرعیات قدردانی می نمایم که اساتید و کادرهای علمی خود را در خدمت ما گذاشتند و این زمینه علمی را برای ما فراهم نمودند. چهارم از مدیریت محترم بورد ماستری سپاس گزار هستم که همیشه وقت خود را در اختیار ما گذاشته و با ایجاد فضای صنف درسی و دیگر وسایل تحصیلی این زمینه را بر ما مساعد ساختند. و در اخیر از استاد رهنمایم استاد عالی قدر جناب دکتور محمد یونس (ابراهیمی) که خالصانه و صادقانه در طول این مدت با اخلاق نیکو و سعه صدر استقبال و رهنمایی ام نمودند تشکری خاص می نمایم

خلاصه بحث

الله (جل جلاله) را شکر گزارم که با نعمت اسلام بر ما منت نهاد و احکام مسائل و مقاصد آن را برای ما آسان گردانید که با طبیعت همه انسانها در هر شرایط و زمان سازگار بوده و همزمان بالای روان ترقی و پیشرفت، تحول و تغییر و مقتضیات هر عصر همگام است. شناخت مقاصد شریعت اسلامی برای هر مؤمن مهم پنداشته می شود تا آنرا شناخته و به مقتضای آن زندگی خود را تنظیم کند. خاصتاً بیان مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال در درک و فهم ماهیت معاملات مالی برای مسلمان کمک نموده تا در به درستی عمل رسیده و به سعادت دنیا و آخرت نایل گردد دین مبین اسلام همواره طالب سعادت‌مندی بشر است و خداوند متعال برنامه جامع زندگی را در قرآن‌کریم برای انسان ذکر نموده و توسط پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) فرستاده است یکی از مهمترین بخش زندگی بشر بحث اقتصاد و میزان کسب آن است که با آن بتواند زندگی خود و خانواده خود را اداره کند. کار و تلاش و کوشش برای تامین زندگی و حفظ آبرو و پاسداری از حریم خانواده یکی از بهترین کار های اخلاقی هر مسلمان است و حاصل دسترنج او صرف عزت و کرامت نفس خواهد شد. بنابر این رساله را در سه فصل به شکل ذیل ترتیب نموده ام: **فصل اول:** این فصل مشتمل بر موضوعات ذیل میباشد: تعریف مقاصد شریعت اسلامی، طرق شناخت مقاصد شریعت اسلامی، تقسیمات مقاصد شریعت اسلامی و مفهوم مال در شریعت اسلامی.

فصل دوم: در برگیرنده موضوعات آتی است: کسب مال عبادت است، پاسخگویی برای فطرت انسانی و استخلاف در زمین.

فصل سوم: فصل سوم در بر گیرنده موضوعات کسب مال از راه مشروع، حرمت کسب با وسایل غیر شرعی و جلوگیری از نزاع بین متعاقدين میباشد.

در خاتمه نتایج و دست یافته ها از جریان تحقیق را جابجا نموده ام و همچنان پیشنهادات خود را برای سایر محققین و نیازمندان تقدیم نموده و در آخر به شکل معیاری به مصادر و مراجع پرداخته ام. **واژگان کلیدی:** مقاصد، شریعت و مال.

فهرست عناوین

موضوعات	صفحات
مقدمه	۱
اهمیت موضوع و اسباب اختیار آن	۱
اهداف تحقیق	۲
سوالات تحقیق	۳
پیشینه تحقیق	۳
روش تحقیق:	۴
خطه تحقیق	۵
فصل اول	۶
مفاهیم مقدماتی	۶
مبحث اول - تعریف مقاصد شریعت اسلامی	۷
مطلب اول - معنای لغوی مقاصد	۷
مطلب دوم - تعریف مقاصد اصطلاحاً	۷
مطلب سوم - تعریف شریعت لغتاً و اصطلاحاً	۸
فرع اول: تعریف شریعت لغتاً	۸
فرع دوم: تعریف شریعت اصطلاحاً	۸
مطلب چهارم - تعریف مقصد شریعت اصطلاحاً	۸
مبحث دوم - تقسیمات مقاصد شریعت اسلامی	۱۰
مطلب اول - مقاصد شریعت اسلامی از حیث محل و منشاء صدور	۱۰
فرع اول - مقاصد شارع	۱۰
فرع دوم - مقاصد مکلف	۱۰
مطلب دوم - مقاصد شریعت اسلامی از حیث زمان حصول	۱۱
فرع اول - مقاصد دنیوی	۱۱
فرع دوم - مقاصد اخروی	۱۱
مطلب سوم - مقاصد شریعت اسلامی از حیث مراتب	۱۱
فرع اول - مقاصد ضروری	۱۱
فرع دوم - مقاصد احتیاجی	۱۲
فرع سوم - مقاصد تحسینی	۱۲
مطلب چهارم - مقاصد شریعت اسلامی از حیث ارتباط آن به عموم و خصوص تشریع	۱۳
فرع اول - مقاصد عمومی	۱۳

۱۳	 فرع دوم - مقاصد خصوصی
۱۴	 مبحث سوم - طرق شناخت مقاصد شریعت اسلامی
۱۴	 مطلب اول - طریقه استقراء
۱۴	 فرع اول - انواع استقراء
۱۵	 فرع دوم - حجت بودن استقراء
۱۶	 مطلب دوم - طریقه علل احکام
۱۶	 فرع اول - نص
۱۸	 فرع دوم - ایما یا اشاره
۱۸	 فرع سوم - اجماع
۱۹	 مطلب سوم - طریقه استنباط
۱۹	 فرع اول - سیر و تقسیم
۲۰	 فرع دوم - دوران
۲۰	 فرع سوم - مناسبت
۲۰	 فرع چهارم - تنقیح مناط
۲۱	 مطلب چهارم - طریقه تصریح به مصالح با امر و به مفسد با نهی
۲۲	 مبحث چهارم - مفهوم مال
۲۲	 مطلب اول - مال در لغت و اصطلاح
۲۲	 فرع اول - تعریف فقهای احناف
۲۲	 فرع دوم - تعریف سایر فقهاء
۲۳	 مطلب دوم - انواع مال
۲۳	 فرع اول - تقسیم مال به متقوم و غیر متقوم
۲۴	 فرع دوم - تقسیم مال به مثلی و قیمی
۲۴	 فرع سوم - تقسیم مال به عقار و منقول
۲۵	 فرع چهارم - تقسیم مال به نامی و غیر نامی
۲۵	 مطلب دوم - اهمیت مال در اسلام
۲۸	 مطلب سوم - لزوم حفاظت مال
۳۰	 فصل دوم
۳۰	 مقاصد عمومی شریعت در کسب مال
۳۱	 مبحث اول - کسب مال عبادت است
۳۱	 مطلب اول - کسب رزق حلال

۳۳	مطلب دوم - پرداخت زکات
۳۵	مطلب سوم - ادای فريضه حج
۳۶	مطلب چهارم - جهاد در راه الله
۳۷	مطلب پنجم - صدقات
۳۹	مطلب ششم - تبرعات
۳۹	فرع اول - وقف
۴۰	فرع دوم - هبه
۴۱	فرع سوم - عطيه دادن
۴۲	مبحث دوم - پاسخگویی برای فطرت انسانی
۴۲	مطلب اول - ثبوت ملکیت فردی
۴۴	مطلب دوم - تأمین نیاز های انسانی
۴۵	مطلب سوم - سعی و تلاش
۴۷	مطلب چهارم - رشد و ترقی فردی
۴۸	مطلب پنجم - ایجاد توازن میان جنبه مادی و روحی زندگی
۵۰	مبحث سوم - استخلاف در زمین
۵۰	مطلب اول - حریت اقتصادی
۵۱	مطلب دوم - آبادانی زمین
۵۲	مطلب سوم - ابتلا و آزمایش
۵۴	فصل سوم
۵۴	ضوابط و مقاصد خصوصی شریعت در کسب مال
۵۵	مبحث اول - کسب مال از راه مشروع:
۵۵	مطلب اول - کسب مال از طریق بیع (خرید و فروش)
۵۷	مطلب دوم - کسب مال از طریق زراعت
۵۸	مطلب سوم - کسب مال از طریق صنعت
۵۹	مطلب چهارم - کسب مال از طریق میراث
۶۲	مبحث دوم - حرمت کسب مال با وسایل غیر شرعی
۶۲	مطلب اول - قمار
۶۴	مطلب دوم - احتکار
۶۵	مطلب سوم - رشوت
۶۶	مطلب چهارم - منع از اعتداء
۶۶	فرع اول - حرمت سرقت

۶۷	 فرع دوم - حرمت غصب
۶۸	 مطلب پنجم - تحریم ربا
۷۰	 فرع اول - زیان های اجتماعی ربا
۷۱	 فرع دوم - زیان های اقتصادی ربا
۷۲	 فرع سوم - ضرر روانی ربا
۷۲	 مطلب ششم - منع غرر
۷۵	 مبحث سوم - جلوگیری از نزاع بین متعاقدين
۷۵	 مطلب اول - توثیق در عقود و معاملات
۷۵	 فرع اول - کتابت و شهادت
۷۷	 فرع دوم - رهن
۷۸	 فرع سوم - كفالت
۷۸	 فرع چهارم - حواله
۷۹	 مطلب دوم - بناء عقود بر لزوم
۷۹	 مطلب سوم - وفا به شرط
۸۰	 مطلب چهارم - خيار در خرید و فروش
۸۱	 نتیجه گیری
۸۴	 پیشنهادات
۸۵	 فهرست آیات قرآن کریم
۸۸	 فهرست احادیث
۹۰	 فهرست اعلام
۹۱	 فهرست منابع مأخذ
۹۵	 SUMMARY OF THE RESEARCH

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين و الصلاة و السلام على رسوله محمد و على آله و اصحابه اجمعين و من دعا بدعوته و جاهد بنهجه الى يوم الدين اما بعد: شناخت مقاصد شریعت به خاطر دانستن نصوص شرعی به صورت صحیح و استنباط احکام از دلایل به صورت مقبول یک امری ضروری است برای مجتهد معرفت و شناختن وجوه دلالت های الفاظ بر معانی کفایت نمیکند بلکه معرفت و شناختن اسرار تشریع و اهداف عمومی که شارع آنرا در تشریع احکام قصد نموده ضروری است تا نصوص را دانسته بصورت سالم تفسیر کنند و احکام را در پرتو این مقاصد عمومی استنباط نماید طوری که در باب عقاید ایمان و صفات خداوند متعال اساس، سرچشمه و محور دین و محور همه موضوعات میباشد به همین ترتیب در بخش اعمال کسب مال یکی از بنیاد عملی دین میباشد که ضرور است مسلمانان در انجام آن احکام و همچنان مقاصد و اهداف شریعت اسلامی را در آن مراعات نماید بنابر این هر مسئله وقت زیاد قابل فهم و درک میباشد که هدف و مقصد آنرا بدانیم پس بآنانستن مقصدیت میتوان به ارزش های معنوی کسب مال پی برد. چنانچه هیچ عمل شرعی مؤمن خالی از حکمت ها و مقاصد نیست کسب مال نیز که از جمله مهمترین عمل یک مؤمن بشمار میآید در شریعت اسلام دارای مقاصد و اهداف است که همانا از جمله مهمترین مقاصد شریعت در کسب مال عبادت الله با تمام خلوص نیت میباشد که مؤمن مسلمان هرگاه میخواهد مالی را کسب نماید باید به این مقصد شریعت متوجه باشد. بدیهی است که بسیار از قضایای مدنی که در آنها نزاع و خصومت ایجاد میشود برای اینست که شروط مقرر از جانب شارع حکیم مراعات کرده نمیشود و به آن احکام و مقاصد که شریعت اسلامی در نظر دارد توجه درست صورت نمیگیرد بنابر این فهم مقاصد شریعت در کسب مال خصومت و سایر مشکلات را ریشه کن میسازد.

اهمیت موضوع و اسباب اختیار آن

اهمیت موضوع و سبب انتخاب آن از چند جهت قابل بحث میباشد.

اولاً - اهمیت مقاصد شریعت در فهم احکام شرعی و ایجاد راه حل به بسیاری از مشکلات معاصر در تمامی ابعاد زندگی مهم پنداشته می شود زیرا شناخت مقاصد شارع اثر مهم در وصول به حکم صواب و رأی ارجح در مسایل اختلافی دارد. بنابر این تحقیق پیرامون موضوعات مقاصدی یک نیاز است.

ثانیاً - انسان فطرتاً نیازمند کسب مال است تا بتواند نیازها و ضرورات زندگی خود را تامین کند چنانچه عده زیاد انسان ها به طرق مختلف در جهان به کسب درآمد مصروف اند و بسیاری عمر خود را فقط بر سر این کار میگذرانند طوری که وقتی به جایی میرسند عمرشان کفاف نداده و برای دیگران بعد از خود آن مال به جا میگذارند. اگر بشر برنامه زندگی خود را با دستورات شریعت اسلامی اداره کند و طبق آن پیش برود موجبات سعادت دنیوی و اخروی خود را فراهم آورده و میتواند در تمام عرصه ها موفق گردد زیرا تمام دستورات شریعت در مطابقت با فطرت انسانی است بنابر این دانستن مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال در پهلوی دانستن احکام شرعی کسب مال خیلی مهم پنداشته میشود.

ثالثاً - بعضی ها فکر میکنند که اسلام اساساً ثروت را چیزی مطرود و دور انداختنی میدانند، چیزی که مطرود و دور انداختنی است دیگر نمیتواند مقررات و مقاصد داشته باشد در حالیکه اسلام مقررات و مقاصد بی شمار در قسمت چگونگی کسب مال دارد، اسلام با هدف قرار دادن ثروت یعنی اینکه انسان فدای ثروت شود مخالف است به عباره دیگر اسلام پول پرستی و اینکه انسان برده پول باشد و پول را به خاطر خود پول و برای ذخیره کردن و اندوختن بخواهد که نام این حالت حرص است مخالف است، بنابر این دانستن مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال بسیار مهم پنداشته میشود تا ای مهم بر همگان واضح و آشکار گردد.

رابعاً - دانستن مقصد شریعت در کسب مال انسان را در زنده گی رشد داده و ساحه دید و تفکرش را وسیع میسازد تا از این طریق به خیر دنیا و آخرت برسد .

اهداف تحقیق

اول - دانستن نقش مقاصد شریعت اسلامی در معاملات مالی و کسب مال ، و چگونگی کسب مال مطابق مقاصد و اهداف شریعت اسلامی تا سبب کامیابی دنیا و آخرت مومن گردد.

دوم - بیان مقاصد عمومی شریعت اسلامی در مال، اینکه مال در زندگی مسلمان از چه جایگاه برخوردار است و اساساً اسلام مال را چگونه تعریف نموده و اهمیت آن در زندگی مسلمان چقدر است و مقاصد عام را که شریعت اسلام در مال در نظر دارد کدام ها اند.

سوم - بیان اسلوب کسب مال در شریعت اسلامی و مقاصد خاص شریعت اسلامی در کسب مال تا از این طریق اهمیت را که مال در شریعت اسلامی دارد ظاهر گردد. زیرا چگونگی کسب مال در زندگی مادی و معنوی انسان از جایگاه خاص برخوردار میباشد.

سوالات تحقیق

الف: سوالات اصلی

سوال اول: مقاصد عام شریعت اسلامی در مال چیست؟

سوال دوم: مقاصد خاص شریعت اسلامی در کسب مال چیست؟

ب: سوالات فرعی

سوال اول: علم مقاصد شریعت اسلامی در فهم ماهیت مسایل چقدر اهمیت دارد؟

سوال دوم: طرق شناخت مقاصد شریعت اسلامی کدام ها اند؟

سوال سوم: مال در زندگی مسلمان چی جایگاه دارد؟

سوال چهارم: اصول و ضوابط شریعت اسلامی در کسب مال کدام ها اند؟

پیشینه تحقیق

راجع به سابقه ای تحقیق این موضوع باید بیان نمود که قرار معلومات و جستجوی بنده در داخل کشور کدام موضوع شامل در این مورد به رشته تحریر در نیامده است.

اما در خارج از کشور به زبان عربی رساله های زیاد نوشته شده است که قرار ذیل بیان می گردد:

۱- کتاب (الكسب): از محمد بن الحسن متوفی ۱۸۹ هـ ق: امام محمد ابن حسن شیبانی این کتاب را نگاشت و بعد از او شاگردش محمد ابن سماعه آن را مختصر و شرح نموده است و نام آن را (الإکتساب فی الرزق المستطاب) گذاشت. امام محمد در این کتاب روشهای کسب مال و راه های مباح آن را به واسطه کار و تولید از راه اجاره، تجارت، زراعت، صنعت و.... بیان نموده است که در پهلوی بحث روی این مسایل به مقاصد کسب مال نیز اشاره شده است.

۲- کتاب (مقاصد الشريعة الخاصة بالتصرفات المالية): این اثر رساله دکتورا از عز الدین بن زغبیه از پوهنتون الزيتونة کشور تونس است که در این کتاب در پهلوی بحث در مورد مسایل مالی به مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال نیز پرداخته شده است، قسم که در آن مقاصد خاص شریعت اسلامی در تصرفات مالی و همچنان چگونگی کسب آن و چگونگی مصرف آن بیان شده است، همچنان اصل این کتاب به زبان عربی می باشد.

۳- کتاب (مقاصد الشريعة المتعلقة بالمال): این کتاب را دکتوریوسف قرضاوی تالیف نموده در این کتاب به مقاصد شریعت متعلق به ارزش مال، ربط مال به ایمان و اخلاق، مقاصد شریعت در کسب مال و

همچنان به مقاصد شریعت اسلامی در مصرف و تداول مال پرداخته است. یعنی یک بخش آن به طور خاص به مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال اختصاص دارد.

رساله بنده دارای تفاوت های ذیل می باشد:

۱- آشکار ساختن نقش مقاصد شریعت اسلامی در معاملات مالی و کسب مال تا هر مؤمن این مقاصد را دانسته و مطابق آن زندگی خود را عیار نماید.

۲- ساده سازی این موضوع مهم و شرح آن با جملات عام فهم تا برای همه قابل درک و استفاده اعظمی باشد.

روش تحقیق:

در این تحقیق از روش استنباط مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال از نصوص متعدد قرآن کریم و سنت نبوی (صل الله علیه وسلم) و همچنان اجتهادات را که فقهاء کرام با روش استقرایی انجام داده اند، استفاده شده است.

که نکات ذیل در آن در نظر گرفته شده است

اول - مطالب علمی این تحقیق از منابع اصلی معتبر و مختلف با رجوع به کتب قدیمی و معاصر جمع آوری شده است.

دوم - ترتیب در نظر گرفته شده برای آراء مذاهب اربعه، از رای مذهب حنفی شروع گردیده بعد رای مذهب شافعی بعد رای مذهب مالکی و بعد رای مذهب حنبلی بیان گردیده است.

سوم - آیات مبارکه قرآن کریم داخل قوس () با بیان نام سوره و شماره آیه در پاورقی ذکر گردیده است همچنان در ترجمه آیات مبارکه از تفسیر نور که نویسنده آن مصطفی خرم است استفاده شده است.

چهارم - احادیث شریف با ذکر نام کتاب و باب و شماره حدیث استخراج گردیده است.

پنجم - کلمات که نیاز به توضیح دارند بعد از همان کلمه داخل قوس توضیح داده شده است.

ششم - فهرست های توضیحی این رساله قرار ذیل شرح کرده ام.

- فهرست آیات قرآن کریم

- فهرست احادیث نبوی (صل الله علیه وسلم)

- فهرست اعلام

- فهرست منابع مأخذ تحقیق

خطه تحقیق

این تحقیق به شرح ذیل، شامل مقدمه، سه فصل و نتیجه گیری است.
مقدمه:

فصل اول: مفاهیم تحقیق که دارای پنج مبحث میباشد:

مبحث اول: تعریف مقاصد شریعت اسلامی

مبحث دوم: طرق شناخت مقاصد شریعت اسلامی

مبحث سوم: تقسیمات مقاصد شریعت اسلامی

مبحث چهارم: مفهوم مال در شریعت اسلامی

فصل دوم: شامل مقاصد عمومی شریعت اسلامی در کسب مال که دارای سه مبحث میباشد:

مبحث اول: کسب مال عبادت است

مبحث دوم: پاسخگویی برای فطرت انسانی

مبحث سوم: استخلاف در زمین

فصل سوم: شامل ضوابط و مقاصد خصوصی شریعت اسلامی در کسب مال که دارای سه مبحث میباشد:

مبحث اول: کسب مال از راه مشروع

مبحث دوم: حرمت کسب مال با وسایل غیر شرعی

مبحث سوم: جلوگیری از نزاع بین متعاقدين

نتیجه گیری: که بخش پایان این تحقیق میباشد

منابع و مأخذ:

با احترام

محبت الله (الکوزی)

فصل اول

مفاهیم مقدماتی

مبحث اول : تعریف مقاصد شریعت اسلامی

مبحث دوم : طرق شناخت مقاصد شریعت اسلامی

مبحث سوم : تقسیمات مقاصد شریعت اسلامی

مبحث چهارم : مفهوم مال در شریعت اسلامی

مبحث اول - تعریف مقاصد شریعت اسلامی

در این مبحث به تعاریف لغوی و اصطلاحی مقاصد شریعت اسلامی پرداخته میشود.

مطلب اول - معنای لغوی مقاصد

مقاصد جمع مقصد، مصدر میمی مأخوذ از فعل قَصَدَ است که دارای معانی ذیل میباشد:

۱- مقاصد جمع مقصد از فعل قَصَدَ، که به توجه کردن به سوی چیزی اطلاق می شود، چنانچه گفته می شود: قَصَدْتُ الْبَيْتَ الْحَرَامَ. یعنی به بیت الحرام قصد کردم (۱).

۲- طریق مستقیم: چنانچه در قرآن کریم به همین معنی استعمال شده است: (وَعَلَى اللَّهِ فَصَدُّ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَلَكُمْ أَجْمَعِينَ) (۲).

ترجمه: (هدایت مردمان به) راه راست بر خدا است، (راهی که منتهی به خیر و حق می گردد)، و برخی از راه ها منحرف و بیراهه است (و منتهی به خیر و حق نمی گردد). و اگر خدا می خواست همه شما را (به اجبار به راه راست) هدایت می کرد (و نعمت اختیار و آزادی اراده و انتخاب را به شما انسان ها نمی داد، و لذا همچون حیوانات راهی را بیشتر نمی پیمودید و ترقی و تکاملی پیدا نمی کردید).

۳- اعتدال و وسطیت: چنانچه در قرآن کریم به همین معنی استعمال گردیده است: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ) (۳).

ترجمه: (ما کتاب های پیشین را برای ملّت های گذشته فرستادیم و) سپس کتاب (قرآن) را به بندگان برگزیده خود (یعنی امت محمدی) عطاء کردیم. برخی از آنان به خویشتن ستم می کنند، و گروهی از ایشان میانه روی و دست های از ایشان در پرتو توفیقات الهی در انجام نیکی ها پیشتازند. این (سبقت در خیرات) واقعاً فضیلت بزرگی است.

مطلب دوم - تعریف مقاصد اصطلاحاً

مقاصد در اصطلاح عبارت از آن اعمال و تصرفات مقصود بذات خودش است که انسان ها برای حصول آن با تلاش های مختلف خود را به آن می رسانند و یا هم برای رعایت و امتثال آنها هر نوع کوشش و تلاش را متحمل می شوند (۴).

۱ - ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبدالسلام محمد هارون، الناشر: دار الفکر، الطبعة (۱۳۹۹) جلد ۵، ص ۹۵.

۲ - سورة النحل، آیه ۹.

۲ - سورة فاطر، آیه ۳۲.

۴ - ابن عاشور، محمد الطاهر، مقاصد الشريعة الإسلامية، تونس، الشركة التونسية للتوزيع، ص ۵۰.

از نظر بنده تعریف راجح مقاصد شریعت این تعریف می باشد: مقاصد شریعت عبارت از آسانی و سهولت و مراد، مدلول و هدف حکم و تحقیق عدل و اعتدال و وسطیت است (۱).

مطلب سوم - تعریف شریعت لغتاً و اصطلاحاً

فرع اول: تعریف شریعت لغتاً

شریعت در زبان عربی به معانی ذیل به کار میرود:

۱- آب و منبع آن: چنانچه که به دین، طریقت، ملت، روش و سنت اطلاق میشود (۲).

۲- طریقه مستقیم و آشکار: چنانچه: (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا) (۳).

ترجمه: (ای مردم!) برای هر ملّتی از شما راهی (برای رسیدن به حقائق) و برنامه‌ای (جهت بیان احکام) قرار داده‌ایم.

فرع دوم: تعریف شریعت اصطلاحاً

شریعت را علما در اصطلاح تعریفاتی زیاد نموده اند که از آن جمله میتوان یاد آور شد:

شریعت در اصطلاح عبارت از اینست که بخاطر آن الله متعال پیامبران را به مقصد هدایت بشر به طرف حق در اعتقاد و باور، و همچنان نیکی و خیر در سلوک و معاملات فرستاده است (۴).

شریعت در اصطلاح عبارت از احکامی است که الله متعال آنرا مشروع گردانیده تا بنده ها به آن ایمان آورده و عمل کنند تا سعادت دنیا و آخرت را نصیب شوند (۵).

مطلب چهارم - تعریف مقصد شریعت اصطلاحاً

برای مقصد شریعت تعاریف متعدد از طرف علما بیان شده است که قرار ذیل می باشد:

۱- از نظر علامه محمد الطاهر بن عاشور (رحمه الله) (۶): مقاصد شریعت اسلامی عبارت از معانی و حکمت هایی است که شارع متعال در همه احوال تشریع آنها را در نظر گرفته است به گونه ای که مراعات آنها به نوع خاص احکام شریعت اسلامی اختصاص ندارد. بنابر این، این تعریف شامل ویژگی های شریعت اسلامی و غایه های عام آن و مفاهیمی میشود که تشریع اسلامی از مراعات آنها خالی

۱- الخادمی، نورالدین بن مختار، علم المقاصد الشریعة، الرياض، مکتبة العبيکان، ۲۰۰۹م، ص ۲۲.

۲- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، جلد ۳، ص ۲۶۲.

۳- سور المائدة، آیه ۴۸.

۴- العالم، یوسف، المقاصد العامة للشریعة الإسلامية، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹۱م، ص ۲۰.

۵- السایس، محمد علی، تاریخ تشریع اسلامی، طبع دوم، دار العصماء، ص ۱۹.

۶- ابن عاشور: محمد طاهر بن عاشور (۱۳۹۳-۱۲۹۶)، ریس مفتی های مالکی در تونس که در همان جا تولد و وفات یافته است و همچنان تحصیل علم را نیز در تونس نموده است. او از اعضای مجتمع های عربی در دمشق و قاهره بود. او تعداد از مصنفات دارد که مشهور ترین آنها عبارت از (مقاصد الشریعة الإسلامية) و (اصول النظام الاجتماعی فی الاسلام) می باشد. عادل نویض، معجم المفسرین «من صدر الاسلام و حتی العصر الحاضر»، لبنان، مؤسسة نوبیض الثقافية للتألیف و الترجمة و النشر، ج ۲، ص ۵۴۱.

نمیباشد. همچنان حکمت هایی را که در تمام انواع احکام ملحوظ نیستند، بلکه در اکثریت انواع آنها ملحوظ هستند نیز احتوا میکنند(۱).

۲- از نظر علال الفاسی(۲): مراد از مقاصد شریعت اسلامی و غایات، اهداف آن، اسراری است که شارع آنرا در حکم تمام احکام قرار داده است(۳).

از نظر بنده تعریف را که محمد طاهر بن عاشور ارائه نموده تعریف جامع و راجح میباشد. زیرا مقاصد شریعت اسلامی را به گونه تعریف نموده است که تمام ابعاد مقاصدی در آن جمع میگردد.

۱- ابن عاشور، محمد الطاهر، مقاصد الشريعة الإسلامية، تونس، الشركة التونسية للتوزيع، ص ۵۱.
۲- محمد علال بن عبدالواحد بن عبدالسلام بن علال بن عبدالله بن المجذوب الفاسی الفهری، رهبر ملی و یکی از علمای بزرگ مغرب است. وی در سال ۱۳۲۶ هجری در فاس تولد گردید و در قروین به کسب آموزش و علم پرداخت و برای یک مدت مسئولیت وزارت شئون اسلامی را به عهده گرفت و همچنان درس خوانده رشته حقوق میباشد که مصنفات وی عبارت از (دفاع عن الشريعة) و (النقد الذاتي) و (مقاصد الشريعة الإسلامية و مکارمها) میباشد. که در سال ۱۳۹۶ هجری وفات نموده است. (الأعلام جلد ۴، ص ۲۴۶).
۳- زحیلی، وهبة، اصول فقه اسلامی، دمشق: دار لفکر للطباعة و التوزيع و النشر، ۱۹۸۶م، ص ۷۸.

مبحث دوم - تقسیمات مقاصد شریعت اسلامی

مقاصد شریعت اسلامی به اعتبارات مختلف تقسیمات متعددی دارد که در این مبحث به آن پرداخته شده است که عبارت از مقاصد شریعت اسلامی از حیث محل و منشأ صدور، مقاصد شریعت اسلامی از حیث حصول، مقاصد شریعت اسلامی از حیث مراتب و مقاصد شریعت اسلامی از حیث ارتباط آن به عموم و خصوص تشریع که هر کدام آن قرار ذیل اندکی تشریح میگردد.

مطلب اول - مقاصد شریعت اسلامی از حیث محل و منشأ صدور

فرع اول - مقاصد شارع

مقاصد شارع عبارتند از اهدافی که مقصود شارع از اوامر و نواهی خویش میباشد این نوع مقاصد غایه های حمیده و اهداف بزرگی هستند که الله متعال تحقق آنها را خواسته است و آنها همان جلب مصالح و دفع مفاسد می باشد. مقاصد شارع از نظر امام شاطبی (رحمه الله) (۱) به چهار بخش ذیل تقسیم می شود:

۱- مقصود شارع از وضع شریعت در آغاز است: در زمینه توضیح این نوع می گوید: شرایع آسمانی به خاطر تأمین مصالح بندگان در حال و آینده وضع گردیده است (۲).

۲- مقصود شارع از وضع شریعت تفهیم است (۳).

۳- مقصود شارع از وضع شریعت تکلیف به موجب آن است (۴).

۴- مقصود شارع در آوردن اشخاص مکلف تحت احکام شریعت است (۵).

فرع دوم - مقاصد مکلف

این قسم مختص به مقاصد و اهداف مکلف نسبت به اعمالش میباشد چنانچه مقاصد مکلف در تمامی تصرفاتش اعتبار دارد. مقاصد در این جا میان عبادت و عادت فرق میگذارد، در عبادت بیان گردیده که واجب، مستحب، مباح و مکروه چیست همچنان بیان شده اداء و قضاء چیست زیرا عبادت در ایمان کفر تاثیر میگذارد و ممکن است یک عمل از روی ایمان باشد یا کفر که به مقصد و نیت آن تعلق میگیرد مانند سجده مثلاً اگر فعل به آن ملحق شود احکام واجب به آن تعلق میگیرد و اگر قصد آشکار شود آشکار شود هیچ کدام به آن تعلق نمیگیرد مانند اعمال شخص خوابیده. بنابر این لازم است که قصد مکلف موافق با

۱ - ابراهیم بن موسی بن محمد لخمی غرناطی مشهور به شاطبی مکنی به ابو اسحاق از علماء اندلس، اصولی، مفسر، فقیه، محدث، لغوی و از ائمه بزرگ مالکیه به شمار می آید از کتاب های او (الموافقات فی اصول الفقه) و (المجالس) در شرح کتاب البیوع از صحیح بخاری و (الإفادات والإرشادات) در ادب و (الاتفاق فی علم الانشقاق) و (اصول النحو) را میتوان نام برد راجع به تاریخ دقیق تولد او اصلاعی در دست نیست. اما تاریخ وفاتش را ۷۹۰ ق گفته اند طبقات المالکیه ص ۸۲۸.

۲ - شاطبی، ابراهیم بن موسی اللخمی، الموافقات فی اصول الشریعة، تحقیق: ابو عبیده مشهور بن حسن ال سلمان، دار ابن عفان، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۵.

۳ - همان اثر، الموافقات فی اصول الشریعة، ج ۲، ص ۵.

۴ - همان اثر، الموافقات فی اصول الشریعة، ج ۲، ص ۵-۶.

۵ - همان اثر، الموافقات فی اصول الشریعة، ج ۲، ص ۱۰۷.

قصد شارع باشد در غیر این صورت عمل باطل می باشد و هر کس مخالف آنچه را که شریعت وضع کرده است را تعقیب کند ناقض شریعت است و هر کس ناقض شریعت باشد عمل وی باطل است (۱).

مطلب دوم - مقاصد شریعت اسلامی از حیث زمان حصول

فرع اول - مقاصد دنیوی

مقاصد دنیوی اموری اند که موجب تحقق مصالح و دفع مفاسد در دنیا می گردد (۲).

فرع دوم - مقاصد اخروی

مصالح اخروی دارای مفهوم وسیع بوده به گونه که تمام آنچه که الله متعال بدان امر، و از آنچه که الله متعال منع فرموده در بر می گیرد. مصالح اخروی انجام دادن واجبات، و دروی از محرمات است که از قسم ضروریات بوده و در این تکالیف تمام مصالح دنیوی و اخروی بنده ها نهفته است و این لطف و مرحمت الله متعال می باشد (۳).

مطلب سوم - مقاصد شریعت اسلامی از حیث مراتب

مقاصد شریعت از این جهت به سه بخش تقسیم می شود: که عبارت است از مقاصد ضروری، مقاصد احتیاجی و مقاصد تحسینی می باشد.

فرع اول - مقاصد ضروری

عبارت از اموری اند که زندگی دینی و دنیوی انسان ها به آنها وابسته بوده و در صورت عدم موجودیت آنها نظام زندگی دنیا مختل گردیده و فساد در جامعه شیوع پیدا می کند. آنها عبارتند از دین، نفس، عقل، نسل و مال. اسلام جهت تحقق دین عبادات را فرض گردانده و جهت حفظ آن جهاد و عقوبت مرتد را مقرر کرده است، به خاطر ایجاد نفس ازدواج را مشروع قرار داده و جهت حفظ آن تناول خوردنی ها، نوشیدنی ها و پوشیدنی ها را ضروری پنداشته است و همچنین برای حفظ آن قتل را حرام قرار داده و در صورت ارتکاب به آن قصاص، دیت و کفارت را مقرر داشته است، برای انکشاف عقل تحصیل علوم را مقرر گردانده و هر آنچه که آن را فاسد و یا ضعیف می سازد، مانند مسکرات و مخدرات، حرام قرار داده است. شریعت اسلامی جهت بقای نسل نکاح را مشروع ساخته و برای حفظ آن جرم زنا و قذف را حرام قرار داده است. دین اسلام برای ایجاد مال کوشش و تلاش و انواع معاملات مالی را مشروع گردانیده و به خاطر حفاظت آن جرایم سرقت، راهزنی، ربا خواری، خیانت و غیره را حرام قرار داده است و مرتکبین این نوع اعمال را مستحق جزا های حدود و تعزیر دانسته است (۴).

۱ - ببین: المقرن، محمد بن سعد، مقاصد الشریعة الاسلامیة فی حفظ المال و تنمیته، المملكة العربیة السعودیة، جامعة ام القرى، ۱۴۲۰ق. ص ۴۵.

۲ - همان اثر، الموافقات فی اصول الشریعة، ج ۲، ص ۸.

۳ - العز بن عبدالسلام، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، قاهره، ناشر: مکتبة کلیات الازهریة، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۰.

۴ - الزحیلی، دکتور وهبة، اصول فقه الاسلامی، ناشر: دار الفکر، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۰۲۲.

فرع دوم - مقاصد احتیاجی

اینها اموری اند که مردم به آنها به خاطر رفع حرج و دفع مشقت نیاز دارند و با از میان رفتن آنها نظام زندگی مختل نمی شود، لیکن به مردم مشقت و تنگی و سختی می رسد، حاجات (نیازمندی ها) این همه بخاطر رفع حرج و تنگی مردم بر می گردد و شریعت اسلامی برای تحقق بخشیدن این هدف احکام مختلف را آورده است. در عبادات: رخصت بخاطر دفع حرج مشروع گردیده است، شارع برای مریض و مسافر افطار را مشروع گردانیده است و در وقت بیماری نماز را به طور نشسته «مشروع گردانیده» است و همچنان جمع ساختن نماز ها را در سفر و تیمم را در نبود آب و توجه به غیر قبله را در کشتی و طیاره در صورت تغییر جهت از قبله بخواندن نماز مشروع گردانیده است. و در معاملات: انواع معاملات مشروع گردیده است به استثناء قواعد عمومی از جمله شارع بیع سلم، استصناع، اجارات و مزارعت را مباح گردانیده است و برای رهایی و خلاصی ازدواج در صورتیکه بقاء و دوام اش درست نماند، طلاق مشروع گردیده است. همچنان در عقوبات: قاعده دفع حدود به شبهات و دیت بر ورثه در قتل خطا بخاطر تخفیف از قاتل مشروع گردیده است، این است که برای مراعات شریعت به مصالح حاجیات علاوه از نصوص جزئی نصوص عمومی دلالت دارد (۱)، الله متعال میفرماید: (مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ) (۲).

ترجمه: خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد. و همچنان میفرماید: (وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ) (۳).

ترجمه: و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است. همچنان میفرماید: (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ) (۴).

ترجمه: خداوند آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست.

فرع سوم - مقاصد تحسینی

عبارت از چیز های اند که احوال مردم را بر مقتضای آداب عالی و اخلاق درست جاری بسازد و با فوت شدن آنها نظام زندگی مختل نمی شود و نه به مردم مشقت و حرج می رسد، لیکن زندگی شان را برخلاف تقاضای مروت و اخلاق گران مایه و فطرت سلیم می گرداند، شریعت اسلامی این مصالح زیبایی ها را در عبادات و معاملات و عادات و عقوبات مراعات نموده است. در عبادات: ستر عورت را و پوشیدن لباس خوب را در وقت دخول به مسجد و تقرب جستن را به نوافل از قسم صدقات، نماز و

۱ زیدان، عبدالکریم، الوجیز فی اصول فقه، مترجم: عبدالناصر زاهدی، کابل، انتشارات: رسالت، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۸۰

۲ - سوره مائده، آیه ۶.

۳ - سوره حج، آیه ۷۸.

۴ - سوره بقره، آیه ۱۸۵.

روزه مشروع گردانیده است. و در معاملات امتناع و بازداری از فروش نجاسات و اسراف و بیع کردن انسان بر بیع برادرش مشروع گردانیده است. و در عادات: عمل کردن به آداب خورد و نوش را مانند به دست راست خوردن و از پیش خود خوردن و پذیرفتن و آماده شدن به اخلاق فاضله را مشروع گردانیده است. و در عقوبات: مثله کردن مقتول را در قصاص و جنگ ها حرام قرار داده است، چنانکه قتل زنان و اطفال را در جنگ حرام قرار داده است(۱).

مطلب چهارم - مقاصد شریعت اسلامی از حیث ارتباط آن به عموم و خصوص تشریع

فرع اول - مقاصد عمومی

مقاصد عمومی همان اموری است که شارع حکیم در همه و یا اکثر احکام خویش آنها را مراعات نموده است، مانند امور ضروری. این مقاصد شامل اوصاف شریعت اسلامی مانند: فطرت، یسر و آسان گیری می باشد. هدف کلی از آن (درء المفسد و جلب المصالح) است و همچنان مراعات نمودن همان حکمت ها و اسراری که شریعت بر آن استوار است. می باشد مانند: رفع حرج و دفع ضرر و امثال آن(۲).

فرع دوم - مقاصد خصوصی

عبارت است از اهداف و حکمت های تعیین شده از طرف شارع در یکی و یا در چند باب متقارب از ابواب تشریع، مانند: مقاصد شارع در بخش عقوبات و یا معاملات مالی و یا عبادات مالی و یا اقامه نظام خانواده و امثال آن(۳).

مقاصد خصوصی شامل عقوبات حدود و تعزیزات، احکام و مسایل خانواده، تصرفات مالی، اجاره بدنی، تبرعات، احکام قضاء و شهادت، تصرفات قاضی ارجاع حقوق به صاحبان اصلی می باشد. عده یی از اهل علم این مقاصد را جزو حقوق بر شمرده اند، زیرا در حقوق حفظ مصالح مردم صورت می گیرد این حقوق شامل حقوق الله و حقوق بنده و حقوق مشترک می باشد(۴).

۱ - همان اثر، الوجیز فی اصول الفقه، مترجم: عبدالناصر زاهدی، ص ۳۸۱.

۲ - همان اثر، مقاصد الشریعة الاسلامیة، ج ۲، ص ۱۲۰.

۳ - جغیم، نعمان، طرق الكشف عن مقاصد الشارع، اردن، دار النفائس، ص ۲۷

۴ - همان اثر، مقاصد الشریعة الاسلامیة، ج ۲، ص ۱۲۲.

مبحث سوم - طرق شناخت مقاصد شریعت اسلامی

در این مبحث به طرق و روش های که مقاصد شریعت اسلامی توسط آن شناخته می شود پرداخته شده است که روش های شناخت مقاصد شریعت اسلامی قرار ذیل میباشد.

مطلب اول - طریقه استقراء

استقراء در لغت به معنای تتبع می آید. چنانچه گفته میشود (استقرات الاشياء ای تتبع افرادها لمعرفة احوالها و خواصها)(۱).

یعنی افراد و جزئیات اشیاء را به خاطر شناخت حالات و ویژگی های آن پیگیری کردم. واستقراء در اصطلاح عبارت از تتبع جزئیات به منظور رسیدن به کلیات را گفته می شود(۲).

یا به عبارت دیگر جستجوی امور جزئی است، تا بتوانیم حکم آنها را به سائر جزئیات که مماثل آن است منتقل نماییم(۳).

فرع اول - انواع استقراء

استقراء به دو نوع است یکی استقراء تام و دیگر استقراء ناقص که هر یک را توضیح می نمایم.

جزء اول - استقراء تام: عبارت است از اینکه یک تحقیق کننده تمام جزئیات یک حادثه را بدون استثناء مورد مطالعه خود قرار میدهد و بدین وسیله به دریافت قوانین کلی و عمومی حاکم بر آن ها واصل میگردد(۴).

یا به عبارت دیگر استقراء تام عبارت است از جستجوی همه جزئیات و افراد یک کلی و مشاهده اشتراک همه آنها در یک امر که نتیجه آن قاعده کلی است، این نوع استقراء حجت است زیرا موجب قطع میشود و حکم آن در صورت نزاع ثابت می گردد(۵).

به طور مثال هر نماز یا فرض می باشد و یا نفل، برای هر نماز طهارت شرط است، پس هر نماز بدون طهارت صحیح نیست. واضح است که این مساله یک امر قطعی است، وقتی که به تفصیل در هر فرد ثابت گردد. در اجمال هر آئینه ثابت می گردد(۶).

۱ - الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، محقق: محمدیوسف الشیخ بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۸هـ، ص ۲۵۹، ماده: القُرء.

۲ - الغزالی، ابو حامد محمد بن محمد، المستصفی من اصول فقه، محقق: محمد عبدالسلام عبدالشافی، دار لکنت العلمية، ج ۱، ص ۵۱.

۳ - همان اثر، المستصفی، محقق: محمد عبدالسلام عبدالشافی، ج ۱، ص ۴۱.

۴ - امام، عبدالفتاح، حسن ضواجرى و حماد فلاح، الغزالی، المنطق و مناهج البحث العلمی، الجماهيرية العربية الليبية الشعبية الاشتراكية: امانة التعليم، ۱۹۸۲م، ص ۲۲۰.

۵ - الزركشي، بدرالدین محمد بن بهادر بن عبدالله، البحر المحيط فی اصول الفقه، محقق: محمد تامر، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمية، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۳۲۱.

۶ - همان اثر، بحر المحيط فی اصول الفقه، محقق: محمد تامر، ج ۴، ص ۳۲۱.

جزء دوم - استقراء ناقص: استقراء ناقص عبارت است از اینکه یک تحقیق کننده بعضی از جزئیات یک حادثه را مورد مطالعه خود قرار میدهد و بدین وسیله قوانین کلی و عمومی حاکم بر آن ها را کسب می کند و بعد از آن قوانین کلی و عمومی را که به دست آورده است تعمیم نموده و بر سایر جزئیات آن حادثه که تا کنون مورد مطالعه قرار نگرفته اند و با جزئیات که مورد مطالعه قرار گرفته اند مشابهت دارند تطبیق می نماید(۱).

استقراء ناقص بررسی بیش تر افراد کلی که نتیجه آن ظن به حکم کلی است، این قضیه نزد فقهاء الحاق فرد به اغلب مسمی شده است(۲).

این استقراء در صورتی است که همه افراد مورد نظر بررسی نشده باشند به این صورت که در تعدادی از آنها که بررسی شده صفت معینی بیابیم و سپس حکم کنیم که همه افراد آن، دارای صفت مزبور اند. این نوع استقراء ایجاد کننده یقین نیست، زیرا در آن ذهن از ملاحظه و بررسی موارد معدود به حکم کلی دست یافته و آن چه را که در موارد معدود مشاهده کرده است بر موارد دیگر که هنوز بررسی نشده تعمیم می دهد در حالی که این تعمیم ضرورت عقلی و منطقی ندارد و ممکن است حکم برخی از موارد ملاحظه نشده بر خلاف موارد ملاحظه شده باشد بدیهی است هر قدر شمول حکم کلی کم تر و تعداد جزئیات ملاحظه شده بیش تر باشد، حکم کلی به یقین نزدیک تر خواهد بود. به عنوان مثال به اساس استقراء معلوم گردیده که حد اکثر مدت حمل چهار سال است زیرا این قضیه در زنان بنو عجلان واقع گردیده به همین دلیل شمولیت حکم بر موارد دیده نشده حتمی نیست و استقراء ناقص موثوق به نیست(۳).

فرع دوم - حجت بودن استقراء

استقراء تام بدون اختلاف در امور شرعی حجت است؛ زیرا هر گاه حکم برای هر جزء از جزئیات یک حادثه به طور مفصل ثابت باشد خواهی خواهی برای همه جزئیات آن حادثه به طور مجمل ثابت خواهد بود. اما در ارتباط به اینکه استقراء ناقص در مسایل شرعی حجت است یا خیر محل اختلاف قرار گرفته است؛ زیرا حکمی که برای جزئیات یک حادثه ثابت میشود در استقراء ناقص احتمال دارد برای برخی از آنها ثابت نشود و دیگر این که شناخت تمامی جزئیات یک حادثه مشکل است پس مورد اعتماد نخواهد بود مگر اینکه با اجماع مورد تایید قرار گیرد اما اصلاح این است که استقراء ناقص مفید ظن غالب

۱ - قاسم، محمود، المنطق و مناهج البحث العلمي، القاهرة: مكتبة الانجلو المصرية، ۱۹۵۳م، ص ۵۱.

۲ - همان اثر، البحر المحيط فی اصول الفقه، محقق: محمد تاجر، ج ۴، ص ۳۲۱.

۳ - عبدالکریم بن علی بن محمد النملة، الجامع لمسائل أصول الفقه و تطبيقاتها على المذهب الراجح، ناشر: مكتبة الرشد، ریاض، ۲۰۰۰م، ص ۳۹۷.

است. اما زرکشی (رحمه الله) (۱) در کتاب البحر المحیط فی اصول الفقه می گوید: امام شافعی (رحمه الله) (۲) در موارد زیاد با استقراء ناقص استدلال نموده است مانند: حایضه شدن در سن ۹ سالگی، در مدت اقل و اکثر مدت حیض... (۳). امام غزالی (رحمه الله) (۴) در کتاب المصطفی من علم الاصول میگوید: اگر استقرا تام باشد صلاحیت حجیت را در قطعیات دارد و اگر تام نباشد صلاحیت حجیت را ندارد مگر در مسایل فقهی؛ زیرا هر گاه اکثریت جزئیات یک حادثه بر یک نمط باشند غالب گمان پیدا باشد که آن جزئی دیگر نیز بر همین نمط میباشد (۵).

مطلب دوم - طریقه علل احکام

مراد از روش شناخت علل احکام عبارت از طرقي است که مجتهد به واسطه آن علل احکام شرعی را شناسایی میکند و علل آن یا به صراحت توسط شارع در نصوص و احکام بیان شده یا هم با استنباط مجتهد بواسطه قرائن لفظی، عقلی و یا هم اقتضایی (۶). که آنها عبارتند از: نص، اجماع و استنباط اند که هر یک را اندکی تشریح میکنیم.

فرع اول - نص

یکی دیگر از طریقه های دستیابی به مسالک العله یا علل امر و نهی شریعت نص است. مقصود از نص در مسالک العله نصی است که دلالت آن بر علت بودن ظاهر می باشد، خواه قطعی باشد یا ظنی نص به این معنی اعم تر از نص است که دلالت الفاظ در عین نص وجود داشته باشد. الفاظ نص ظاهر در مورد علت بودن متعدد است که مهمترین آن عبارتند از:

۱ - لفظ کی: یکی دیگر از الفاظ که از نص علت حکم دانسته میشود لفظ (کی) است این لفظ نیز تصریح به علت حکم دارد چنانچه در این آیه قرآن کریم ذکر شده است: (مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ

۱ - زرکشی (رحمه الله): بهادر بن عبدالله ملقب به زرکشی و بدر الدین و مکنی به ابو عبدالله میباشد وی از فقهای شافعی و علمای برجسته اصولی آنها است، اصل ایشان از ترک بوده و در مصر سال ۷۴۵ ه ق / ۱۳۴۴ میلادی متولد گردیده و در سال ۷۹۴ ه ق / ۱۳۹۲ میلادی در همان جا وفات یافته است. از آثار ایشان الإجابة الإیراد ما استدرکنه عایشه علی الصحابه، لقطه العجلان، البحر المحیط، المنتور فی القواعد الفقهية میباشد (ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل احمد بن علی بن محمد، ۱۳۹۲ ه ق / ۱۹۷۲ م). الدرر الکافة فی أعیان المانة الثامنة، الهند: دایرة المعارف العثمانية (۳۹۷/۳)

۲ - ابو عبدالله محمد بن ادریس تابعی است که در عبدالمناف نسبش با نسب پیامبر صلی الله علیه وسلم تلافی میکند فقیه، محدث و صاحب مذهب شهیر جهان اسلام است او در سال ۱۵۰ ق تولد شده و در سال ۲۰۴ ق در کشور مصر وفات کرده است و تصانیف زیاد دارد که الام و الرسالة از مشهور ترین تصانیف او در علم فقه و اصول فقه است. سیر الاعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵.

۳ - همان اثر، البحر المحیط فی اصول فقه، ج ۶، ص ۱۱-۱۰.

۴ - محمد بن محمد مکنی به ابو حامد طوسی ملقب به غزالی است وی حجت الاسلام و فیلسوف است از آثار وی احیاء علوم الدین و المستصفی و غیره میباشد در سال ۵۰۵ ق وفات یافته است. فیات الأعیان، ج ۱، ص ۴۶۳.

۵ - همان اثر، المستصفی من علم الاصول، ج ۱، ص ۱۶۳.

۶ - همان اثر، طرق الكشف عن مقاصد شارع، ص ۱۶۵.

مِنْكُمْ ... (۱). ترجمه: چیزهایی را که خداوند از اهالی این آبادی‌ها به پیغمبرش ارمغان داشته است، متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه مانده می‌باشد. این بدان خاطر است که اموال تنها در میان اشخاص ثروتمند شما دست به دست نگردد (و نیازمندان از آن محروم نشوند). لفظ کی در این آیه نص و صریح در علت حکم است. امام غزالی کی را از جمله الفاظ صریح در علت امر و نهی ذکر کرده است (۲).

۲ - لفظ مفعول له: ابن قیم الجوزیه (رحمه الله) (۳) مفعول له را در اسباب تعلیل ذکر نموده است و مثال آن را این آیه قرانی ذکر کرده اند که در آن مفعول له دلالت بر علت حکم دارد (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (۴).

ترجمه: ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرده‌ایم که بیان‌گر همه‌چیز (امور دین مورد نیاز مردم) است. نصب کلمه (تِبْيَانًا) بنابر مفعول له از وجوه دیگر احسن و خوب تر است و بر این مبنا، تبیان، علت نزول کتاب دانسته شده است (۵).

۳ - لفظ لعل: یکی دیگر از الفاظ که از نص علت حکم دانسته شده لفظ (لعل) است لفظ (لعل) را زر کشی از الفاظ ظاهر در تعلیل آورده است و وقتی که عاری از معنای ترجی باشد، منحصر در تعلیل می آید و نسبت آن در کلام خداوند جل جلاله صحیح است زمانی که مقارن با معنای ترجی و امید شود، نسبت آن با مخلوق می شود (۶). چنانچه خداوند جل جلال می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (۷).

ترجمه: ای مردم! خدای خود را بپرستید، آن که شما را و کسانی را آفریده است که پیش از شما بوده‌اند، تا (خود را بدین وسیله پاک سازید و) راه پرهیزگاری گیرید. درآیه (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) علت است برای (اعْبُدُوا).

۴ - لفظ اذ: زرکشی (رحمه الله) حرف (اذ) را از الفاظ ظاهر در علت ذکر نموده (۸).

۱ - سوره حشر، آیه ۷.

۲ - ببین: الغزالی، ابو حامد محمد بن محمد، شفاء الغلیل فی بیان الشبه و المخیل و مسالک التعلیل، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۹۷۱م، ص ۲۴.

۳ - ابن قیم محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد ابو عبدالله جوزیه یکی از بزرگترین شاگردان ابن تیمیه رحمه الله بود بین سال های ۶۹۱-۷۵۱ق زندگی نموده است در فقه و علم در عصرش بی نظیر و حنبلی مذهب بود، تولد و وفاتش در دمشق شده است تالیفات زیاد کرده است از جمله: (تهذیب سنن داود) و (سفر الهجرتین) و (باب السعادتین) و غیره. طبقات الحنابلة، ج ۵، ص ۱۷۱.

۴ - سوره النحل، آیه ۸۹.

۵ - ببین: ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، شفاء العلیل فی مسائل القضاء و القدر و الحکمة و التعلیل، دارالمعرفة، بیروت، لبنان، ۱۹۷۸م، ص ۴۲۲.

۶ - همان اثر، البحر المحیط، ج ۷، ص ۲۴۹.

۷ - سوره بقره، آیه ۲۱.

۸ - همان اثر، البحر المحیط، ج ۷، ص ۲۵۰.

و به عنوان مثال به این آیه قرآنی استناد کرده است: (وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ آلْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ) (۱).

ترجمه: هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی نمی‌بخشد، چرا که شما ستم کرده‌اید، و حق این است که همگی در عذاب دوزخ مشترک باشید.

فرع دوم - ایماء یا اشاره

ایماء مشتق از ماده (أومأ) و به معنای اشاره با دست و سر می‌باشد (۲).

ایماء و تنبیه در اصطلاح اصولی: در علم اصول به نحو معمول هر دو واژه در یک معنا به کار رفته و بر دلالتی اطلاق می‌شود که از سیاق کلام و یا لازم معنا به دست می‌آید. ایماء و تنبیه بر اساس فهم عرفی هم همین لازم عقلی و یا عرفی مد نظر متکلم و یا گوینده است. در حالی که مدلول کلام مطابقی نیست. یعنی الفاظ کلام او برای معنای مورد نظر وضع نشده است (۳).

با شناخت مفهوم ایماء فرق میان نص صریح نص ظاهر و ایماء نیز آشکار می‌شود. بدین توضیح که در نص صریح لفظ فقط برای علت وضع شده و احتمال دیگر نداشته باشد. نص ظاهر آنست که لفظ برای تعلیل وضع شده باشد و احتمال دیگر نیز داشته باشد. ایماء و اشاره عبارت از این است که لفظ برای تعلیل وضع نه شده باش، داما تعلیل از سیاق کلام و با دیگر قرائن لفظی فهمیده شود (۴).

فرع سوم - اجماع

یکی از طرق دیگر دستیابی به اهداف و مقاصد شریعت، از طریق مسالک العله و یا علل اوامر و نواهی شریعت، اجماع است. بدین توضیح که از نظر علمای علم اصول فقه، در قیاس تنها وجود علت در اصل و فرع کفایت نمی‌کند و علاوه بر علت، به دلیل ضرورت است که به معتبر بودن علت به حیث شاهد دلالت کند (۵).

در اینجا اجماع از همان دلایلی است که در یک حکم به علت بودن وصف معین به اتفاق امت محمد (صل الله علیه وسلم) را نقل می‌کند. به عنوان مثال برادر حقیقی یا اعیانی (برادری که از پدر و مادر هر دو شریک می‌باشد) در استحقاق میراث بر برادر علاتی (برادری که فقط در پدر شریک می‌باشد) مقدم تر است، زیرا سلسله قرابت برادر اعیانی نسبت به برادر علاتی نزدیکتر و قوی تر است، پس به همین علت گفته می‌شود که ولایت نکاح برادر اعیانی نسبت به برادر علاتی مقدم تر است. هم چنان اگر

۱ - سوره الزخرف، آیه ۳۹.

۲ - ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، بیروت، ناشر: دارصادر، ۱۴۱۴ه، ج ۶، ص ۴۹۴۶.

۳ - سعدی، عبدالحکیم عبدالرحمن اسعد، مباحث العلة فی القیاس عند الاصولین، بیروت، ناشر: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۰۶ق، ص ۳۷۳.

۴ - عبدالکریم بن علی محمد النملة، المذهب فی علم اصول الفقه المقارن، ریاض، ناشر: دارالنشر، ۱۹۹۹م، ج ۵، ص ۲۰۳۷.

۵ - همان اثر، البحرالمحیط فی اصول الفقه، ج ۳، ص ۱۸۷.

کسی بمیرد و برادر اعیانی و علاتی داشته باشد، برادر اعیانی به ادای نماز جنازه از برادر علاتی مستحق تر است (۱).

مطلب سوم - طریقه استنباط

استنباط به چهار نوع ذیل تقسیم می شود:

فرع اول - سیر و تقسیم

سیر در لغت به معنای تجربه، آزمایش و اختیار است (۲) و تقسیم به معنای تفریق می آید (۳).

سیر به معنی امتحان کردن است. روی همین دلیل است که میله جراحی را که عمق زخم را با آن اندازه گیری می کنند بسیار می گویند. و تقسیم به معنای آن است که مجتهد صفات زیادی را که صلاحیت علیت برای حکم مورد نظر دارند، جمع آوری می کند سپس هر یک از آن را مورد آزمایش قرار میدهد و می بیند که کدام یک از آنها صلاحیت علت واقع شدن را برای حکم مورد نظر دارد و کدام یکی از آنها ندارد پس از آن صفتی را که دلیل بر عدم علیت آن دلالت میکند لغو و آن صفتی را که دلیل بر علیت آن دلالت میکند ابقاء می نماید (۴).

به عنوان مثال نص در مورد تحریم خمر وارد شده است. لکن حدیث (کل مسکر خمر) (۵).

به یکی از مجتهدان نرسیده و یا رسیده اما وی آن را صحیح نمی داند در این حال او از طریق سیر و تقسیم به بحث از علت تحریم خمر می پردازد و به این منظور اوصافی را که ممکن است یکی از آنها علت تحریم خمر باشد. گردآوری و بررسی می کند مانند این که خمر از انگور است یا خمر مایع است یا خمر مست کننده است و سپس با توجه به شروط علت، به بررسی این اوصاف می پردازد و وصف اول را به این علت که قاصر است و نمی تواند علت حکم باشد، لغو می کنند زیرا شرط این است که علت وصفی قابل تسری و تعدی برای غیر باشد که در این مورد نیست سپس وصف دوم یعنی مایع بودن خمر را هم لغو می کند زیرا این وصف طردی یعنی اتفاقی است و هیچ رابطه یی با حکم ندارد و نمی تواند و تاثیری در آن داشته باشد پس وصف سوم یعنی مست کننده بودن آن را باقی می گذارد زیرا این وصف، وصف ظاهر و مناسب با حکم است (۶).

۱ - همان اثر، البحر المحیط فی اصول الفقه، ج ۳، ص ۱۸۷.

۲ - همان اثر، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۳۴.

۳ - همان اثر، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۸۰.

۴ - الخلاف، عبد الوهاب، علم اصول فقه، مصر، مکتبة الدعوة، ص ۷۷.

۵ - النیسابوری، ابوالحسن مسلم بن الحجاج القشیری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۸۷، شماره حدیث: ۲۰۰۳.

۶ - همان اثر، الوجیز فی اصول الفقه، مترجم: عبدالناصر زاهدی، ص ۲۰۸.

فرع دوم - دوران

دوران عبارت است از حدوث حکم با حدوث وصف و انعدام حکم با انعدام وصف، مانند اسکار با عصیر انگور. دوران یا در محل واحد است یا در دو محل. هرگاه دوران در یک محل باشد، مانند اسکار در تحریم عصیر. زیرا عصیر قبل از آن که در آن اسکار موجود شود حلال بود، هنگامیکه اسکار موجود شد حرام شد، و زمانی که اسکار در آن زایل شود و به خل تبدیل شود حلال می شود. بنابر این وجود تحریم و عدم آن موقوف بر وجود و عدم اسکار است. و هرگاه دوران در دو محل باشد مانند طعم در تحریم ربا. زیرا هرگاه طعم در سیب موجود شد، سیب ربوی است و هرگاه در حریر موجود نباشد، حریر ربوی نخواهد بود، در این حالت جریان ربا با طعم زایل است و این مثال طبق نظر کسی است که می گوید: علت ربا طعم است (۱).

فرع سوم - مناسبت

مناسبت در لغت به معنای هم شکل بودن، موافق بودن، سازگار بودن، سزاوار بودن و شایسته بودن به کار برده می شود و در اصطلاح علمای اصول فقه عبارت است از موافقت و سازگاری میان وصف ظاهر منضبط و حکم به گونه ای که بر تشریع حکم بر اساس وصف مذکور، از نقطه نظر عقلی، مصالح دینی و دنیوی مردم تأمین و مفاسد آنان مرفوع گردد (۲).
یا به الفاظ دیگر مناسبت یعنی وصف سازگار با منافع مردم. منکرین علیت مصالح و مفاسد در احکام الهی گفته اند: وصف مناسب، وصفی است که با اعمال اهل عقل در عادت هایشان سازگاری داشته باشد (۳).

فرع چهارم - تنقیح مناط

تنقیح در لغت به معنی پاکیزه کردن و اصلاح کردن کلام از عیب است و مناط در لغت به معنای آویختگی و جای آویختن آمده است. علت را بدان جهت مناط می گویند که شارع حکم شرعی را به آن معلق ساخته است. و در اصطلاح علماء اصول تنقیح مناط عبارت است از پاکیزه کردن علت از اوصافی که هیچ گونه دخالتی در تشریع احکام ندارند (۴).

۱ - ابن النجار، تقی الدین ابو البقاء محمد بن احمد بن عبدالعزیز، شرح الکوکب المنیر، تحقیق: محمد الزحیلی و نزیه حماد، ناشر: مکتبه العبیکان، ۱۹۹۷م، ج ۴، ص ۱۹۲.

۲ - الطوفی، ابو الربیع نجم الدین سلیمان بن عبدالقوی، شرح مختصر الروضة، تحقیق: عبدالله بن عبد المحسن التدرکی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۸۷م، ج ۳، ص ۳۸۴.

۳ - الرازی، فخر الدین ابو عبد الله محمد بن عمر، المحصول فی علم اصول فقه، محقق: دکتر طه جابر فیاض العلونی، موسسه الرساله، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۱۹.

۴ - همان اثر، المحصول فی علم اصول فقه، ج ۵، ص ۲۲۹.

ابن قدامه (رحمه الله) (۱) می گوید: تنقیح مناط آن است که شارع حکم را به همراه سببش بیان کرده، لکن اوصافی که مدخلیتی در حکم ندارند، به همراه سبب اند. پس باید که آن اوصاف از ارزش بیفتند تا دایره شمول حکم گسترش پیدا کند (۲).

مطلب چهارم - طریقه تصریح به مصالح با امر و به مفسد با نهی

راه دیگر شناخت مقاصد شریعت اسلامی تصریح به مصالح با امر و به مفسد با نهی است. هرگاه الله متعال و رسول الله (صلی الله علیه و سلم) به چیزی امر نمایند همراه با بیان مصالح آن یا از چیزی نهی نمایند همراه با بیان مفسد آن، فهمیده می شود که جلب چنین مصلحت از امر یا دفع چنین مفسده از نهی از زمره مقاصد شرع است (۳).

امام العز (رحمه الله) (۴) گفته است که کتاب الله و سنت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در برگیرنده امر به تمام مصالح و در برگیرنده نهی از تمام مفسد می باشد که بر این مصالح و مفسد فعل امر و نهی و همچنان الفاظ وعده و وعید نیز بر آن دلالت میکند. پس هر فعل که مصلحت را متحقق می سازد آن فعل واجب یا مندوب و یا هم مباح میباشد و هر فعل که مفضی به مفسده می شود حرام یا مکروه میباشد (۵).

۱- الامام القدوة علامه شیخ الاسلام موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه المقدسی الجماعلی الدمشقی که بین سال های ۵۴۱ الی ۶۲۰ ق زندگی نموده است وی زاهد، متکلم، محدث و فقیه و از افراد بسیار نامدار خاندان مقدسی است. موفق الدین در زمینه های گوناگون همچون فقه، نحو، حساب، فرائض و نجوم دست بالا داشت، ابن قدامه کتاب های فراوانی به یادگار گذاشته است که از جمله (المغنی فی شرح مختصر الخرقی) و (روضة الناظر و جنة المناظر) و غیره را میتوان نام برد. طبقات حنابلة، ج ۴، ص ۱۳۳.

۲- ابن قدامه، موفق الدین عبدالله بن احمد، روضة الناظر و جنة المناظر فی اصول الفقه علی مذهب الامام احمد بن حنبل، مؤسسة الريان للطباعة و النشر و التوزيع، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳- همان اثر، طرق الكشف عن مقاصد الشارع، ص ۱۷۱.

۴- امام العز رحمه الله که نامش عبدالعزيز و نام پدرش عبدالسلام و نام پدرکلان اش ابی القاسم بن حسن است و کنیه اش ابو محمد بود. امام عز الدین در سال ۵۷۷ق در شهر دمشق چشم به جهان گشود و به امام العز در میان مردم مشهور بود و به سلطان العلماء که به این لقب او را شاگردش ابن دقیق العید یاد کرده است و به شیخ الاسلام نیز یاد شده است. (ببین: مرآة الزمان فی معرفة تاریخ اعیان: ص ۲۷۹)

۵- همان اثر، الموافقات فی اصول الشریعة، ج ۴، ص ۲۷.

مبحث چهارم - مفهوم مال

مال اهمیت و جایگاه ویژه ای در زندگی مؤمن دارد که در این مبحث به مفهوم مال، انواع مال و اهمیت مال در اسلام پرداخته شده است.

مطلب اول- مال در لغت و اصطلاح

مال در لغت: مال از ریشه مول گرفته شده که در لغت میل و خواهش است چون مال طرف خواهش و میل است آنرا مال میگویند که جمع آن اموال است (۱).

همچنان مال در لغت بر هر شی که انسان آنرا تملک نماید اطلاق میگردد؛ همان طوری که بر اشیا که دارای ارزش اقتصادی باشد اطلاق میگردد (۲).

در مفهوم فقهی مال تعریف فقهاهایی احناف با جمهور فقهاء در مورد مال اندک مختلف است که در ذیل به آن اشاره میگردد:

فرع اول - تعریف فقهای احناف

فقهایی احناف در میان خود نیز تعاریفات متعدد بیان کرده اند از جمله:

(۱) سرخسی (رحمه الله) (۳): میگوید مال اسم آن چه که برای اقامه مصلحت انسان ها آفریده شده است اما به اعتبار اینکه ویژه گی مال قرار گرفتن و حیات را داشته باشد (۴).

(۲) ابن نجیم (رحمه الله) (۵): نیز تعریف نزدیک به سرخسی (رحمه الله) را آورده چنانچه بیان میدارد مال اسم است برای غیر انسان که جهت مصلحت هایی آدمی خلق گردیده که با اختیار احراز و تصرف در آن ممکن است (۶).

فرع دوم - تعریف سایر فقهاء

عنصر مالیت نزد فقها واحد بوده اما در نوع مالیت اشیا در میان خود با احناف اختلاف دارند، همچنان در شکل تعریف، نیز میان جمهور فقها غیر از احناف اختلاف است که در ذیل بیان میگردد:

۱ - الاذهری، ابی منصور محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق: محمد عوض مرعب، ناشر: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۴م، ماده (مول)، ج ۱۵، ص ۲۸۴.

۲ - همان اثر، لسان العرب، ماده (مول)، ج ۱۱، ص ۶۳۵.

۳ - ابوبکر محمد بن احمد بن سهل السرخسی، ایشان از بزرگان فقهاء احناف بوده این شخصیت از جمله امام، مجتهد، اصولی، فقهی و متکلم می باشد در سنه ۴۸۳ ق وفات نموده است و تالیفات زیادی دارد از جمله: (المبسوط) و (اصول سرخسی) و (شرح مختصر الطحاوی) را میتوان نام برد. الجواهر المضية، ج ۲، ص ۲۸.

۴ - السرخسی، ابی بکر محمد بن احمد بن ابی سهل، المبسوط، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، ۱۹۹۵م، ج ۱۱، ص ۷۹.

۵ - زین الدین بن ابراهیم بن محمد فقیه حنفی مصری است که بین سال های ۹۲۶-۹۷۰ ق زندگی می کرد نجیم نام یکی از اجداد وی بوده است وی نزد مشایخ مشهور آن زمان در قاهره که موطن او بود به فراگیری علوم به ویژه فقه پرداخت از جمله مشایخ او میتوان ابن قطلوبغا، شرف الدین بلقینی و شهاب الدین ابن شلبی را نام برد از آثار وی: الاشیاء و النظائر و البحر الرائق فتح الغفار فی شرح المنار و الفوائد الزینیه فی فقه الحنفیه مشهور است. شذرات الذهب، ص ۱۷۶.

۶ - ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، البحر الرائق فی شرح کنز الدقایق، مصر، مطبعة دار الکتب الغربیة الکبری، ج ۵، ص ۲۷۷.

(۱) تعریف شافعی ها: فقهاء شافعی مال را چنین تعریف میکنند:

(الف) تعریف امام شافعی (رحمه الله): امام شافعی (رحمه الله) مال را چنین تعریف نموده است: اسم مال اطلاق نمی گردد مگر به آن چیزی که قیمت داشته باشد و به فروش میرسد و در صورتی که مصرف کننده آن را تلف کند، قیمت آن را باید پرداخت کند و هر چند که کم باشد همچنان آن را از اموال خود جدا نکرده و به دور نیندازد و آنچه شبیه آن است درو انداخته نمی شود (۱).

(ب) تعریف زرکشی (رحمه الله): زرکشی (رحمه الله) از فقهای شافعی مال را چنین تعریف نموده است: «مال آن است که از آن انتفاع حاصل شود. یعنی ارزش آن را داشته باشد که از آن نفع برد (۲).

(۲) تعریف مالکی ها: بعضی از فقهای مالکی مال را چنین تعریف نموده اند: مال عبارت از هر آن چیز است که شرعاً تحت ملکیت قرار گیرد هر چند که کم باشد (۳). اما امام شاطبی (رحمه الله) آنرا چنین تعریف نموده است مال آن است که ملکیت فرد بر آن واقع بوده وقتی که آنرا به دست میآورد ملکیت اش مستقل از غیر بوده باشد (۴).

(۳) تعریف حنبلی ها: فقهای حنبلی مال را چنین تعریف نموده است:

(الف) ابن قدامه (رحمه الله): ابن قدامه (رحمه الله) از فقهای حنبلی مال را چنین تعریف نموده است: مال آن است که در آن منفعت مباح و برای غیر ضرورت موجود باشد (۵).

(ب) بهوتی (رحمه الله) (۶): از دیگر علمای حنبلی ها مال را چنین تعریف نموده است مال آن است که نفع بردن از آن مطلقاً در هر حالات مباح باشد و یا به دقت آن بدون نیاز مباح باشد (۷).

مطلب دوم - انواع مال

از نظر فقها اسلام مال به انواع ذیل تقسیم بندی می شود.

فرع اول - تقسیم مال به متقوم و غیر متقوم

این تقسیم قرار ذیل میباشد:

-
- ۱- الشافعی، محمد بن ادريس، الام، تحقيق: دكتور رفعت فوري، دار الوفا للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۷۱.
 - ۲- الزركشي، ابو عبدالله بدر الدين محمد بن عبدالله بن بهادر، المنثور في قواعد الفقهية، شركة دار الكويت للصحافة، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۱۵۸.
 - ۳- الزركشي، ابو عبدالله بدر الدين محمد بن عبدالله بن بهادر، المنثور في قواعد الفقهية، شركة دار الكويت للصحافة، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۱۵۸.
 - ۴- همان اثر، الموافقات، ج ۲، ص ۳۲.
 - ۵- ابن المفلح، ابي اسحاق برهان الدين ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن محمد، المبدع شرح المقنع، لبنان، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۷.
 - ۶- بهوتی ابوالسعادات منصور بن یونس که بین سال های ۱۰۰۰-۱۰۵۱ق زندگی نموده است فقیه حنبلی مصر است که نسب وی به بهوت یکی از روستا های غرب مصر باز می گردد که بهوتی در فقه و فرائض و علوم دیگر تبحر داشت و شهرت بیشتر وی به سبب تحریر مسائل فقهی بر اساس مذهب احمد بن حنبل است بهوتی در قاهره وفات یافت و در تربت مجاورین دفن گردید. الاعلام ج ۷، ص ۳۰۷.
 - ۷- البهوتی، شیخ منصور بن یونس بن ادريس، شرح المنتهی الارادات - دقایق اولی النهی لشرح المنتهی، موسسه: الرسالة، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷.

الف (تعریف مال متقوم: متقوم در لغت از (تقویم) گرفته شده و به معنای اندازه کردن و تعیین کردن قیمت یک چیز است. در اصطلاح فقهای حنفی مال متقوم عبارت از مالی است که بالفعل محرز (یعنی در قبضه، تحت تصرف و مالکیت) شخص بوده و شرعاً انتفاع از آن در حالت اختیار مجاز باشد(۱).

ب (تعریف مال غیر متقوم: در اصطلاح فقهای حنفی به مالی اطلاق می شود که بالفعل محرز نباشد، یا محرز و تحت تصرف و مالکیت باشد، اما شارع انتفاع از آن را در حالت اختیار و ضرورت حرام کرده باشد مانند: معامله صید قبل از شکار کردن و معامله ذخایر زیر زمینی قبل از استخراج آنها و یا معامله چیزی که استفاده از آن مجاز نباشد، مانند: شراب و گوشت خوک(۲).

فرع دوم – تقسیم مال به مثلی و قیمی
این تقسیم قرار ذیل میباشد:

الف (تعریف مال مثلی: مثلی در لغت اسم منسوب به کلمه مثل است و در اصطلاح فقهای حنفی و مالکی عبارت از مالی است که افراد یا اجزای آن بدون تفاوت قابل ملاحظه‌ی در بازار یافته شده عوض یکدیگر استعمال شده بتوانند، مانند گندم، جو، روغن، بنزین، طلا، نقره آهن آلات و انواع پارچه ها و پول ها، اما مال مثلی در نزد امام شافعی مالی است که از مکیلات و موزونات بوده و بیع سلم با آن جواز داشته باشد. با این تعبیر تنها اموال کیلی و وزنی در مفهوم مال مثلی داخل می شوند نه چیزی که مترانه باشد و نه چیزی که شمردنی باشد(۳).

ب (تعریف مال قیمی : قیمی در واقع اسم منسوب به قیمت است و در اصطلاح فقها مالی است که در مقابل مال مثلی قرار می گیرد، فقهای حنفی و مالکی در تعریف آن می گویند: مال قیمی مالی است که افراد یا اجزای آن بدون تفاوت قابل ملاحظه‌ی در بازار یافته نشده و اجزای آن با هم تفاوت چشم گیری داشته باشند، به گونه‌ی بی که به جای یکدیگر استفاده نشوند. فقهای شافعی و حنبلی نیز در تعریف مال قیمی می گویند: چیزی که به عدد قابل شمارش بوده و یا به متر اندازه شود از بین این دو تعریف رای گروه اول راجع تر است(۴).

فرع سوم – تقسیم مال به عقار و منقول
این تقسیم قرار ذیل میباشد:

۱ - شبیر، محمد عثمان، المدخل الی فقه المعاملات المالیه، اردن، دارالنفائس، ۲۰۱۰م، ص ۸۶.

۲ - همان اثر، المدخل الی فقه المعاملات المالیه، ص ۸۶.

۳ - همان اثر، المدخل الی فقه المعاملات المالیه، ص ۸۹.

۴ - همان اثر، المدخل الی فقه المعاملات المالیه ص ۹۱.

الف (مال عقار یا غیر منقول: در لغت به معنای هر چیزی است که اصل و ریشه ثابتی داشته باشد، مانند: زمین، درخت، خانه و غیره این کلمه اساساً از (عقار الدار) گرفته شده که به معنای اصل و زیربنای خانه است. اما در اصطلاح از نظر مذهب فقهای احناف، شافعی و حنبلی مال غیر منقول آن است که ثابت و پا برجا بوده و انتقال آن از یک جا به جای دیگر اصلاً ممکن نباشد مانند: زمین(۱).

ب (تعریف مال منقول: منقول در لغت از کلمه نقل گرفته شده، به معنای قابل انتقال. و در اصطلاح مال منقول از نظر فقهای حنفی، شافعی و حنبلی آن است که نقل و تحویل آن از یک محل به محل دیگر ممکن و مقدر باشد، مانند: پول نقد، مکلیات و غیره. از نظر فقهای مالکی مال منقول آن است که نقل و تحویل آن از یک محل به محل دیگر ممکن و مقدر باشند، به شرط بقای آن به شکل هیات قبلی آن(۲).

فرع چهارم - تقسیم مال به نامی و غیر نامی
این تقسیم قرار ذیل میباشد:

الف (تعریف مال نامی (قابل رشد): نامی در لغت از نمو گرفته شده که به معنای افزایش و زیادت است و در اصطلاح عبارت از مالی است که قابلیت زیادت و افزایش را داشته باشد به عبارت دیگر مال نامی مالی است که آماده بهره برداری به منظور سرمایه گذاری است مانند: طلا، نقره، حیوانات و غیره(۳).

ب (تعریف مال غیر نامی : مالی است که انسان از آن برای استفاده شخصی خود بهره می گیرد و قصد افزایش و زیادت در آن را ندارد: مانند لباس، مسکن، موتر شخصی، کتاب های شخصی و غیره(۴).

مطلب دوم - اهمیت مال در اسلام
اسلام مال را وسیله مهم در تحقق مقاصد شرعی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی میداند. چنانچه انسان نمیتواند بخش ضروریات مادی خود را تامین کند مگر به به وسیله مال، زیرا خوردن، نوشیدن تهیه لباس، ساخت اسلحه که به وسیله آن از نفس و محرّمات دینی دفاع میشود و رشد و توسعه زندگی به وسیله مال صورت میگیرد. همچنان تعداد زیاد پیامبران با ثروت و مال دار بودن توصیف شده اند مانند پیامبران که الله متعال برای شان ملک و پادشاهی داده بود. مثل حضرت یوسف علیه السلام که خداوند متعال در مصر برایش قدرت و ثروت داده بود تا هر جای را که میخواهد تصرف کند و داود علیه السلام

۱ - همان اثر، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۷۵.

۲ - همان اثر، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۷۵.

۳ - همان اثر، البحر الرئق شرح کنز الدقایق، ج ۲، ص ۲۲۵.

۴ - همان اثر، البحر الرئق شرح کنز الدقایق، ج ۲، ص ۲۲۵.

که الله متعال برایش پادشاهی و حکمت داده بود و همچنان سلیمان علیه السلام که رب العزت برایش چنان ملک و پادشاهی داده بود که بعد از او بر هیچ کس داده نخواهد شد(۱).

چنانچه انفاق و کار های نیک و خیر در راه الله متعال را میتوان با مال انجام داد قسم که در قرآن کریم آمده: (فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ، فَكُ رَقَبَةً ، أَوْ إِطْعَمَ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ، يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ، أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ) (۲).

ترجمه: (ما که دو راه پیش پای انسان نهاده ایم، آن کس که ناسپاس است) او خویشان را به گردنه (رهائی از شقاوت و رسیدن به سعادت) نمی زند (و آن را پشت سر نمی گذارد). تو چه می دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده و بنده است. یا خوراک دادن در زمان گرسنگی (قحطی و خشکسالی) است. (خاصه) به یتیمی خویشاوند. یا به مستمندی خاک نشین.

همچنان در بعضی مواضع از مال در قرآن کریم بنام خیر و نیکی یاد شده: (كُتِبَ عَلَيْكُم إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) (۳).

ترجمه: هنگامی که یکی از شما را (امراض مخوف و اسباب و علل) مرگ فرا رسد، اگر دارائی فراوانی (با توجه به عرف محل) از خود به جای گذاشت، (از سوی خدا قانون) وصیت بر شما واجب شده است (و باید) برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند. این حق (واجبی) است بر پرهیزکاران (مؤمن به کتاب خدا).

همچنان در آیه: (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ) (۴).

ترجمه: از تو می پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: آنچه از (مال و دارائی پاکیزه و) پسندیده صدقه و انفاق می کنند از آن پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و واماندگان در راه (و بریده از مال و دارائی خویش) است. و هر کار نیکی که می کنید خداوند از آن آگاه است.

و همچنان طویل ترین آیه در قرآن کریم در تنظیم شأن از شؤون مال (نوشتن دین) بنام (آیه المداينة) مسمی شده است (۵). آیه مبارکه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا

۱ - القرضاوی، دکتور یوسف، مقاصد الشریعة المتعلقة بالمال، بحث مقدم، ۱۴۲۹ق، ص ۵

۲ - سوره البلد، آیه ۱۱-۱۶

۳ - سوره بقره، آیه ۱۸۰.

۴ - سوره بقره، آیه ۲۱۵.

۵ - همان اثر، مقاصد الشریعة المتعلقة بالمال، ص ۸

شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُقُوكُمْ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به همدیگر تا مدت معینی (از لحاظ روز و ماه و سال) وامی دادید، آن را بنویسید، و باید نویسنده‌ای دادگرانه آن را بنویسد، و هیچ نویسنده‌ای از نوشتن (سند) بدان گونه که خدا بدو آموخته است، سرپیچی نکند. پس نویسنده باید بنویسد و آن کس که حق بر ذمه او است، باید املاء کند و از پروردگارش بترسد و چیزی از آن نکاهد، و اگر کسی که حق بر ذمه او است کم‌خرد یا (به سبب کوچکی یا بیماری یا پیری) ناتوان باشد، یا (به سبب لالی یا گنگی یا ناآشنائی با زبان) او نتواند که املاء کند، باید ولی او (که شرع یا حاکم برای وی تعیین کرده است) دادگرانه املاء کند. و دو نفر از مردان خود را به گواهی گیرید، و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از میان کسانی گواه کنید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند. - (این دو زن به همراه یکدیگر باید شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی پیدا کرد، دیگری بدو یادآوری کند - و چون گواهان را به گواهی خوانند باید که از این کار خودداری نورزند. و از نوشتن وام - خواه کم باشد یا زیاد - تا سررسید آن دلگیر نشوید. این در پیشگاه (شریعت) خدا دادگرانه‌تر و برای گواهی (و صحت شهادت) استوارتر، و برای آن که دچار شک و تردید نشوید، بهتر می‌باشد. مگر این که داد و ستد حاضر و نقدی باشد که در میان خود دست به دست می‌کنید، پس در این صورت بر شما باکی نیست اگر آن را ننویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید (باز هم) کسانی را به گواهی گیرید، و نویسنده و گواه نباید که زیان ببینند و نباید که زیان برسانند، و اگر چنین کنید از فرمان خدا بیرون رفته‌اید (و بر حکم او شوریده‌اید). و از خدا بترسید (و اوامر و نواهی او را پیش چشم دارید) و خداوند (آنچه را که به نفع شما یا به زیان شما است) به شما می‌آموزد، و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

مطلب سوم - لزوم حفاظت مال

یکی از مقاصد کلی شریعت اسلامی حفاظت از مال میباشد با توجه به اهمیت مال در اسلام، اوامر و توجیهات قرآنی و نبوی در قسمت محافظت از مال، نهی از ضایع کردن مال، نهی از اسراف و تبذیر در آن و نفی آنچه که در زمان جاهلیت در مورد زراعت و مواشی وجود داشت (۱).

چنانچه در مورد حجر (منع تصرف) سفهاء الله متعال می فرماید: (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا) (۲).

ترجمه: اموال کمخردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید. چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است. از (ثمرات) آن خوراک و پوشاک ایشان را تهیه کنید و با سخنان شایسته با آنان گفتگو کنید (و ایشان را نیازارید و با ایشان بدرقتاری نکنید).

از جمله وسایل حفظ مال پرداخت تاوان و خسارت مالی در صورت تلف ساختن مال کسی به ناحق می باشد اگر کسی مال شخصی را غصب نمود باید آن را پرداخت نماید در صورتی که در دستش سالم باشد چنانچه رسول الله علیه وسلم می فرماید: (علی الید ما اخذت حتی تودی) (۳). هر دست ضمانت چیزی را که گرفته است بعهده دارد تا آن را بصاحبش بر می گرداند یعنی مسوول چیزی است که گرفته است (و اما اگر مال مغضوبه در دست غاصب تلف شود باید عوض و بدل آن را تضمین کند زیرا الله متعال می فرماید: (فَمَنْ أَعْتَدىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدىٰ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدىٰ عَلَيْكُمْ) (۴).

ترجمه: هر که راه تعدی و تجاوز در بر شما در پیش گرفت بر او همانند آن تعدی و تجاوز کنید (چه آغاز کردن تعدی و تجاوز ممنوع است لیکن در برابر آن دفاع از خویشتن و مبارزه برای اخذ قصاص آزاد است) (۵).

و دیگر اینکه هر گاه بر گردانیدن عین مال ممکن نباشد، رد قایم مقام آن واجب خواهد بود، پس اگر از جمله اموالی باشد که اجزاء اش متمائل و صفاتش متفاوت باشد مانند حبوبات رد مثل آن لازم است، چرا که مثل مال از قیمت آن به مال نزدیکتر می باشد، چرا که مثل از طریق صورت و مشاهده و معنی با مال مماثل است و قیمت از طریق ظن و اجتهاد با مال مماثل است پس هر آنچه طریق آن مشاهده باشد مقدم می باشد چنانچه نص بر قیاس مقدم می باشد و اگر غیر متقارب الصفات باشد و آن مسوای مکیلات و

۱ - همان اثر، مقاصد الشریعة المتعلقة بالمال، ص ۸.

۲ - سوره نساء، آیه ۵.

۳ - ابی داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۴۱۴.

۴ - سوره بقره، آیه ۱۹۴.

۵ - ابن قدامة، عبد الله بن احمد بن محمد، المغنی لابن قدامة، القاهرة، مكتبة: القاهرة، ۱۹۶۸ م، ج ۷، ص ۱۳۲.

موزونات می باشد، در این حالت قیمت آن واجب می شود (۱). خلاصه آن این قاعده معروف است که می گوید (اصل در ضمان چیزهای تلف کرده شده ضمان مثل به مثل و متقوم به قیمت است) (۲).

همچنان دفاع از مال و قتل با متجاوزین مشروع میباشد بر هر کس واجب است که از مال خود دفاع نماید اگر کسی بخواهد آن را از وی بگیرد باید دفاع نماید و در دفاع باید نخست از وسایل ساده و به طور ساده استفاده شود اگر سودمند واقع نشود از وسایل موثرتر و شیوه سخت تر استفاده کند حتی اگر به جنگ و کشتار هم برسد چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: **(من قتل دون ماله فهو شهید و من قتل دون دینه فهو شهید و من قتل دون دمه فهو شهید و من قتل دون اهله فهو شهید)** (۳).

ترجمه: هر کس در برابر دفاع از مال و جان و دین و خانواده و ناموسش کشته شود او شهید است و اجرا شهادت دارد. ابوهریره رضی الله عنه می گوید: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله (ارایت ان جاء رجل یرید اخذ مالی؟ ارایت ان جاء رجل یرید اخذ مالی؟ قال فلا تعطه مالی قال: ارایت ان قاتلنی؟ قال، قاتله، قال: ارایت ان قتلنی؟ قال: فانت شهید قال: ارایت ان قتلته؟ قال هو فی النار (۴).

ترجمه: شخصی خدمت رسول خدا پرسید و گفت: اگر شخصی آمد و خواست مالم را از من بگیرد چه کار کنم؟ رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم فرمود مالت را به او مده آن مرد گفت: اگر با من جنگید چکار کنم؟ فرمود با او بجنگ گفت اگر مرا به قتل برساند، تکلیفم چه میشود؟ فرمود تو شهید استی گفت اگر من او را کشتم تکلیفش چه میشود؟ فرمود او در جهنم است.

از این دو حدیث چنین برداشت میشود که انسان باید در برابر افراد تجاوزگری که قصد تصاحب اموالش را دارند دفاع نماید اگر برای دفاع از اموال چاره یی جز کشتن متجاوز نباشد او را بکشد اما اگر امکان دور کردن تجاوزگر از طریق دیگری وجود داشت او را نکشد، زیرا در این صورت نیازی به کشتن او نیست و اگر بیم آن می رفت که شما را بکشد نسبت به کشتن او پیشدستی کنید اگر او را بکشید، دوزخی است و چنانچه او شما را به قتل برساند شما به شهادت رسیده اید و شهید به شماره می آیید (۵).

۱ - همان اثر، المغنی، ج ۷، ص ۳۶۱.

۲ - السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاشباء والنظائر فی القواعد الفقهیة، لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۶.

۳ - ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۰.

۴ - همان اثر، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۲۴.

۵ - ببین: البیونی، محمد سعد، مقاصد الشریعة الاسلامیة و علاقتها بالادلة الشریعة، دارالهجرة للنشر و التوزیع، ۱۹۹۸م، ص ۳۰۴.

فصل دوم

مقاصد عمومی شریعت در کسب مال

مبحث اول : کسب مال عبادت است

مبحث دوم : پاسخگویی برای فطرت انسانی

مبحث سوم : استخلاف در زمین

مبحث اول - کسب مال عبادت است

عبادت و تقرب به الله متعال یکی از مقاصد شریعت اسلامی است که در تمام اعمال و کردار مؤمن مقصود است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (۱)

ترجمه: من جنیات و انسان‌ها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.

ادیان و فلسفه‌ها هر کدام در رابطه با مال و دارایی اساساً نظریات متفاوت و متضاد دارند، مفکوره‌های وجود دارند که از اساس مال، متاع و مادیات دنیوی را رد می کنند و تصور می کنند که این یک شر مطلق است که باید از آن خلاصی یافت در مقابل این مفکوره افکار دیگری وجود دارند که مال را به دیده ای تقدس مینگرند و آنرا در مقام معبود قرار داده اند که باید عبادت و پرستش شود (۲).

اما در اسلام یکی از مهمترین مقاصد شریعت متعلق به مال و ثروت و اقتصاد رابطه آن با ایمان به الله متعال و معانی ربانی از معرفت الله تعالی، محبت او، ذکر و یاد او، شکر او، حسن عبادت او، رجاء به رحمت او، ترس از عذاب او، توکل به او و غیره که جنبه ربانی را در حیات و زندگی مؤمن بناء میکند است. جنبه دیگر مال در اسلام اینست که مال وسیله کمک کننده به اطاعت و عبادت الله متعال است زیرا مسلمان را قادر میسازد که به طور منظم مستمر صدقه بدهد (۳).

برخی از مقاصد عام شریعت اسلامی در کسب مال که همه از جمله عبادات مؤمن در زندگی بشمار میرود قرار ذیل میباشد.

مطلب اول - کسب رزق حلال

به دست آوردن رزق حلال یکی از مقاصد است که شریعت اسلامی آنرا در نظر دارد چنانچه دانشمندان مسلمان بیان نموده اند که، طلب رزق و پرداختن مصارف فامیل به قدر کفایت از فرایض است که بر انسان واجب است و با ترک آن گناهکار به حساب می آید (۴).

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) طلب روزی حلال را یکی از فرایض و مکلفیت های انسان مسلمان می دانند که باید دنبال آن رفته و جستجو نماید چنانکه می فرمایند (عن انس بن مالک عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: طلب الحلال واجب علی کل مسلم) (۵).

۱ - سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲ - ببین: القرضاوی، دکتر یوسف، دور القيم و الأخلاق فی الاقتصاد الإسلامي، قاهره، مکتبه: وهبة، ۱۴۱۵ق، ص ۹۱.

۳ - همان اثر، مقاصد الشریعة المتعلقة بالمال، ص ۱۲.

۴ - ببین: الشیبانی، محمد بن حسن، الکسب، بیروت، دار البیضاء الاسلامیة، ۱۴۱۷ق، ص ۸۱.

۵ - الطبرانی، ابی قاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط للطبرانی، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۷۲.

ترجمه: (انس روایت می نماید که رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (طلب روزی حلال برای هر شخص مسلمان فرض می باشد) از حدیث فوق به صراحت دانسته میشود که : جستجوی روزی حلال از مکلفیت های شرعی انسان است که باید در قبال آن بی تفاوت نبوده بلکه باید آن را دنبال نماید. در جای دیگر رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) کسی را که به خاطر نفقه عیال سعی و تلاش می نماید کار او را در راه خدا معرفی می نمایند چنانکه می فرمایند: (عن کعب بن عجره قال: مر علی النبی صلی الله علیه وسلم رجل فرأى اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم من جلده و نشاطه فقالوا) یا رسول الله: (لو کان هذا فی سبیل الله؟ فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: ان کان خرج یسعی علی ولده صغارا فهو فی سبیل الله و ان کان خرج یسعی علی ابوین شیخین کبیرین فهو فی سبیل الله و ان کان یسعی علی نفسه یعفها فهو فی سبیل الله و ان کان خرج ریاء و مفاخره فهو فی سبیل الشیطان)(۱).

ترجمه: کعب بن عجره روایت می نماید: مردی از پیش رسول خدا صلی الله علیه وسلم گذشت اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) که نشاط و چابکی وی را دیدند برای رسول خدا گفتند: ای کاش این شخص در راه خدا می بود. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: که اگر به منظور تلاش برای فرزندان خورد سال خود بیرون شده باشد در راه خدا می باشد. اگر به خاطر پدر و مادر سالمند خود بیرون شده باشد سعی می نماید در راه خدا است. و اگر برای حفظ عفت آبروی خویش سعی و تلاش می کند در راه خدا است. اما اگر به خاطر تظاهر و ریا و افتخار بیرون شده باشد در راه شیطان قرار دارد.

و همچنین موردی دیگر در حدیث مبارک مؤمن قوی بهتر از مؤمن ضعیف گفته شده است، یعنی کسی که برای خود و دیگران خدمت می نماید بهتر از او شخصی است که ضعیف و بار دوش دیگران است و دیگران برای او کمک می نمایند. چنانکه رسول خدا (علیه السلام) می فرمایند: عن ابی هریره قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (المؤمن القوی خیر و احب الی الله من المؤمن الضعیف و فی کل خیر احرص علی ما ینفعک و استعن بالله و لا تعجز و ان اصابک شی فلا تقل لو انی فعلت کان کذا و کذا ولكن قل قدر الله و ماشاء فعل فان لو تفتح عمل الشیطان)(۲).

ترجمه: (ابوهریره روایت می نماید که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: مؤمن قوی بهتر و محبوبتر در نزد خداوند جل جلاله از مؤمن ضعیف است و در هر کدام خیری وجود دارد با استعانت از پروردگار بر چیزی حریص باش که به نفع تو است و در این زمینه عاجز مشو و اگر با تو چیزی می رسد، مگو: که اگر چنین و چنان میکردم این چنین میشد و یا نمیشد زیرا گفتن (اگر) عمل و فعالیت

۱ - همان اثر، المعجم الاوسط للطبرانی، ج ۷، ص ۵۶.

۲ - همان اثر، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۲.

شیطان را بروی انسان باز می سازد. تلاش برای کسب مال حلال لازم می باشد، چنانچه خداوند متعال می فرماید: (وَلَا تَتَسَنَّصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا) (۱).

ترجمه: و بهره خود را از دنیا فراموش مکن.

مطلب دوم - پرداخت زکات

یکی از اهداف و مقاصد که شریعت اسلامی ذریعه مال آنرا مد نظر دارد پرداخت زکات می باشد. زکات به طلا، نقره، مواشی، اموال تجارتي و آنچه که از زمین خارج میشود واجب است و به خاطر تزکیه مال و صاحب آن می باشد و این روش از روش های توسعه و حفظ مال است (۲).

چنانچه الله متعال می فرماید: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا) (۳).

ترجمه: (ای پیغمبر!) از اموال آنان (که به گناه خود اعتراف دارند و در صدد کاهش بدی ها و افزایش نیکی های خویش می باشند) زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را (از رذائل اخلاقی، و گناهان، و تنگ چشمی) پاک داری، و (در دل آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی و درجات) ایشان را بالا ببری، باید دانست که عمده ترین آنچه در باره زکات ملاحظه شده دو مصلحت می باشد، یکی راجع به تهذیب نفس است، زیرا در آن حرص و بخل جای گرفته است در حالی که حرص و بخل از بدترین اخلاق، و مضر در معاد می باشند، و هر کسی که بخیل باشد هرگاه بمیرد قلبش وابسته به مال می باشد، و به وسیله مال عذاب داده خواهد شد، و کسی که با پرداخت زکات تمرین کند و این خصلت بخیلی را از خود بزدايد، برای او مفید خواهد شد. مفیدترین اخلاق بعد از خبات الله در معاد سخاوت نفس است، پس همچنان که اخبات برای نفس هیأتی را آماده می کند که به سوی جبروت اشرافی داشته باشد، همچنین سخاوت او را آماده می کند که از هیأت های خسیس دنیوی تبرئه گردد، زیرا اصل سخاوت عبارت است از سرکوب شدن حیوانیت وسیله ملکیت و غالب آمدن ملکیت بر آن، و این که حیوانیت به رنگ ملکیت درآمده در حکم آن قرار گیرد، و یکی از آنچه او را نسبت به این امر بیدار می سازد بذل و بخشش مال است، بویژه زمانی که خود مردم به آن مال نیاز داشته باشند، دوم عفو و گذشت از ظالم، سوم صبر بر شداید به هنگام ناگواری ها، به اینگونه که در قبال یقین به آخرت، بر او درد دنیا آسان گردد، پس رسول خدا (صل الله علیه وسلم) به هریکی از این ها دستور داد، و بزرگترین آن ها را به حدودی منضبط قرار داد، و آنست بذل مال، و آن را با ایمان و نماز در مواضع متعددی از قرآن، هم قرین کرد (۴).

۱ - سوره قصص، آیه ۷۷.

۲ - همان اثر، مقاصد الشریعة الاسلامیة فی حفظ المال وتنمیته، ص ۱۳۱.

۳ - سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۴ - دهلوی، شاه ولی الله، حجت الله البالغه، مترجم: سید محمد یوسف حسین پور، کتابخانه عقیده، ص ۱۵۵.

پس زکات حقّی است واجب، در مال ثروتمندان هر گاه از این راه نیاز فقیران و نیاز نیازمندان و کفاف زندگی مستمندان تامین گردید گرسنه گی و نگرانی شان بطرف شد چه بهتر لیکن اگر زکات برای رفع نیاز نیازمندان جامعه کفایت نکند در مال اغنیاء حق دیگری غیر از زکات واجب است که محدود و مقید نیست مگر این که نیازهای افراد جامعه برآورده شود. بنابر این باید از مال ثروتمندان آنقدر اخذ گردد تا کفاف زندگی فقیران آن جامعه تامین گردد (۱).

مهمترین تأثیرات اقتصادی زکات:

اول - زکات یکی از وسایل تضمین اجتماعی است: که از طرف اسلام مطرح گردیده است. اسلام نمی پذیرد که در میان جامعه و امتش کسانی یافت شوند که امکان تأمین روزی کافی، لباس، مسکن و پناهگاهی برای خود را نداشته باشد. اینها ضروریاتی می باشند که برای همه اشخاص تحت پوشش اسلام به وفور پیدا می شود و فرد مسلمان باید این ضروریات و سایر نیازمندی های را از طریق سعی و تلاش خود به دست آورد، اما اگر قادر به این کار نبود بوسیله جامعه تأمین و تضمین می گردد و همچون صید بی پناهی در مقابل گرسنگی و برهنگی و در ماندگی رها نمیشود (۲).

دوم - زکات یکی از انگیزه های سرمایه گذاری است: پرداختن زکات سرمایه داران را به منجمد و عاطل نگهداشتن دارایی های نقدی ایشان تشویق نمی کند، چون منجمد نگهداشتن و پرداختن زکات همه ساله از آن به کم شدن و نابود شدن آن می انجامد. یعنی کسی که پول نقد دارد باید آنرا به دوران و کار بی اندازد تا با پرداخت زکات از سرمایه اش کم نگردد، و این را همه میدانند که سرمایه گذاری در پروژه های اقتصادی مختلف درآمد اقتصاد ملی است و دولت ها از راه های مختلف آنرا تشویق میکنند (۳).

سوم - زکات سبب رشد مال و برکت یافتن آن می شود: شاید گروهی از این سخن تعجب کنند و آنرا بعید بدانند، زیرا زکات در ظاهر چیزی از مال می کاهد و چگونه ممکن است عامل ازدیاد و افزایش آن باشد؟ اما آگاهان می دانند که پشت این کاهش ظاهری یک افزایش حقیقی وجود دارد. افزایش در مجموع ثروت جامعه و حتی افزایش در مال شخص توانگر! زیرا که این مبلغ پرداختنی اندک از طریق دیگری دانسته یا ندانسته چند برابر به او بر می گردد (۴).

چهارم - زکات یکی از وسایل مطمئن و مشوق بر مهیا ساختن زمینه مناسب توسعه و رشد اقتصادی: چون فقر یکی از انگیزه های جرایم است و زکات با فقر مبارزه میکند و در نتیجه غیر مستقیم با جرایم

۱ - سید سابق، فقه السنة، مترجم: دکتر محمود ابراهیمی، کتابخانه عقیده، ص ۴۱۶.

۲ - قرضاوی، دکتر یوسف، عبادات در اسلام، مترجم: محمد ستاری خرقانی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۷۸.

۳ - المرزوقی، عمر بن فیحان و العقیدی، عبدالله بن محمد و عبدالله بن ابراهیم و الحزی، احمد بن سعد و المقرن، محمد بن سعد، نظام اقتصاد اسلام، مترجم: محمد میرویس غیائی، کابل، انتشارات مستقل، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۵۸.

۴ - همان اثر، عبادات در اسلام، مترجم: محمد ستاری خرقانی، ص ۲۷۶.

هم مبارزه میکند. زکات یکی از راه های بهبود اوضاع زندگی فقرا در جامعه است یعنی زکات در بهبود زندگی و معیشت ایشان، صحت و تعلیم نقش بسزایی دارد و این به معنای سهم داشتن زکات در آماده ساختن ایشان است تا به حیث یک قدرت عملی در توسعه اقتصادی سهیم باشند(۱).

پنجم - زکات نعمت را دوام می بخشد: یکی از اسباب و عوامل دوام نعمت، دعاء فقرا و کسانی است که احسان را پاسداری کرده به زیادت خیر دعا میکنند یقیناً الله متعال دعا آنها را قبول کرده مال ترا از ضیاع و تلف مصون میسازد. باید دانست اینکه اسباب زوال نعمت زیاد است از جمله سرقت، سلب و غضب را میتوان ذکر کرد اما این سارق و غاصب مال کسی است، که صاحب اهل و عیال بوده و زندگی اقتصادی آنرا مجبور ساخته تا به چنین جنایتی دست بزند در حالیکه شناخت و بدی این گناه بزرگ را هم میداند. زیرا این قضیه مسلم است که فقر انسان را گاهی به کفر می کشاند اگر زکات مال به او داده شود بدون شک دست آنرا گرفته و از ارتکاب چنین جرمی نجاتش میدهد(۲).

مطلب سوم - ادای فریضه حج

حج از جمله فرایض است که داشتن مال جهت ادای این فریضه ضروری است بناءً یکی از مقاصد دیگر که شریعت اسلامی در مال در نظر دارد ادای فریضه حج است. مصالحی که در حج ملاحظه می گردند، عبارت از چند امور هستند: از آنجمله است تعظیم بیت الله، زیرا آن از شعایر الله است، و تعظیم آن تعظیم خود خداوند، به حساب می آید. از آنجمله است: تحقق معنی اجتماع، زیرا هر دولت و آیین یک اجتماعی دارند که دور و نزدیک در آن شرکت می کنند تا که با یکدیگر آشنا گردند، و احکام دین و آیین را از یکدیگر یاد گیرند، از شعایر آن، تعظیم به جا بیاورند، و حج میدان اجتماع مسلمانان، ظهور شوکت آنان، اجتماع جنودشان و بزرگداشت آیین آنهاست(۳)، و همین است منظور از قول خداوند که می فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا)(۴).

ترجمه: یاد بفرما وقتی که کعبه را مرجع مردم و باعث امن قرار دادیم.

منافع تجارتی حج: از نظر مادی حج فرصت با ارزشی برای مبادله منافع تجاری میان مسلمانان در سطحی وسیع می باشد برخی از مسلمانان روزگار پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از معامله در ایام حج کنار می گرفتند و از هر فعالیت دنیوی که سود و درآمدی نصیب آنها می کرد از ترس سقوط پاداش الله متعال و نقصان عبادت خویش اکراه می ورزیدند. اما الله متعال اجازه این کار را به شرطی که نیت

۱ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلام، ص ۱۵۹.

۲ - جرجاوی، دکتور علی احمد، حکمت و فلسفه احکام شریعت، مترجم: نقیب الله اثر، کابل، انتشارات خیبر، ۱۳۹۴ ش، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳ - همان اثر، حجت الله البالغه، ترجمه: سید محمد یوسف حسین پور، ص ۲۰۲.

۴ - سوره بقره، آیه ۱۲۵.

خالص باشد و هدف اساسی همان حج تلقی شود به آنها داد و هر کسی به نتیجه متناسب به نیت خود می رسد(۱).

چنانچه الله متعال می فرماید: (لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ)(۲).

ترجمه: گناهی بر شما نیست این که از فضل پروردگار خود برخوردار شوید (و در ایام حج به کسب و تجارت بپردازید).

در مراسم حج حجاج از تمامی نواحی دنیا و شهر های مختلف جمع شده هر یک نمایندگی و تعریف از تجارت آبادی روابط خود با دیگران دارد. شهر های که از جهت بعد مسافه و یا از جهت امور سیاسی دیگر به آنها رسیده نمیتواند با وجودیکه سهولیات سفر در زمان گذشته نهایت مشکل بود قریش در طول سال دو سفر داشتند در تابستان به سوی شام و در زمستان به سوی یمن، آنها تجارت خود را در فضای امنیت کامل ادامه میدادند چون محافظین بیت الله شریف بودند پس هیچ یک به مال آنها برای سرقت و غصب تعرض نمیکرد و خوف از این نداشتند که دو سفر تمام مشکلات تجارتی آنها را حل خواهد کرد زیرا موسم حج برای آنها فواید بزرگی را به نسبت تجارت داشت اگر چی منافع حج در تجارت منحصر نبود بلکه در هر باب خیر و نفع عظیمی را داشت(۳).

مطلب چهارم - جهاد در راه الله

مقاصد و اهداف نظام اقتصادی اسلامی حد کفایت معاش برای افراد و جلوگیری از فقر و فاقه محدود نیست، بلکه اهداف بلندتر و فراتر از یک هدف دارد که عبارت از تحقیق توانایی مادی و معنوی برای دفاع از امت اسلامی به حدی که بتوانند امنیت امت را تأمین نماید، از مرز های جغرافیایی آن حراست کند، جلو تجاوز دشمنان در کمین نشسته را بگیرد، از استقلالیت آن دفاع کند و جامعه در امن و رفاه به زندگی ادامه بدهد و از توانایی های اقتصادی خود بهره ببرد(۴).

خداوند متعال فرموده است: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)(۵).

ترجمه: برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید، و

۱ - همان اثر، عبادت در اسلام، مترجم: محمد ستاری خرقانی، ص ۳۰۵.

۲ - سوره بقره، آیه ۱۹۸.

۳ - همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، مترجم: نقیب الله اثر، ج ۲، ص ۱۳۸.

۴ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلامی، ترجمه: محمد میرویس غیائی، ص ۸۶.

۵ - سوره انفال، آیه ۶۰.

کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ‌گونه ستمی نمی‌بینید.

گاهی ممکن است همه انسانها توان جهاد جانی و فیزیکی را نداشته باشند یا برای ضعف قوای جسمی و یا برای عدم مهارت‌های فنی، پس الله تعالی جهاد مالی را نیز ازین فضیلت مستفید ساخت تا کسانی که توان شرکت در جهاد فیزیکی را ندارند ازین امتیاز محروم نشوند بسا اوقات جهاد مالی در مراتب بالاتری قرار می‌گیرد(۱).

حکمت جهاد مالی این است که الله تعالی در میان جهاد مجاهد بالنفس و مجاهد بالمال فرقی نگذاشته است سببش اینست که توسط مال و وسائل حرب مثل کشتیهای بحری، توپ و غیره که از این طریق تمام لوازم جهاد را میتوان خریداری نمود و اگر مال وجود نداشته باشد هیچ چیز خرید کرده نمیتوانیم مثلاً ملتی که بالغ بر یک میلیون نفوس است و هیچ یکی از آنها مسلح نیست اما در مقابل آنها یک لشکر ده هزار نفری مجهز و تا دندان مسلح قرار دارد درینوقت تمام میلیون به صحنه مرگ کشانیده میشود بدون اینکه این ده هزار یکی از آنها جراحت سطحی نیز بر نمی دارد اما اگر مسلح باشند بدون شک از تمام ضروریات و مقدسات خویش دفاع خواهند نمود پس مال ستون جهاد بوده و بدون آن جهاد تحقق نمی پذیرد البته بهترین مجاهد کسی است که با مال و جان خویش جهاد میکند و هر دو امتیاز را به دست آورد(۲).

مطلب پنجم - صدقات

صدقه دادن از جمله اموری است که توسط مال انجام داده می شود و شریعت اسلامی مسلمانان را به دادن صدقه تشویق نموده و یکی از اهداف و مقاصد که از نظر شریعت اسلامی در مال وجود دارد دادن صدقه میباشد و مراد از آن نفقاتی است که انسان به خواست خودش آنرا می پردازد و شریعت آنرا بر او لازمی نگردانیده است(۳).

این نوع صدقات در هر صورت آن مستحب است، نقدی باشد یا جنس. تشویق به صدقه نفلی در قرآن کریم و سنت نبوی زیاد وارد است. این قول الله متعال: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا)(۴).

۱ - همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، ترجمه: نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲ - همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، ترجمه: نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳ - قلعة جی، محمد رواسی، مباحث فی الاقتصاد الاسلامی من اصوله الفقهیة، بیروت، دار النفائس، ۱۴۱۲ق، ص ۹۶.

۴ - سوره بقره، آیه ۲۴۵.

ترجمه: کیست که به خدا قرض نیکوئی دهد. همچنان حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) میفرماید ﴿سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله... إلى أن قال﴾ و رجل تصدق بصدقة فأخفاها حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه (۱).

ترجمه: هفت شخص است که خداوند متعال آنان را در روز قیامت که سایه ای جز از سایه رحمت او نیست، در سایه رحمت خود نگه میدارد... تا این حد که فرمودند... و مردی که صدقه ای را میدهد و آنرا مخفی نگه میدارد تا دست راستش از دست چپش را نداند.

معنای (یظلهم) اینست که ایشان را ستر میکند، این حکم شامل مرد و زن میشود. یکی از فرق ها میان زکات و صدقه نفلی این است که فرزندان و پدران خود شخص از زکات سهم نمی برند، اما در صدقه نفلی اولی ترین مردم به آن اقارب صدقه دهنده است. در این باب دلیل است بر اینکه، وسائل همگرایی در نظام اسلامی یکی دیگری را تکمیل میکند؛ اگر کسی از یکی بی نصیب است در دیگری حتما سهم دارد. همچنان ملاحظه می شود که انگیزه صدقه نفلی تنها ایمان است و بس. این برخلاف زکات واجبی که بر علاوه انگیزه ایمانی، دولت هم در تطبیق آن کمک میکند (۲).

در حدیث دیگر دست بلند، دستی که صدقه می دهد و به خاطر خود و دیگران می کوشد بهتر از دست پایین گفته شده است چنانکه می فرمایند: عن عبدالله بن عمر ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: (و هو على المنبر و هو يذكر الصدقة و التعفف عن المسالة اليد العليا خير من اليد السفلى واليد العليا المنفقة و السفلى السائلة) (۳).

ترجمه: عبدالله بن عمر می گوید در حالی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم بالای منبر نشسته بودند و از چگونه صدقه دادن و پرهیز از سوالگری صحبت می نمودند فرمودند: دست بلند بهتر از دست پایین می باشد زیرا دست بلند نفقه و مصرف می نماید و دست پایین سوال کننده می باشد).

رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) کار خوب انسان را کاری که به منفعت دیگران نیز باشد از جمله باقیات الصالحات معرفی می نمایند چنانکه می فرمایند: (عن جابر ان النبي صلى الله عليه وسلم دخل على ام مبشر الانصارية في نخل لها فقال لها النبي صلى الله عليه وسلم: (من غرس هذا النخل امسلم ام كافر فقالت بل مسلم فقال لا يغرس مسلم غرسا و لا يزرع زرعاً فياكل من انسان و لا دابة ولا شيء الا كانت له صدقة) (۴).

۱ - البخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دمشق، دار ابن کثیر، ۴۳۲ق، شماره حدیث ۱۳۳۴.

۲ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلامی، مترجم: محمد میرویس غیائی، ص ۱۷۴.

۳ - همان اثر، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۱۷.

۴ - همان اثر، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۸۸.

ترجمه: جابر روایت می نماید که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نزد ام مبشر انصاری در داخل نخلستان وی تشریف برده و برای وی فرمودند: که این نخلستان را چه کسی غرس نموده است مسلمان یا غیر مسلمان؟ وی گفت: مسلمان، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: هیچ مسلمانی نهالی را غرس نمی نماید یا کشتی را نمی کارد که پرنده یا انسان یا جانوری یا چیزی از محصول آن بخورد جز اینکه برای وی صدقه محسوب گردد.

مطلب ششم - تبرعات

تبرعات از جمله اعمال است که ذریعه مال به منظور کسب رضایت الله متعال صورت می گیرد که قرار ذیل میباشند.

فرع اول - وقف

یکی از مقاصد که شریعت اسلامی در مال مد نظر دارد وقف نمودن آن در راه الله متعال است چنانچه وقف از لحاظ لغت به معنای ایستادن، حبس کردن و منع کردن می باشد (۱).

و در اصطلاح احناف وقف عبارت از اینست که: عین مال به مالک واقف باقی می ماند و او منافع را صدقه می نماید (۲).

وقف در دین مبین اسلام یکی از اساسی ترین راه های تأمینات اجتماعی به شمار می رود روی این ملحوظ خداوند متعال بنده های خود را به وقف ترغیب نموده و قابل اجر و ثواب دانسته است چنانکه میفرماید: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ) (۳).

ترجمه: به نیکی (کاملی که جویای آنید و مورد پسند خدا است) دست نمی یابید، مگر آن که از آنچه دوست می دارید (در راه خدا) ببخشید. و هر چه را ببخشید (کم یا زیاد، بی ارزش یا باارزش) خدا بر آن آگاه است.

هرگاه شخص واقف کاری را انجام دهد که دلالت بر وقف نماید یا عملاً صیغه وقف را به زبان آورد وقف لزومیت پیدا می کند مشروط بر اینکه واقف از جمله کسانی باشد که تصرفش در مال وی صحیح باشد یعنی دارای اهلیت کامل باشد. قابل یادآوری است که وقف بعد از لزوم، هر نوع تصرفی در آن که از بین برنده وقف باشد مثل فروش و هبه جواز ندارد همچنان وقف به میراث برده نمیشود (۴).

۱ - جمع از علما اسلام، الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارت الاوقاف و الشئون الاسلامية، الكويت، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲ - الزحيلي، دكتور وهبة بن مصطفى، الفقه الاسلامي و ادلته، دمشق، دار الفكر، ۲۰۰۲م، ج ۴، ص ۱۰۸.

۳ - سورة ال عمران، آیه ۹۲.

۴ - همان اثر، موسوعة الفقهية الكويتية، ج ۴، ص ۱۱۱.

وقف یکی از مهمترین وسائل همگرایی در نظام اقتصاد اسلامی است، برابر است که این وقف بخاطر مصالح ذریعه خود وقف کننده باشد و یا در یکی از راه های عمل خیریه دیگر. از ویژه گی های وقف اینست که یک مورد دایمی اقتصادی را ایجاد میکند حتی امکان دارد که وقف را به خاطر تمویل همگرایی اقتصادی توسعه داده شود. در گذشته وقف سهم به سزایی در تمویل تعلیم داشت و بسیاری از مساجد در آن زمان نقش پوهنتون را داشتند، مانند حرمین که از اوقاف تمویل می شدند. همچنان اتفاق یتیمان، بی سرنوشتان، فقراء و غیره که بارز ترین مصادر آن اوقاف بود (۱).

یکی از تبرعات، وقف می باشد، مردمان جاهلی متوجه این نمی شدند، رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) به خاطر مصالحی که در بقیه صدقات دیده نمی شدند، آن را استنباط نموده، زیرا بسا اوقات انسان مال زیادی در راه خدا صرف می کند، پس آن تمام می شود و آن فقیران بار دوم نیاز پیدا می کنند، و ملت های فقیر دیگر، می آیند، پس آن ها محروم می ماند، پس بهتر و مفیدتر برای عامه مردم از این نیست که برای فقرا و مسافری چیزی نگهداری شود تا منافع آن، بر آن ها صرف گردد، و اصلش بر ملکیت واقف بماند (۲).

فرع دوم - هبه

هبه کردن مال در شریعت اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است که در اصطلاح فقهاء هبه عبارت از تملیک کردن مال از برای کسی بدون عوض میباشد (۳).

انسانهای عاقل به حکمت مشروعیت هبه میدانند چون حقد، حسد و بغض را از قلبها زدوده محبت، مودت را جایگزین میسازد و بر اخلاق، طهارت شمائل و همت عالی راهنمایی میکند پس چنانچه هبه موجب الفت و محبت میگردد اینچنین رجوع در آن موجب عداوت و دشمنی میگردد اما زمانیکه هبه در تصرف مهدی الیه قرار گیرد استرداد آن ممکن نیست لذا شارع حکیم رجوع کننده در هبه را خسیس ترین انسانها و مبعوض ترین مردم به نزد الله بوده و آنرا به سگ ای که قیء کرده و در آن رجوع میکند شبیه داده است از سوی دیگر در هدیه دادن و هبه کردن منافع کثیری برای مردم میباشد چون گاهی انسان به آن ضرورت پیدا میکند در حالیکه نمیداند این از کدام دروازه به وی رسیده است پس ذریعه این حاجتش مرفوع میگردد. هبه از صفات کمال است زیرا الله تعالی خود را به آن متصف نموده است : (إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ) (۴).

۱ - ببین: إدارة و تثمیر ممتلكات الاوقاف، جدة، البنك الاسلامی للتنمية، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۳.

۲ - همان اثر، حجت الله البالغه، مترجم: محمد یوسف حسین پور، ص ۳۸۳.

۳ - الزیلعی، عثمان بن علی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ناشر دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۱م، ج ۵، ص ۹۱.

۴ - سوره آل عمران، آیه ۸.

ترجمه: بی‌گمان بخشایش‌گر تویی تو. لذا زمانیکه بشر این صفت را در خود تقویه کند در حقیقت اشرف صفات را کسب کرده است چون درین استعمال کرم، ازاله بخل و ادخال سرور در قلب موهوب له بوده بجای حقد و حسد و کینه محبت را جایگزین می‌سازد لذا انسانیکه این صفت را دارا می‌باشد از بندگان کامیاب خداوند است: پس این نزد اجماع امت مشروع و مندوب می‌باشد(۱).

فرع سوم - عطیه دادن

دادن عطیه به مقصد و هدف استوار نگهداشتن الفت و دوستی بین مردم است، و این هدف تکمیل نمی‌شود، مگر به این که طرف جایزه‌ای، مانند آن، پس بدهد؛ زیرا هدیه، هدیه‌دهنده را به پیش کسی که به او هدیه داده است دوست می‌گرداند، نه برعکس، و نیز دست دهنده بهتر، از دست‌گیرنده است، و کسی که می‌دهد، برتری دارد بر کسی که می‌گیرد، پس اگر از دادن جایزه عاجز ماند، باید سپاسگذاری کند، و از نعمت او یادی بکند، زیرا ستایش نخستین، اعتناء به نعمت و در دل قرار دادن محبت اوست، و این عملکرد، آن کاری در پدیدآوردن محبت می‌کند که هدیه می‌کند، و کسی که هدیه را نادیده می‌گیرد، پس او به آنچه در نظر بود مخالفت نموده مصلحت ایجاد محبت را، نقض و حق او را پنهان کرده است، و کسی که نسبت به چیزی اظهار کند که حقیقتی نداشته باشد این کذب و دروغی است(۲).

۱ - ببین: همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، ترجمه: نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲ - همان اثر، حجت الله البالغه، مترجم: محمد یوسف حسین پور، ص ۳۷۷.

مبحث دوم - پاسخگویی برای فطرت انسانی

منظور از فطرت همان طبیعت و سرشتی است که الله متعال انسان ها را بر آن آفریده و آنان را بر انجام آن عادت داده است(۱) و شریعت اسلامی به تقاضا فطرت انسان در کسب نمودن مال پاسخ مثبت داده است

جای شک نیست هر نظام که با فطرت انسانی در تضاد بوده باشد هرگز مصالح او را تأمین نخواهد کرد. خداوند متعال همزمان با خلقت انسان یک رشته غرایز مانند: غریزه خوردن، غریزه نوشیدن، غریزه جفت شدن، غریزه محبت مالکیت و... را در وجود او به ودیعت گذاشته است و انسان نمیتواند این غرایز را از بین ببرد، زیرا نابود کردن آنها مساوی با از بین بردن حقیقت و ماهیت انسان میباشد؛ بلکه او غرایز را طوری رهبری کند که منحرف نشوند(۲).

مهمترین نیاز های فطرت انسانی در کسب مال قرار ذیل میباشد.

مطلب اول - ثبوت ملکیت فردی

تملک، حفظ و رغبت به تصاحب مال، دوست داشتن و تلاش برای به دست آوردن آن یک امر فطری و جلی در نفس انسان است که خداوند متعال انسان را با آن خلق نموده است. دلیل این امر گفته قرآنکریم که الله متعال می فرماید: (زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْأَفْضَةِ وَالْأَخْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْتُ ذَلِكَ مَتَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ)(۳).

ترجمه: برای انسان، محبت شهوات (و دلبستگی به امور مادی) جلوه داده شده است، از قبیل: عشق به زنان و فرزندان و ثروت هنگفت و آلف و الوف طلا و نقره و اسبهای نشاندار (و مرکبهای ممتاز) و چهارپایان (همچون: شتر و گاو و بز و گوسفند...) و کشت و زرع. اینها (همه) کالای دنیای پست (فعلی) است و سرانجام نیک (تلاشگران در راه حق) در پیشگاه خدا است (و همو داند که در آخرت به نیکوکاران چه چیزهائی عطاء خواهد کرد).

اسلام پس از این که حق مالکیت را به رسمیت می شناسد، چارچوب هایی را برای آن وضع نموده است که راه های تملک مشروع را نشان داده و از راه های نامشروع منع می نماید از جمله راه های مشروع تملک در اسلام عبارت است از:

۱ - ابن دقیق العید، تقی الدین، إحكام الأحكام شرح عمدة الأحكام، القاهرة، المكتبة: السنة، ۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲ - الساهی، شوقی عیده، موسوعة احكام الموارث، بیروت، دار الحکمة، ۱۹۸۸م، ص ۶۲.

۳ - سوره ال عمران، آیه ۱۴.

- تصرف اشیا مباحی که در تملک کسی نیست مثل احیای زمین های بایر، استفاده از گنجینه ها و دفینه های زیر زمینی، شکار، تهیه هیزم و غیره.
 - تملک یک چیز با رضایت طرفین به عوض چیزی دیگر مانند تملک از راه بیع، اجاره، مشارکت و غیره یا بدون عوض، مانند: گرفتن مال به عنوان بخشش، وصیت، میراث و صدقه.
- این ها راه هایی است که اسلام تملک فردی را به صورت مشروع در آن ها جواز داده و در مقابل از راه هایی مثل: سرقت، غصب، احتکار، خیانت و غیره که در اسلام نا مشروع معرفی شده است کاملاً منع کرده است (۱).
- دین اسلام فطرت انسانی را تأیید نموده و در اصلاح و ترقی آن کوشش نموده و برای ریشه کن ساختن و سرکوب آن اعلان جنگ ننموده است به این ترتیب مالکیت فردی که ناشی از یک عامل مشروع باشد را پذیرفته است و به احساساتی که انسان خواستار تملک و رقابت و ذخیره سازی می نماید، پاسخ داده است (۲).
- به رسمیت شناختن مالکیت فردی در اسلام چیز تازه یی نیست، زیرا با مراجعه به تاریخ امت های پیشین در می یابیم که همه ادیان الهی مالکیت فردی را به رسمیت می شناخته اند مثلاً در دین یهود به علاوه مالکیت خانوادگی و عمومی مالکیت فردی نیز به رسمیت شناخته شده است. زمانی که یهودی ها به سرزمین کنعان داخل شدند، زمین ها را در میان قبایل بنی اسرائیل تقسیم نموده هر بخشی از یک زمین را متناسب با تعداد افراد یک قبیله به آن اختصاص دادند و هر قبیله حصه اش را میان خانواده های مربوطه خود تقسیم کرد و به تدریج این مالکیت خانوادگی به مالکیت فردی تبدیل شد (۳).
- یکی از عوامل توانایی امت اسلامی توانایی اقتصادی آنست که اقتصاد قوی به جز از استثمار مال در برنامه های تولیداتی مختلف ممکن و میسر نیست، از همین رو، سرمایه گذاری و به کارگیری دارایی ها در برنامه ها و پروژه های که توانایی اقتصادی امت اسلامی را بالا می برد یک امر مطلوب و ارزشمند پنداشته شده است. برای بر آورده شده این هدف جزء اثبات حق مالکیت فردی، اجازه تصاحب، اجازه حق استفاده از نعمات الهی، استفاده از این موارد در حدود و چوکات شریعت، راهی دیگری وجود ندارد (۴).

۱ - عثمان، محمدشیر، المدخل الی فقه المعاملات المالية، اردن، دار النفائس، ۲۰۱۰م، صص ۸۶-۸۷.

۲ - همان اثر، عبادت در اسلام، ترجمه: محمدستاری خرقانی، ص ۲۵۰.

۳ - عبادی، عبدالسلام، الملكية فی الشريعة الإسلامية، عمان، مكتبة الاقصى، ۱۹۷۷م، ج ۲، ص ۱۰۰.

۴ - همان اثر، الملكية فی الشريعة الإسلامية، ج ۲، ص ۹۸.

مطلب دوم - تأمین نیاز های انسانی

ضرورت فطری انسان به خوردن، نوشیدن، تداوی و دیگر امور معیشتی او با تمام توان او را به کسب مال و می دارد که این خود سبب مالکیت می شود، اینرا هم باید دانست که کسب این اشیا بدون یک عوض و پرداخت بالمقابل میسر نیست و باید برای هر کدامی یک قیمتی بپردازد. این روش عادی زندگی است که الله متعال آنرا در این کره خاکی خلق نموده است. از همین رو شریعت انسان را به کار و کسب مال تشویق میکند و از کسالت و تنبلی بر حذر میدارد. این بخاطر مصلحت فرد و جامعه و به کار انداختن وسایل ممکنه برای ایجاد یک مستوای زندگی مناسب صحی و تعلیمی که هر فرد و جامعه مستحق آن است (۱).

اسلام اقرار میدارد که نعمت ها و متاع حلال و پاک که خداوند (جل جلاله) برای بشر در زمین به ودیعت گذاشته است و یا در آینده به ودیعت میگذارد، برای نیازمندی های بشر از غذا، لباس، مسکن و سایر ضروریات انسان و حتی ضرورت های دیگر زنده جان ها در زمین کافی و بسنده است (۲).

خداوند متعال فرموده است: (وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (۳).

ترجمه: چه بسیارند جنبندگانی که (در زمین با شما زندگی می کنند و بر اثر ضعف، حتی) نمی توانند روزی خود را بردارند (و جابه جا کنند، تا آن را بخورند یا بیندوزند). خدا روزی رسان آنها و شما است. (پس غم روزی را نخورید و ننگ خواری و اسارت را نپذیرید) و خدا بس شنوا و آگاه است. (لذا دعای شما و صدای سایر آفریدگان خود را می شنود، و از حال و روز همگان باخبر است، و سهم و روزی کسی و چیزی را فراموش نمی نماید).

تأمین نیاز های زندگی از جمله نکاح کردن امری است که نیاز به مال دارد چنانچه شاه ولی الله دهلوی (۴).

در این مورد میگوید: از آنجمله است: نکویی با زن و قوم او، زیرا صرف مال برای او، و جمع کردن مردم در امر او، بر این دلالت دارد که این زن پیش این مرد، وقعت و احترامی، دارد، و اینچنین امور در برقرار کردن دوستی و محبت بین اهل منزل بویژه در نخستین اجتماع آنها، لازم می باشند. از آنجمله اینکه: به دست آمدن نعمت جدید که مالک چنین چیزی شده که قبلاً مالک آن نبود، شادی و سرور

۱ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلامی، ترجمه: محمد میرویس غیاثی، ص ۱۰۰

۲ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، ترجمه: محمد میرویس غیاثی، ص ۵۵.

۳ - سوره عنکبوت، آیه ۶۰.

۴ - احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی هندی ملقب به شاه ولی الله دهلوی فقیه حنفی و از محدثین اهل هند میباشد متولد سال ۱۱۱۰ق و متوفی سال ۱۱۷۶ق میباشد. الاعلام ج ۱، ص ۱۴۹.

می‌آورد، و مردم را بر صرف مال و میدارد، و در پیروی نمودن از این انگیزه، تمرین بر سخاوت، نافرمانی از داعیه بخل و فواید و مصالح دیگری به دست می‌آید(۱).

همچنان در مورد مهریه می‌گوید: مردم بدون مهریه ازدواج نمی‌کردند، بنابر چند معنی که او را بر این وا میداشتند، و در این، چند مصالح وجود دارد: از آنجمله این که فایده نکاح به تکمیل نمی‌رسد، مگر این که هریکی خود را بر همکاری دایمی موظف کند، و این از جانب زن بدین شکل می‌باشد که اختیار جدایی از دست او سلب گردد، و جایز نیست که اختیار مرد سلب بشود و اگر نه باب طلاق کلاً مسدود می‌شود، و شوهر در دست زن اسیر قرار می‌گیرد، همانطور که زن در دست شوهر اسیر است، اصل این است که باید مردان بر زنان قیم و سرپرست قرار گیرند، و این درست نیست که اختیار تفریق به دست قاضیان داده شود آنچه را او در خصوص خود می‌داند نمی‌دانند، پس معین گردید که اگر از هم پاشیدن خانوادگی را بخواهد خسارت مال در جلو چشمش قرار گیرد تا به آن بدون نیاز شدید جرأت نکند، این یک گونه وسیله پابرجایی است. و نیز اهمیت به نکاح واضح نمی‌شود، مگر این که در عوض به ملک بضعه، مال قرار بگیرد؛ زیرا وقتی مردم نسبت به مال تا جایی بخل ورزیدند که نسبت به امور دیگر نورزیدند، پس اهمیت امر نکاح بدون صرف مال تکمیل نگردید، و با مهم گرفتن، آن چشم اولیا به تحویل دادن جگرگوشهایش خنک می‌گردد، و به سبب آن، فرق بین نکاح و زنا متحقق می‌گردد(۲).

مطلب سوم - سعی و تلاش

از ویژه گی های شریعت اسلامی اینست که؛ یک شریعت و قانون کامل است و خداوند متعال به آن شاهی می‌دهد. یکی از دلایل کمال این شریعت مبارک این است که انسان را برای اعمار و آبادانی زمین و کسب رزق و امیدارد و او را تشویق میکند تا در تلاش آنچه باشد که خواسته های زندگی دنیا ایجاب میکند. مثل محل سکونت مناسب برای فرد، فامیل و مصارف درست برای ایشان و بذل و بخشش بخاطر تقرب به الله متعال و... در این رابطه آیات متعددی در قرآن کریم وارد است(۳).

الله متعال می فرماید: (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۴).

ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید.

۱ - همان اثر، حجت الله البالغه، مترجم: محمد یوسف حسین پور، ص ۴۲۱.

۲ - همان اثر، حجت الله البالغه، ترجمه: محمد یوسف حسین پور، ص ۴۱۷.

۳ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، ترجمه: میرویس غیاثی، ص ۱۰۲.

۴ - سوره جمعه، آیه ۱۰.

اسلام پیروان خود را تشویق می نماید تا هر کس کار کند و زحمت بکشد و از زحمت کشی خود نان بخورد و برای فامیل و خانواده خویش زمینه آرامش و آسایش را فراهم سازد، حتی برای دیگران نیز باید کمک نماید. قرآن کریم در این زمینه می فرماید (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (۱).

ترجمه: و این که برای انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است.

شریعت اسلام به هیچ عنوان نمی پذیرد که انسان کار نکند و بار دوش جامعه باشد و دیگران نفقه آن را بدهند، انسان از دیدگاه شریعت اسلام حتی به خاطر مصروف شدن در عبادت نمیتواند دست از کار بکشد و بگوید که من عبادت می نمایم. در اسلام کار کردن ثواب و منزلت زیادی دارد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم راجع به کسانی که بخاطر دیگران کار می کنند می فرماید: **عن ابی هریره (رضی الله عنه) قال: قال النبی (صلی الله علیه وسلم) (الساعي على الارمله و المسكين كالمجاهد في سبيل الله و القائم الليل الصائم النهار) (۲).**

ترجمه: ابوهریره از رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) روایت می نماید: کسی که به خاطر زنان بیوه و مساکین سعی و تلاش می نماید مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می کند و یا مانند شخصی است که شب نماز میخواند و روز روزه میگیرد و می فرماید: **(لأن يحترم احدكم حزمه من حطب فيحملها على ظهره فيبيعها خير له من ان يسال رجلا يعطيه او يمنعه) (۳).**

(همانا اگر کسی از شما هیزمی را جمع آوری نماید و آن را در پشت خود حمل کند تان آنها را فروشد برای او بهتر است از اینکه از کسی سوال کند و شخص برای او چیزی بدهد و یا ندهد)
این نصوص کریمه و امثال آن دلالت بر فضیلت کسب و کار داشته و این که از راه های مشروع به دست آمده و در راه های مشروع انفاق گردد. بنابراین صحابه کرام اسلام را دین رهبانیت ندانسته و در راستای کسب رزق حلال سعی و تلاش می نمودند.

در صورت قادر بودن بر کسب و کار تکذبی و چیز خواستن از دیگران امری است ناپسند و خالی از یک نوع کراهیت نیست و بدیهی است که کسب و کار آزاد، بهتر و با ارزش تر میباشد، مگر در حق کسانی که وقت خود را در امور مربوط به مصالح مسلمانان می گذرانند و فرصتی برای کسب آزاد ندارند، پس برای این گونه افراد بهتر آن است که کسب و کار آزاد را کنار بگذارند و به جای آن به اصلاح مصالح مسلمانان بپردازند، کافی است که از راه درآمد مصالح عمومی و یا از طریق دیگر امرار معاش نمایند و

۱ - سوره نجم، آیه ۳۹.

۲ - همان اثر، ج ۱۳، ص ۳۸۵.

۳ - همان اثر، ج ۳، ص ۹۶.

به همین خاطر بود که ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) وقتی به خلافت رسید، صحابه گرامی به او پیشنهاد کردند که بازرگانی را کنار بگذارد، چون او را به خود مشغول می سازد و به جای آن به اصلاح اموری مردم پردازد و او هم بازرگانی را کنار گذاشت و به مقداری درآمدی از مصالح عمومی که زندگی او را تامین نماید، بسنده کرد^(۱).

مطلب چهارم - رشد و ترقی فردی

رشد فردی ذریعه کسب نمودن مال یکی از مقاصد شریعت است که شریعت اسلامی آنرا در نظر دارد چنانچه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در برای کسی که توان کار کردن را دارد اجازه سوالگری را نمی دهند بلکه از او می خواهد تا کار نماید و از زحمت کشی خود روزی بخورد و از این طریق تامین معیشت نموده و در نتیجه آبرو و عزت خود را حفظ نماید چنانچه بیان می دارند: **عن انس بن مالک (رضی الله عنه) ان رجلا من الانصار اتى النبی صلی الله علیه وسلم يساله فقال: اما فی بیتک شیء؟ قال: بلی جلس نلبس بعضه و نبسط بعضه وقعب نشرب فيه من الماء قال: انتنی بهما قال: فاتاه بهما فاخذاهما رسول الله صلی الله علیه وسلم بیده و قال : من یشتري هذین؟ قال: رجل : انا اخذهما بدرهم قال: من یزید علی درهم مرتین او ثلاثا قال رجل: انا اخذهما بدرهمین فاعطاهما اياه و اخذ الدرهمین و اعطاهما الانصاری وقال: اشتر باحدهما طعاما فانبذه الی اهلک و اشتر بالآخر قدوما فانتنی به فاتاه به فشد فيه رسول الله صلی الله علیه وسلم عودا بیده ثم قال له: اذهب فاحتطب وبع و لا ارینک خمسة عشر یوما فذهب الرجل یحتطب و یبیع فجاء و قد اصاب عشرة دراهم فاشتری ببعضها ثوبا و ببعضها طعاما فقال (رسول الله صلی الله علیه وسلم): (هذا خیر لک من ان تجيء المسالة نکة فی وجهک یوم القيامة ان المسالة لا تصلح الا لثلاثة: لذی فقر مدقع او لذی غرم مفضع او لذی دم وجع)(۲).**

ترجمه: انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت می نماید که مردی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم آمد و از وی سوال نمود، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) برای وی فرمودند که: آیا در خانه خود چیزی داری؟ گفت: بلی فرشی داریم که قسمتی آن را می پوشیم و قسمتی از آن را در زیر پای خود قرار می دهیم و کاسه داریم که به آن آب می نوشیم. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: آنها را پیش من بیاور. انس (رضی الله عنه) می گوید: که شخص فرش و کاسه را در نزد رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) حاضر ساخت، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هر دو را به دست خود گرفته فرمودند: چه کسی این دو را می خرد، شخصی گفت من آنها را به یک درهم می خرم، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دو یا سه بار

۱ - غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، مختصر احیاء علوم دین، ترجمه و تحقیق: محمد صالح سعیدی، ناشر: انتشارات کردستان، ۱۳۹۹ش، ص ۱۶۰.

۲ - ابی داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۰.

فرمودند: چه کسی از یک درهم بیشتر می خورد شخصی گفت من بدو درهم می خرم، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرش و کاسه را برای وی به دو درهم فروختند، و دو درهم را گرفتند و برای انصاری دادند و برای وی فرمودند: به یک درهم برای فامیل خود طعام بخر و به آنها تسلیم کن و به یک درهم تیشه بخر و در نزد من بیاور. شخص تیشه را خرید و در نزدشان آورد و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) تیشه او را به دست مبارک خود دسته کردند، سپس برای وی فرمودند: برو هیزم جمع آوری کن و بفروش و تو را تا پانزده روز نبینم شخص رفت، هیزم جمع آوری می کرد و آنها را به فروش می رساند و بعداً در حالی نزد رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) حاضر شد که دارای ده درهم سرمایه بود و به بعضی از دراهم برای خود لباس و به بعضی طعام خریداری نمود، بعداً پیامبر (صلی الله علیه وسلم) برای وی فرمودند: کار کردن برای تو بهتر است از اینکه سوالگری باعث بر این شود تا در پیشانی تو خال سیاه در روز قیامت نمودار شود، همانا سوالگری جز به فقر شدید و شخصی که در حالت بسیار بدی قرار می گیرد و یا به خاطر دادن دیت، جواز ندارد. در حدیث مبارک فوق بیان گردیده که کار هر چند بی ارزش باشد و ظاهر حال از نظر اجتماعی مردم آن را ارزش ندهند انجام آن بهتر از گدایی و بهتر از آن است که انسان سوال نماید - سوال - گری لکه ننگ و بد نامی در روز قیامت برای او باشد.

مطلب پنجم - ایجاد توازن میان جنبه مادی و روحی زندگی

از مقاصد دیگری شریعت اسلامی در کسب نمودن و به دست آوردن مال ایجاد توازن میان جنبه های مادی و روحی زندگی انسان است که شریعت اسلامی میان دو عنصری که انسان از آن تکوین شده است و آن عبارت از ماده و روح است، توازن برقرار میکند و برای هر کدام عنایت و توجهی را می نماید که مستحق آن است. اقتصاد اسلامی از انسان می خواهد که در دنیا کار و زحمت بکشد و در عین حال از او می خواهد که به آخرت خود متوجه باشد و برای آن روز هم عمل کند (۱).

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَابْتَغِ فِيمَا ءَاتَاكَ اللَّهُ الْدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا) (۲).

ترجمه: به وسیله آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را فرا چنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذائذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن بررسی)، در ایت دیگر آمده است: (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۳).

۱ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، مترجم: محمد میرویس غیاثی، ص ۸۰.

۲ - سوره قصص، آیه ۷۷.

۳ - سوره جمعه، آیه ۱۰.

ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید.

در آیت مبارکه با اینکه امر برای منتشر شدن مسلمان در زمین برای کسب مال است، در عین زمان حفظ توازن میان جانب مادی و روحانی را در نظر گرفته است و تلاش اقتصادی با ذکر گفتن زیاد آمیخته است (۱).

این بر خلاف نظام های اقتصادی وضعی بشر که تا حدی بر جانب مادی مسئله ترکیز نموده که یگانه هدف از عملکرد اقتصادی انسان معاصر به دست آوردن مادیات و ثروت است و هیچ مراعاتی برای ارزش های اخلاقی و روحانی نمی کند. درست همانند مارکسیزم که اساساً دین را به رسمیت نمی شناسد و آنرا افیون ملت ها میدانند، بر پیشرفت مادی بشر متمرکز است، احساس روح برادری و همزیستی را در انسان نابود میکند و به نزاع طبقاتی میان افراد جامعه فرا میخواند. اما سرمایه داری؟ با اینکه دین و اخلاق را انکار نمیکند، ولی آن را در محدوده کلیسا زندانی ساخته و از نقش اساسی و ریشه ای آن در نظام اقتصادی و جامعه رانده است. از همین رو هیچ تعامل ایجابی و مثبت میان نظام دینی و دنیوی در جوامع مارکسیستی و سرمایه داری وجود ندارد (۲).

خداوند جهان در این رسالت، شریعتی را تعیین و تبیین فرموده است که همه جوانب زندگی (انسان) را از هر نظر دربر میگیرد و همه تلاشها و فعالیت های زندگی را مد نظر می دارد و برای آنها مقررات کلی و قواعد اساسی را وضع می کند حتی برای تلاشها و فعالیت هایی که در زندگی با تغییر زمان و مکان، متحول و متغیر می گردند و فراز و نشیب می پذیرند و ترقی و پیشرفت حاصل می کنند. همچنین برای امور مادی و معنوی تغییر ناپذیر و ثابت زندگی هم احکام و قوانین جزئی و کلی دارد این شریعت با قوانین و مقررات کلی و با احکام تفصیلی خود نیازمندی های زندگی (انسان) را پیش چشم داشته و پیش چشم می دارد، از زمان نخستین رسالت تا آخر زمان. این شریعت ضابطه ها و رهنمودها و ساماندهی ها داشته است و دارد، تا زندگی بتواند بر این محور و داخل این چهارچوب استمرار و رشد و ترقی و نوگرایی و نوآوری داشته و داشته باشد (۳).

۱ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، مترجم: محمد میرویس غیائی، ص ۸۰.

۲ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، مترجم: محمد میرویس غیائی، ص ۸۱.

۳ - سید قطب، فی ظلال القرآن، القاهرة، دار الشروق، ۱۴۲۳ق، ج ۲، صص ۸۴۲-۸۴۳.

مبحث سوم - استخلاف در زمین

مقصد دیگر شریعت اسلامی در به دست آوردن مال استخلاف انسان ذریعه آن در زمین است از آن جای که مالک حقیقی مال الله متعال است، الله متعال این مال و دارایی را از گذشتگان قبلی برای ما به میراث داده است و ما را امر نموده است که حق این استخلاف را ادا نماییم و این مال را در محرمات و یا اسراف بی جا در مباحات به مصرف نرسانیم. چنانچه که امر نموده است بخشی از این مال را در راه خیر، احسان و نیکی مصرف نماییم آیت کریمه به این امر منصوص است (۱).

(﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾) (۲).

ترجمه: به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید، و از چیزهائی ببخشید که شما را در آنها نماینده (خود در تصرف، و جانشین دیگران در به دست گرفتن اموال) کرده است. زیرا کسانی که از شما ایمان بیاورند و (در راه خدا) بذل و بخشش کنند، پاداش بزرگی دارند.

الله متعال به ایمان به خود و پیامبرش به وجه اکمل امر نموده و ما را تشویق به انفاق مالی نموده است که از گذشتگان برای ما بازمانده است و این مال از ما به بعدی های می ماند، بعد از آن خداوند پاداش کسانی را بیان نموده است که به ادای این استخلاف می پردازند و اینکه برای ایشان پاداش بزرگ در روز آخرت است (۳).

در این قول الله متعال (﴿مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ﴾) اشاره بر این است که این مال از تو به بعدی ها می ماند، شاید هم ورثه ء تو به بعدی ها می ماند، شاید هم ورثه ء تو اطاعت الله متعال را به وسیله ء آن بکنند و این برای تو بزرگترین سعادت است، یا اینکه نافرمانی خدا را بکنند و تو در این امر همکار با ایشان در گناه و تجاوز بوده ای (۴).

مهمترین موارد که در قسمت استخلاف انسان در زمین و ارتباط آن با مال؛ مطرح است قرار ذیل میباشد.

مطلب اول - حریت اقتصادی

یکی از ارکان اقتصاد اسلامی آزادی اقتصادی میباشد، به این معنی که اسلام برای افراد، آزادی میدهد تا انواع مختلف فعالیت های اقتصادی را انجام دهند، ملکیت به دست بیاورند و همچنان آنها را در راه های مختلف به شیوه های مختلف بکار ببندازد. در راه استفاده از ملکیت و یا استثمار و سرمایه گذاری آن مانع وجود ندارد. اما این آزادی اقتصادی یک سلسله قید ها و محدودیت های دارد که بخاطر مانع شدن

۱ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، مترجم: محمد میرویس غیائی، ص ۴۹.

۲ - سوره حدید، آیه ۷.

۳ - بین: الطبری، معروف الحرستانی، تفسیر الطبری، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۶۷۱.

۴ - ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۰۶.

تجاوز افراد، و مانع سوء استفاده از ملکیت میشود. در اقتصاد اسلامی آزادی فردی در تملک و به دست آوردن مال و انجام عقد ها ، قاعده ها و یک اصل از اصول اقتصادی اسلام و یک رکن از ارکان آن میباشد، ولی آمر مسلمانان، حق مداخله را درین مورد ندارد ، نمی تواند بدون موجب آزادی اقتصادی افراد را در تملک، تعویذ و دیگر امور سلب نماید.

در اقتصاد اسلامی مداخله ولی آمر درین امور و محدوده ساختن آزادی اقتصادی اسلامی افراد به شکل استثنائی جائز قرار داده شده که این مداخله هنگامی صورت میپذیرد که فرد در تصرفات اقتصادی خود به منافع و مصلحت های جامعه زیانی مواجه بسازد ، یا با اهداف کلی و عمومی جامعه اسلامی اضطراری را متوجه بسازد بطور مثال هنگامیکه افراد ملکیت را از راه های غیر مشروع به دست بیاورند، یا احتکار میکنند، یا از موقعیت اجتماعی و یا رسمی خود سوء استفاده میکنند ، و از این طریق مال به دست می آورند یا عملی را انجام میدهند که بواسطه آن منابع و عایدات جامعه به هدر میرود، یا هم به تولید اشیای حرام میپردازد ، یا اینکه توزیع غیر عادلانه میباشد، درین صورتها دولت حق مداخله را دارد ، تا افراد را بطرف راه راست و درست سوق بدهد. بنابر این شریعت اسلامی برای فرد اجازه میدهد ملکیت را به دست بیاورد ، در چهار چوب شریعت در آن تصرف نماید، تولید نماید و مصرف عاقلانه نماید(۱).

تفاوت زیا است میان انسانی که مال را ملکیت خاص خود می پندارد، فکر می کند او به تنهایی آنرا به دست آورده است و با تجارب خود آن را اندوخته است و در نتیجه تنها او مستحق استفاده از ثمرات آن است و این انسانی که خود را خلیفه و جانشین مال خداوند می پندارد، او باور دارد که الله ذاتی است که مواد اساسی این مال را خلق نموده است، اوست که برای انسان آنرا مسخر گردانیده است و در نهایت آن ذات بی چون قدرت کسب مال برای او داده است، پس او امانتدار و نگهبان این مال است و باید حق صاحب این نعمت را به دوستی اداء کند(۲).

مطلب دوم - آبادانی زمین

الله متعال انسان را خلق نموده، زمین و مافیها را برای او مسخر گردانیده، و از او خواسته است تا برای به دست آوردن زرق و آبادانی زمین تلاش نماید و این تلاش و سعی او را سبب تقرب او به آن ذات سبحان گردانیده است(۳).

۱ - ببین: ابراهیمی، پوهنمل محمد یونس، نظام اقتصادی اسلام، کابل، انتشارات حامد رسالت، ۱۳۹۶ ش، ص ۳۱-۳۲.

۲ - ببین: همان اثر، دور القيم و الاخلاق فی الاقتصاد الاسلامی، ص ۴۲.

۳ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلامی، مترجم: محمد میرویس غیائی، ص ۱۰۰.

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)(۱).

ترجمه: خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید، آن گاه به آسمان پرداخت و از آن هفت آسمان منظم ترتیب داد. خدا دانا و آشنا به هر چیزی است. زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند و آن انسان است. فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه‌های سرشتی زمینی‌اش فساد و تباهی برپا می‌دارد. پس برای دانستن نه اعتراض کردن از خدا پرسیدند که حکمت برتری دادن انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست و) گفتند: آیا در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد می‌کند و تباهی راه می‌اندازد و خون‌ها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقایق را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

در این شکی نیست که ثبوت ملکیت فردی و گروهی از قوی‌ترین اسباب و انگیزه‌ای است که انسان را وادار برای به دست آوردن مال می‌سازد و از این موارد برای آبادانی و عمران زمین استفاده می‌نماید، در نتیجه منافع برای ابنای بشر جلب می‌گردد و مفساد را از ایشان دور نگه میدارد(۲).

مطلب سوم - ابتلا و آزمایش

با وجود اینکه مال در اسلام از اهمیت و جایگاه خاص برخوردار میباشد دیده می‌شود که اسلام از واقع شدن در فتنه و طغیان به سبب مال انسان را برحذر داشته داشته(۳).

چنانچه الله متعال می‌فرماید: (إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ)(۴).

ترجمه: قطعاً اموالتان و اولادتان، وسیله آزمایش شمايند، و (اگر در این میدان آزمایش، از عهده بر آئید، برای شما) اجر و پاداش بزرگی در پیشگاه خدا است.

همچنان می‌فرماید: (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ، أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَىٰ)(۵).

۱ - سوره بقره، آیه ۲۹-۳۰.

۲ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلامی، مترجم: محمد میرویس غیاثی، ص ۱۰۱

۳ - همان اثر، مقاصد الشریعة المتعلقة بالمال، ص ۹

۴ - سوره تغابن، آیه ۱۵.

۵ - سوره علق، آیه ۷-۸.

ترجمه: قطعاً (اغلب) انسان‌ها سرکشی و تمرد می‌آغازند، اگر خود را دارا و بی‌نیاز ببینند. یعنی مبادا مال سبب استغنی انسان از پروردگار عالمیان شود. و همچنان می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ) (۱).

ترجمه: ای مؤمنان! اموالتان و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند. کسانی که چنین کنند (و اموال و اولادشان، آنان را سرگرم و به خود مشغول دارد) ایشان زیانکارند. یعنی خطر در نفس مال و اولاد نیست بلکه در باز داشتن صاحب آنها از ذکر الله متعال است. و نه او امتحان و آزمایش که آنرا قرآنکریم از طغیان و سرکشی اغنیاء بیان میکند مثل قارون: (إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ) (۲).

ترجمه: قارون از قوم موسی بود و (بر اثر داشتن دارائی فراوان) بر آنان فخر فروشی کرد (و چون ثروتمندترین فرد بنی‌اسرائیل بود، از ایشان خواست که او را فرمانده و خویشان را فرمانبردارش بدانند). ما آن اندازه گنج و دفینه بدو داده بودیم که (حمل صندوقهای) خزائن آن بر گروه پر زور و با قدرت سنگینی می‌کرد (و ایشان را دچار مشکل می‌نمود). وقتی (از اوقات) قوم او بدو گفتند: (مغرورانه) شادمانی مکن، که خدا شادمانان (سرمست از غرور) را دوست نمی‌دارد.

۱ - سوره المنافقون، آیه ۹.

۲ - سوره قصص، آیه ۷۶.

فصل سوم

ضوابط و مقاصد خصوصی شریعت در کسب مال

مبحث اول : کسب مال از راه مشروع

مبحث دوم : حرمت کسب مال با وسایل غیر شرعی

مبحث سوم : جلوگیری از نزاع بین متعاقدين

مبحث اول - کسب مال از راه مشروع:

انسان مدنی الطبع آفریده شده و محتاج است به اینکه برای منافع داد و ستد مشترک داشته باشد برابر است که از طریق تجارت باشد و یا از طریق غرس اشجار زراعت و دهقانی که همه اسباب تجمع و مجاورت انسان ها برای امرار معاش آنها میباشد پس وقتیکه مسئله چنین است برای منافع حریص بوده و اماره بالسوء میباشد و معلوم است که طمع یکی از عادات قدیمی انسان است شارع حکیم برای کسب مال قوانین وضع نموده که کسی به حقوق دیگر تجاوز نکرده و مردم در احوال خوبی قرار بگیرند تا در منافع بهتر شریک باشند(۱).

از طرف دیگر انسان مسلمان مکلف است تا روزی حلال به دست آورد چنانچه الله متعال در قرآن کریم می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ)(۲).

ترجمه: ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی گمان او دشمن آشکار شما است.

اسباب کسب مالکیت مشروع بسیار متنوع اند و شمارش آن کاریست بس دشوار. چون این اسباب از شخص تا شخص دیگر از توانایی تا توانایی دیگری و نسبت به علاقه مندی های متفاوت فرق میکند، به همین سبب اسباب تحریم تملیک محصور و محدود است، چون خود حرمت محدود و معدود است(۳). که برخی از اسباب کسب مال قرار ذیل میباشد.

مطلب اول - کسب مال از طریق بیع (خرید و فروش)

بیع عبارت از مبادله مال در مقابل مال با مالک شدن و به ملکیت دادن(۴).

بیع یکی از مهمترین اسباب کسب مال در نظام اقتصاد اسلامی به شمار می رود چنانچه الله متعال در آیات متعدد در قرآن کریم در مورد مشروعیت بیع تاکید صورت گرفته است که از جمله میتوان به آیت ذیل اشاره کرد: (وَاحِلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَاً)(۵).

۱ - همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، ترجمه نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۲۳۳

۲ - سوره بقره، آیه ۱۶۸.

۳ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلامی، مترجم: محمد میرویس غیائی، ص ۱۰۴.

۴ - همان اثر، المغنی ج ۶، ص ۵

۵ - سوره بقره، آیه ۲۷۵.

ترجمه: خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. و همچنان آیه مبارکه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا)(۱).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راه‌های نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و...) نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد، و خودکشی نکنید و خون همدیگر را نریزید. بی‌گمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود).

رافع بن خدیج (رضی الله عنه) می‌گوید: از رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در مورد بهترین کسب و کار پرسیده شد، رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در جواب گفت: (عمل الرجل بیده و کل بیع مبرور)(۲). نیکوترین کسب عمل انسان است به دست خودش و هر معامله‌یی که از حرام و غش و خیانت خالی باشد) و امت اسلامی اجماع کرده اند بر اینکه از زمان پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم تا به امروز بیع و معاملات وجود داشته و روا بوده است. در حدیث دیگر رسول الله نان به دست آمده از عرق جبین را بهترین غذا دانسته است چنانچه از مقدم ری الله عنه روایت است که رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: (ما اکل احد طعاما قط خيرا من ان ياكل من عمل یده و ان نبی الله داود علیه السلام کان یا کل من عمل یده)(۳).

ترجمه: هرگز کسی غذایی بهتری از غذا دست رنجش نخورده است و همانا داوود پیامبر خدا همیشه از دست رنج خود غذا می‌خورد کاری که داود علیه السلام می‌کرد به نص قرآنکریم ساختن زره و ادوات جنگی بود و در مستدرک حاکم آمده است که آدم و ابراهیم کشتند، نوح نجار، ادريس خیاط، داود اسلحه ساز، موسی چوپان صالح تاجر و سلیمان پادشاه بودند(۴).

اما باید دانست روی آوردن به تجارت و کسب و کار و حرص منافع دنیوی طوری نباشد که شخص را از مساجد و ادای فرایض و کسب سعادت اخروی باز دارد و دین را به نیار بفروشد. خداوند متعال می‌فرماید: (رَجَالٌ لَا تُلِهِم تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ)(۵).

۱ - سوره النساء، آیه ۲۹.

۲ - احمد بن حنبل، ابی عبدالله احمد بن احمد، مسند احمد، ج ۲۸، بیروت، مؤسسة الرسالة، ص ۵۰۲.

۳ - همان اثر، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۵۷.

۴ - الحاکم، ابی عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین للحاکم، دمشق، دار المنهاج القویم، ۱۴۳۹ق، ج ۲، ص ۶۵۲.

۵ - سوره نور، آیه ۳۷.

ترجمه: مردانی که بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و خواندن نماز و دادن زکات غافل نمی‌سازد. از روزی می‌ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن دگرگون و پریشان می‌گردد. لازم است که کسب و کار، انسان را به طور کلی به دنیا و منافع دنیوی مشغول نسازد به گونه که سرمایه آخرت را ضایع بگرداند و در نتیجه دچار زیانمندی آشکاری گردد، بلکه باید قصد و نیت اش از تجارت و کسب و کار، به دست آوردن مال حلال و بی نیاز شدن از دیگران باشد در ضمن از اندوختن توشه‌ی سعادت آفرین آخرت خویش غافل نماند^(۱).

مطلب دوم - کسب مال از طریق زراعت

زراعت یکی از مهمترین منابع کسب درآمد محسوب می‌شود. زراعت منبع اصلی غذا برای انسان‌ها و حیوانات است از طریق آن غلات، سبزیجات، حبوبات و محصولات درختان به ما می‌رسد. و مواد که اساس صنعت هستند توسط زراعت تولید می‌شوند و کار پر برکت است که سرشار از خیر است زیرا به واسطه آن زمین و آسمان از خوبی‌های خود لبریز می‌شوند و توکل به خدای متعال از روزی که بذر در زمین گذاشته می‌شود تا زمان برداشت آن آشکار است^(۲).

چنانچه در مورد اهمیت آن خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (وَعَايَةً لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ، وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ، لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ، سُبْحَنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ)^(۳).

ترجمه: نشانه‌ای (از قدرت خدا بر رستاخیز) برای آنان، زمین مرده است که آن را حیات بخشیده‌ایم و از آن دانه‌هایی را بیرون آورده‌ایم که ایشان از آن تغذیه می‌کنند. و در زمین باغ‌های خرما و انگور (و سایر درختان و گیاهان دیگر) پدیدار کردیم، و چشمه‌سارانی از آن بیرون آوردیم. تا از میوه‌های آن درختان که (به صورت غذای آماده و بسته‌بندی شده بر شاخسارها ظاهر می‌شوند و) دست انسان‌ها در ساختن آنها کمترین دخالتی نداشته است، تناول کنند. آیا انسان‌ها (در برابر این همه خوراکی‌های لذیذ و بی‌نیاز از پخت و پز) سپاسگزاری نخواهند کرد؟! تسبیح و تقدیس خداوندی را سزا است که همه نرها و ماده‌ها را آفریده است، اعم از آنچه از زمین می‌روید، و از خود آنان، و از چیزهایی که ایشان نمی‌دانند.

۱ - همان اثر، مختصر احیاء علوم دین، تحقیق: محمد صالح سعیدی، ص ۱۶۴.

۲ - همان اثر، مقاصد الشریعة الخاصة بکسب المال و استثماره و انفاقه، ص ۲۱۳.

۳ - سوره یس، آیات ۳۳-۳۶.

و همچنان می فرماید: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ، يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)(۱).

ترجمه: او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاده است (که مایه حیات است) و شما از آن می‌نوشید (و زلال و گوارایش می‌یابید) و به سبب آن گیاهان و درختان می‌رویند و شما حیوانات خود را در میان آنها می‌چرانید. خداوند به وسیله آن (آب) زراعت و (درختان) زیتون و خرما و انگور و همه میوه‌ها را برای شما می‌رویاند. بی‌گمان در این (کار آفرینش میوه‌های رنگارنگ و محصولات کشاورزی گوناگون) نشانه روشنی است (از خدا) برای کسانی که (درباره نیروی آفریننده آنها) بیندیشند (و با چشم بینش و خرد به جهان گیاهان بنگرند).

مطلب سوم - کسب مال از طریق صنعت

شریعت اسلامی جهت حفاظت از مال تشویق به هر گونه کسب و کار چه حرفه باشد و یا صنعت و یا تجارت نموده است. علامه ابن عاشور (رحمه الله) می گوید: اصول کسب و کار سه چیز است: زمین، کار و سرمایه که با هر کدام از این اعمال سه گانه می توانیم نیازمندی های خود و دیگران را مرفوع سازیم. الله تعالی می فرماید: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ دَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ)(۲).

ترجمه: او کسی است که زمین را رام شما گردانیده است. در اطراف و جوانب آن راه بروید، و از روزی خدا بخورید. زنده شدن دوباره در دست او است.

و در سوره جمعه بعد از اتمام نماز جمعه می دستور می دهد که برای کسب و کار در زمین منتشر شوید (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)(۳).

ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید.

صنعت یکی از مهمترین اسباب کسب مال است چنانچه در مورد اهمیت صنعت الله متعال میفرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ)(۴).

۱ - سوره نحل، آیات ۱۰-۱۱.

۲ - سوره ملک، آیه ۱۵.

۳ - سوره جمعه، آیه ۱۰.

۴ - سوره حدید، آیه ۲۵.

ترجمه: ما پیغمبران خود را همراه با دلائل متقن و معجزات روشن (به میان مردم) روانه کرده‌ایم، و با آنان کتاب‌های (آسمانی و قوانین) و موازین (شناسائی حق و عدالت) نازل نموده‌ایم تا مردمان (برابر آن در میان خود) دادگرانه رفتار کنند. و آهن را پدیدار کرده‌ایم که دارای نیروی زیاد و سودهای فراوانی برای مردمان است. هدف (از ارسال انبیاء و نزول کتب آسمانی و همچنین آفرینش وسائلی چون آهن) این است که خداوند بداند چه کسانی او را و فرستادگانش را بگونه نهان و پنهان (از دیدگان مردمان) یاری می‌کنند. خداوند نیرومند و چیره است.

در دوران قدیم و جدید صنایع فلزی آهن، مس، طلا، سرب، نقره و سایر فلزات اعم از مایع یا جامد از مهمترین وسایل کسب مال و امرار معاش بوده اند اما در عصر حاضر از جمله اسباب شکوفایی، پیشرفت و توسعه اقتصادی بشمار میرود (۱).

مطلب چهارم - کسب مال از طریق میراث

میراث یکی از جمله اسباب کسب مال در اسلام به شمار می رود. در مورد میراث الله متعال در قرآن کریم می فرماید: (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِلْمُتَّكِئَةِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْمُتَّكِئَةِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنْ كَانَ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ، وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَّةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ) (۲).

ترجمه: خداوند درباره (ارث بردن) فرزندان (و پدران و مادران) به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که (چون مردید و دخترانی و پسرانی از خود به جای گذاشتید) بهره یک مرد به اندازه بهره دو زن است. اگر فرزندان همه دختر بودند و تعدادشان (دو و یا) بیشتر از دو بود، دو سوم ترکه بهره ایشان است، و اگر ورثه تنها یک دختر باشد، نصف ترکه از آن او است، (و چه ورثه یک دختر و چه بیشتر باشند، باقیمانده ترکه متعلق به سایر ورثه بر حسب استحقاق است). اگر مرده دارای فرزند و

۱ - ببین: همان اثر، مقاصد الشريعة الخاصة بكسب المال واستثماره و انفاقه، ص ۲۳۷.

۲ - سورة النساء، آیه ۱۱-۱۲.

پدر و مادر باشد، به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد (و باقیمانده بین فرزندان او به ترتیب سابق تقسیم می‌گردد). و اگر مرده دارای فرزند (یا نوه) نباشد و تنها پدر و مادر از او ارث ببرند، یک سوم ترکه به مادر می‌رسد (و باقیمانده از آن پدر خواهد بود). اگر مرده (علاوه از پدر و مادر) برادرانی (یا خواهرانی، از پدر و مادر یا از یکی از آن دو) داشته باشد، به مادرش یک ششم می‌رسد. (همه این سهام مذکور) پس از انجام وصیتی است که مرده می‌کند و بعد از پرداخت وامی است که بر عهده دارد (و پرداخت وام مقّم بر انجام وصیت است). شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندان کدام یک برای شما سودمندترند. (خیر و صلاح در آن چیزی است که خدا بدان دستور داده است). این فریضه الهی است و خداوند دانا (به مصالح شما) و حکیم است (در آنچه بر شما واجب نموده است). و برای شما نصف دارائی به جای مانده همسرانتان است، اگر فرزندی (از شما یا از دیگران و یا نوه یا نوادگانی) نداشته باشند (و باقی ترکه، برابر آیه قبلی، به فرزندان‌شان و پدران و مادران‌شان تعلّق می‌گیرد) و اگر فرزندی داشته باشند، سهم شما یک چهارم ترکه است (و باقیمانده ترکه به ذوی‌الفروض و عصبه، یا ذوی‌الارحام یا بیت‌المال می‌رسد. به هر حال چه فرزندی نداشته باشند و چه فرزندی داشته باشند، سهم شما) پس از انجام وصیتی است که کرده‌اند و پرداخت وامی است که بر عهده دارند (و پرداخت وام بر انجام وصیت مقّم است). و برای زنان شما یک چهارم ترکه شما است اگر فرزندی (یا نوه و نوادگانی از آنان یا از دیگران) نداشته باشید. (اگر همسر یک نفر باشد، یک چهارم را تنها دریافت می‌دارد، و اگر دو همسر و بیشتر باشند، یک چهارم به طور مساوی میان‌شان تقسیم می‌گردد. باقیمانده ترکه به خویشاوندان و وابستگان به ترتیب استحقاق می‌رسد). و اگر شما فرزندی (یا نوه و نوادگانی) داشتید، سهمیه همسرانتان یک هشتم ترکه بوده (و بقیه ترکه به فرزندان و پدران و مادرانتان - همان‌گونه که ذکر شد - می‌رسد. البته) پس از انجام وصیتی است که می‌کنید و بعد از وامی است که بر عهده دارید. و اگر مردی یا زنی به گونه کلاًه ارث از آنان برده شد (و فرزند و پدري نداشتند) و برادر (مادری) یا خواهر (مادری) داشتند، سهم هر یک از آن دو، یک ششم ترکه است (و فرقی میان آن دو نیست) و اگر بیش از آن (تعداد، یعنی یک برادر مادری و یک خواهر مادری) بودند، آنان در یک سوم با هم شریکند (و به طور یکسان یک سوم را میان خود تقسیم می‌کنند. البته این هم) پس از انجام وصیتی است که بدان توصیه شده است و یا پرداخت وامی است که بر عهده مرده است. وصیت و وامی که (به بازماندگان) زیان نرساند (یعنی وصیت از بیش از یک سوم نباشد و مرده از روی غرض اقرار به وامی نکند که بر عهده او نیست، و یا صرف نظر از وامی نکند که بر دیگران دارد. و...). این سفارش خدا است و خدا

دانا (به آن چیزی است که به نفع شما است و آگاه از نیت وصیت‌کنندگان می‌باشد) و شکیبا است (و شتابی در عقاب شما ندارد؛ چرا که چه بسا پشیمان شوید و به سویش برگردید). میراث که شریعت اسلامی آنرا واجب گردانیده است، یکی از وسائل مهم تقسیم و توزیع عادلانه و منصفانه ثروت به حساب می‌آید. این قانون بدون اینکه چه کسی را دوست داری و یا کسی بر تو تحمیل کرده باشد، بخش میراث چنان گسترده است که، عامه خویشاوندان اصلی (از سوی پدر) و فرعی (از سوی فرزندان) را در بر می‌گیرد. با این حساب دایره توزیع ثروت در میان افراد یک فامیل مسلمان، بسیار گسترده می‌شود، بدون اینکه بخشی و یا شخصی از آنها از نظر انداخته شود (۱).

۱ - همان اثر، نظام اقتصاد اسلام، مترجم: محمد میرویس غیاثی، ص ۱۸۸.

مبحث دوم - حرمت کسب مال با وسایل غیر شرعی

اصل در معاملات حلال و اباحت است و هیچ چیز حرام و ممنوع نیست مگر اینکه دلیل شرعی بر حرمت آن وارد شده باشد. به جز از این اباحت و جواز در هر معامله و کسب باقیست. که این خود دلالت بر آسانی و وسعت نظر شریعت اسلامی دارد (۱).

اما شریعت اسلامی کسب مال از راه های غیر شرعی را نامشروع قرار داده است که برخی از این وسایل قرار ذیل میباشد:

مطلب اول - قمار

باید دانست که قمار حرام و باطل است؛ زیرا عبارت است از ربودن مال مردم بنابر اتباع از جهل، حرص، آرزوی باطل و سوار شدن بر غری که بر این شرط و میدارد، و هیچگونه دخلی در تمدن و همکاری ندارد، پس اگر خسارت دیده خاموش می‌باشد خاموشی اش از روی خشم و خسارت است، و اگر درگیر باشد درگیری او بر کاری که خودش شخصاً به آن مرتکب شده، و عمداً در آن غوطه خورده است می‌باشد، برنده به آن لذت می‌برد، و برد کم، مردم را به سوی برد زیادی، و میدارد، و حرص او را نمی‌گذارد که از آن دستبردار باشد، دیری نمی‌گذرد که خسارت بر او وارد می‌شود، و اگر کسی به این عادت کند، آن منجر می‌شود که اموال زیادی از بین برود و درگیری طولانی، فرو گذاشت از اتفاقات مطلوب و روی گردانی از تعاون و همکاری که تمدن به آن وابسته است پدید آید، مشاهده روزمره این امور، از خبررسانی کافی است، آیا در اهل قمار غیر از آنچه ذکر کردیم مشاهده شده است (۲).

قمار احساس و درک انسان را به هنگام بازی از بین می‌برد، به طوری که به مالی که بدون بازگشت از دست وی خارج می‌شود، به طمع کسب مالی بیشتر از آن، توجه نمیکند و هنگام که زیان دیده برمی‌گردد، حسد، خوره ی قلب او می‌شود و سرشار از کینه نسبت به کسی می‌شود که مالش را از او گرفته است و چه با این کینه موجب قتل کسی شود که باعث ضرر او گشته، یا دست به خود کشی بزند و چه بسیار خانواده هایی که به خاطر قمار ویران شده اند و چه بسیار خانواده هایی که آواره گشته اند و بعد از این که در عزت و رفاه زندگی میکردند، در خواری و نیاز افتاده اند. حوادث که امروز به گوش ما میرسد، مانند گرفتاری ها و مصیبت ها و انحرافات که گریبانگیر بعضی از افراد و بعضی از خانواده هایی می‌شود که برخی از افراد آن قمار باز هستند، صادق ترین گواه بر آثار ناشی از قمار است. این ها

۱- المرزوقی و دیگران، نظام اقتصادی اسلامی، مترجم: محمد میرویس غیاثی، ص ۱۰۳.

۲- همان اثر، حجت الله البالغه، مترجم: محمد یوسف حسین پور، ص ۳۵۳.

همه گذشته از دستاویزهای پست و سوگند های دروغی است که قمار بازان برای تحقق طمع های خویش به کار میبرند(۱).

چنانچه خداوند متعال میفرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ)(۲).

ترجمه: درباره باده و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافعی هم برای مردم دربر دارند، ولی گناه آنها بیش از نفع آنها است. و از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود). این چنین خداوند آیات (و احکام) را برای شما روشن می‌سازد، شاید (درباره مصالح دنیا و آخرت خود) بیندیشید.

و همچنان می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلُمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)(۳).

ترجمه: ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی می‌کنید) و تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت‌آزمایی و غیب‌گوئی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزیین و تلقین) عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

قمار پلید بوده و از اعمال شیطان است. الله تعالی آنرا در قرآن حرام قرار داده است حکمت در تحریم آن اسباب متعدد است که قدر توان آنرا ذکر خواهیم کرد:

حکمت تحریم قمار: حکمت الله تعالی تقاضا نمود که انسان درین دنیا آفریده شده است تا کار نموده و برای زنده گی بهتر دروازه های مختلف را دق الباب نماید تا برای خود کار و شغلی به دست آرد. مخفی نیست که انسان ها در تبادل وظائف و منافع خویش محتاج یکدیگر اند لذا اجتماع آنها تا زمانیکه روزی از طریق قمار میداند یک زنده گی خیالی و یک زجر و غم اضافی بوده و دارای ارزشی نیست تا زمانیکه بالفعل به عمل حلال دست نزنند. قمار در میان دو چیز میباشد یا کسب است که در آن طمع مال را داشته و یا خساره است که همیشه در آتش حسرت قمار سوخته و زنده گی خود را در داد و ستد این بگذرانند زمانی مسئله چنین شد و تمام انسان ها به چنین عمل مشغول شدند و هر یک کار و فعالیت را برای عمل قمار و یا این شغل دارنده منافع وهمی ترک کرد پس به دنیا و مال و عذاب بزرگی نازل خواهد شد. عامل قمار به کسیکه برنده شده قهر شده و همیشه در تلاش رسانیدن ضرر به وی میباشد این

۱- صابونی، محمد علی، تفسیر آیات احکام، مترجم: دکتر محمد فرزاد پارسا، سنندج، انتشارات کردستان، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۶۱۲.

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۳- سوره مائده قرانکریم، آیه ۹۰.

چیزی است که مشاهده شده بویژه در اروپا، زیرا بارها می‌شنویم که فلان شخص فلانی را به قتل رسانید و با فلانی مبارزه و مقابله نمود که غالباً به خساره و تاوان طرفین و یا یکطرف قطعی می‌باشد. شخص قماری گاهی صاحب سرمایه و ثروت بوده و به دو عذاب مبتلی می‌گردد. اول انتقال از حالت غنا و ثروت به فقر دوم کشیدن نفس از حالت طبیعی بسوی زنده گی پر از اندوه مشقت بار، چنانچه عده کثیری را می‌بینم در فقر و بیچاره گی متحیر و پریشان زنده گی می‌کنند که سببش همانا پدیده شوم و لعنتی قمار بوده است. شخص قماری مشغول کاریست که مزدش معلوم است و گاه کفالت خانه را به عهده داشته تا ضروریات آنها را حل نماید، ولی با تاسف هنگامیکه قمار زد نظام خانواده مختل شده و فقر نه تنها حل بلکه چند برابر می‌شود. زمانی مالش را از دست می‌دهد در قلبش محبت قمار بیشتر شده و در تلاش پیدا نمودن مال از طریق سرقت، حيله، غش و تزویر و غیره می‌شود که راه مشروعی ندارند. اکنون حکومتها اضرار قمار دانسته و برای مرتکبین آن قوانینی را تعیین و مقرر نموده اند کاش این حکام تمام طرق که از آنها مال نا مشروع به دست می‌آید را دانسته و مسدود می‌ساختند اگر چنین کنند در واقع به انسانیت و جامعه بشریت خدمت ارزنده را کرده اند(۱).

مطلب دوم - احتکار

شخص طعام و ما یحتاج زندگی مردم را پنهان می‌دارد و آن را عرضه نمی‌دارد، بلکه در انتظار نایاب شدن و بلند شدن قیمت آن می‌ماند و سپس آن را با بهای گزاف به فروش می‌رساند و این یک نوع ظلم و خیانت عمومی است و انجام دهنده آن در شرع مقدس اسلام نکوهیده و مورد نفرین می‌باشد(۲).
شروط تحقق احتکار: از نظر فقها احتکار وقتی حرام پنداشته می‌شود که شروط سه گانه زیر در آن تحقق پیدا کند

۱) مواد احتکار شده فاضل از نیاز یکساله شخص محترک و خانواده او باشد زیرا هر فرد حق دارد

آنوقه یکساله خود و فامیل خود را ذخیره کند

۲) اینکه محترک منتظر بالا رفتن نرخ و قیمت ها باشد تا با استفاده از نیاز مردم آنرا به قیمت بالا به

فروش برساند

۳) احتکار زمانی تحقق می‌یابد که مردم به همان مواد احتکار شده نیاز شدید داشته باشد و اگر مواد

نزد تاجران وجود دارد و مردم نیازمند آن نمی‌باشد، ذخیره آن اموال را نمی‌توان احتکار نامید

زیرا به کسی ضرر نمی‌رسد(۱).

۱ - ببین: همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شرعی، مترجم: نقیب الله اثری، ص ۲۳۵.
۲ - همان اثر، مختصر احیا علوم دین، ترجمه و تحقیق: صالح محمو سعیدی، ص ۱۶۲.

امام کاسانی می افزاید از جمله احکام مرتبط به احتکار این است که شخص محتکر جهت رفع ظلم، مامور به فروش اموال احتکار شده مازاد از توشه ای خودش و فامیل گردد. ولی اگر باز هم به عمل احتکار اسرار و مداومت میکرد و قضیه اش بار دوم به امام رسید امام او را نصیحت نماید و تهدید اش نماید که چنین که را نباید انجام ندهد و اگر دست بردار نشد امام او را حبس، تعذیر وی می افزاید زمانی که امام خوف داشت که مبادا اهل مصر و شهر هلاک شوند، مواد را از مهتکرین گرفته و در بین مردم شهر توضیح نمایی و بعدا زمانی که مشکلات حل شد مردم مکلف هست که اموال آن ها را برای شان مسترد نمایند (۲).

مطلب سوم - رشوت

رشوت عبارت از گرفتن مال بر ترک آنچه که انجام اش بر او واجب است، یا برانجام آنچه بر او ترک اش واجب است (۳).

چنانچه الله متعال در قرآن کریم می فرماید: (سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَآخُكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَآخُكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (۴).

ترجمه: آنان بسی دروغ را می شنوند و می پذیرند، و بسیار مال حرام را می خورند. اگر ایشان نزد تو آمدند (و داوری از تو خواستند) در میان شان داوری کن یا از ایشان روی بگردان و (کاری به داوری آنان نداشته باش و مترس که) اگر از آنان روی بگردانی، هیچ زیانی نمی توانند به تو برسانند. ولی اگر در میان شان داوری کردی، دادگرانه داوری کن. (چرا که) بی گمان خداوند دادگران را دوست می دارد.

کاری که تکمیل اش بر عهده کسی واجب باشد، او مسؤل عهد خداوند متعال است، در تکمیل آن، عوض گرفتن از کسی یا بدون گرفتن انجام ندادن آن نقض عهد خداوند متعال است، همین کاری که انجام ندادن اش بر کسی واجب باشد، انجام دادن آن با اخذ معاوضه هم نقض عهد خداوند متعال است. از این معلوم می شود همه اقسام رایج رشوت حرام است، مانند کارمند دولت که برای انجام وظیفه از دولت حقوق میگیرد، پس او خداوند متعال عهد کرده است که در عوض حقوق وظیفه خود را انجام دهد، لذا اگر در انجام آن از کسی معاوضه بگیرد، و بدون معاوضه آنرا به امروز و فردا افکند، عهد خدا را می

۱ - سید سابق، پیشین، فقه السنة، مترجم: دکتر محمود ابراهیمی، ج ۳، ص ۱۰۸.

۲ - الکاسانی، ابی بکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۲۹.

۳ - محمد بن یوسف، تفسیر بحر المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق، جلد ۵، ص ۵۳۳.

۴ - سوره مائده، آیه ۴۲.

شکند، همچنین کاری که از طرف دولت در اختیار او واگذاشته نشده رشوت گرفته آن را انجام میدهد این هم با خداوند متعال عهد شکنی است (۱).

مطلب چهارم - منع از اعتداء

هر گونه اعتداء و تجاوز بر مال شخص دیگر حرام بوده، گرفتن آن بدون رضایت صاحب مال حرام دانسته شده است. اسلام با توجه به این که مال، عصب و شاه‌رگ زندگی است، مال و ملکیت افراد را محترم شمرده است، چون ملکیت هم مقتضای فطرت انسان است و هم انسان را به کار و می دارد و هم عدالت در آن است. اسلام حقوق مالی و ملکیت مردم را حق مقدس و محترمی قرار داده است، که برای هیچ کس به هیچ عنوانی جایز نسبت که بر این حق مسلم مردم تجاوز نماید لذا اسلام سرقت، دزدی و غصب اموال مردم، اختلاس، خیانت در امانت، ربا، غش، بازیچه قرار دادن پیمانه و وزن و رشوت و رشوه‌گیری و به طور کلی این‌ها و همه کارهایی از این قبیل را حرام نموده است و اخذ مال و تصرف آن بدون یک سبب شرعی و مشروع خوردن مال دیگران و تصرف باطل در آن قلمداد کرده است (۲).

چنانچه الله متعال در قرآن کریم میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) (۳).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راه‌های نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و...) نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد، و خودکشی نکنید و خون همدیگر را نریزید. بی‌گمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود).

فرع اول - حرمت سرقت

اسلام درباره دزدی و سرقت بسیار سخت‌گیری نموده و حکم به قطع دست سارق نموده است در این حکم فلسفه اشکار و روشنی است چون دست خیانت پیشه و دستی که با آن دزدی صورت گرفته است به منزله عضو و اندام بیمار یک جسم است که بایستی آن را برید تا بقیه جسم سالم بماند و به اتفاق همه قوانین و مطابق با عقل سالم همیشه جزء فدای کل میشود بریدن دست دزد بهترین عبرت و پند است

۱ - عثمانی، مفتی شفیع، تفسیر معارف القرآن، مترجم: محمد یوسف حسین پور، کتابخانه عقیده، ج ۸، ص ۱۰۸.

۲ - حنیف، محمد معروف و منیب، اسرار الحی، مقاصد شریعت، وزارت تحصیلات عالی، کابل، ص ۱۱۱.

۳ - سوره النساء، آیه ۲۹.

برای کسانی که هوس دست درازی به مال مردم دارند تا دیگران جرئت نکنند که دست به مال مردم دراز کنند در نتیجه اموال مردم محفوظ و مصون می ماند(۱).

الله میفرماید: (السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)(۲).

ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند (بر کار خود) چیره و (در قانونگذاری خویش) حکیم است (و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می‌کند تا مانع پخش آن گردد).

اسلام مجازات قطع دست سارق را تشریع کرده است و این مجازات قاطع و سخت گیرانه ای می‌باشد، لیکن لکن به مردم در مورد مال و جان شان امنیت بخشیده است و این دست خاین (دست دزد) که قطع می‌شود، عضوی فلج و از کار افتاده است که بیماری و مرض در آن ریشه دوانیده است و مصلحت اقتضا میکند که قطع شود تا بیماری به همه بدن سرایت پیدا نکند و رحمت در این است که آن را قطع کنیم تا سایر اعضای بدن، سالم بماند و دستی که قطع میشود، سبب بازداشتن مجرمان و جلوگیری از تعدی و تجاوز آن‌ها و تأمین امنیت و آسایش در جامعه می‌شود(۳).

اسلام با تشریع جاویدان خویش، کرامت انسان را مصون داشته و تجاوز به جان یا مال یا ناموس را جرم بزرگ و مستوجب شدیدترین مجازات دانسته است و براساس آن، ظلم و ستم در زمین با قتل غارت و تجاوز به افراد دارای امنیت با سرقت اموال آنها، از جرایم است که لازم است با شدت و قاطعیت معالجه شوند تا مجرمان و تبهکاران، خرابی و فساد به بار نیاورند و عاملی برای ایجاد اختلال در امنیت افراد و جامعه وجود نداشته باشد و اسلام هم برای محارب ستمگر، انواعی از مجازات را وضع نموده است که عبارت اند از: کشتن، قطع دست و یا تبعید یا حبس و هم چنین برای سارق، مجازات قطع دست را وضع کرده است(۴).

فرع دوم - حرمت غصب

غصب اموال غر در از راه غر شرع سب مال ما شده در این مورد الله متعال میفرماید: (إِنَّمَا جَزَاؤُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)(۵).

۱ - همان اثر، مقاصد شریعت، ص ۱۱۲.

۲ - سوره مائده، آیه ۳۸.

۳ - همان اثر، تفسیر آیات احکام، مترجم: دکتر فرزاد پارسا، ج ۱، ص ۶۰۱.

۴ - همان اثر، تفسیر آیات احکام، مترجم: دکتر فرزاد پارسا، ج ۱، ص ۶۰۰.

۵ - سوره مائده، آیه ۳۳.

ترجمه: کيفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می‌شورند و بر احکام شریعت می‌تازند و بدین‌وسیله) با خدا و پیغمبرش می‌جنگند، و در روی زمین (با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروان‌ها) دست به فساد می‌زنند، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند، یا (در برابر کشتن مردم و غصب اموال) به دار زده شوند، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، و یا این که (در برابر قطع طریق و تهدید، تنها) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است. همجنان می‌فرماید: (فَأَنْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي الْسَفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا) (۱).

ترجمه: پس (موسی و خضر با یکدیگر) به راه افتادند (و در ساحل دریا به سفر پرداختند) تا این که سوار کشتی شدند. (خضر در اثنای سفر) آن را سوراخ کرد. (موسی) گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینان آن را غرق کنی؟! واقعاً کار بسیار بدی کردی.

مطلب پنجم - تحریم ربا

عبارت از زیادتی است در یکی از دو مال متجانس بدون این که عوضی برای آن در نظر گرفته شود (۲).

به عبارت دیگر ربا عبارت است از افزایش مال بدون دادن چیزی در مقابل آن، از خلال عوض کردن مالی هم جنس به مال هم جنس آن (۳).

همچنین ربا که عبارت است از پرداخت و بهتر از آنچه گرفته است، حرام و باطل است؛ زیرا بیشتر کسانی که بدین شکل وام می‌گیرند گدایان مجبور اند، دست بیشترشان نمی‌رسد تا وام‌ها را سر موعد ادا کنند، پس سود آن، چند در چند اضافه می‌گردد که رهایی از آن، هیچ وقت امکان نخواهد داشت، و آن سبب درگیری بزرگ و نزاع شدیدی قرار می‌گیرد، هرگاه رواج یابد که بدین شکل از اموال استفاده ببرد، دست از زراعت و صنعت که اصول مکاسب می‌باشند برمی‌دارد. هیچ عقدی نیست که بی‌پروایی و درگیری نسبت به ربا در آن بیشتر باشد، و این کسب نشه آور و بر ضد اصل آن مکاسبی هستند که خداوند برای بندگان مشروع گردانیده است، و در این کسب قباحت و درگیری است، و در اینگونه امور،

۱ - سوره کهف، آیه ۷۱.

۲ - فادی، محمد الرفاعی، المصارف الإسلامية، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۷م، ص ۲۹.

۳ - عاشور، عبدالجواد عبد الحمید، البديل الاسلامی للفوائد المصرفية، طنطا: دار تلصاحبة للتراث، ۱۹۹۲، ص ۱۱۵.

اختیار به دست شارع می باشد که یا برای آن‌ها حدی در نظر بگیرد که در کمتر از آن اجازه بدهد و از بیشتر جلوگیری کند، یا کلاً از آن باز دارد^(۱).

الله متعال در قرآن کریم در مورد سود خواری می فرماید: (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)^(۲).

ترجمه: کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) بر نمی‌خیزند مگر همچون کسی که (- بنا به گمان عرب‌ها -) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آن‌رو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حال آن‌که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با خدا است؛ اما کسی که برگردد (و مجدداً مرتکب رباخواری شود) این‌گونه کسانی اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند.

احادیث زیادی نیز دال بر تحریم ربا از زبان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می باشد از جمله روایت جابر (رضی الله عنه) است که گفت: (لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم اكل الربا و موكله و كاتبه و شاهديه وقال: هم سواء)^(۳).

ترجمه: رسول خدا خورنده ربا، خوراننده آن، نویسنده آن و دو شاهد آن را لعنت نموده و فرمودند: آنان با هم برابرند. لعنت در واقع رانده شدن و دور ماندن از رحمت خدای متعال است، از این روز لعنت فرستادن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دلیل گنه کار بودن آنها با انجام فعل حرام است.

سود یک مصیبت بزرگ، مرض ساری و کشنده است آن‌انکه با سود معامله دارند به زودی در وادی فقر دست و پا خواهند زد بدون شک بعد از زنده گی مرفه و زیبا زمانیکه انسان حقیر و فقیر شده و گزیده خود را از دست دهد، فضاء در پیش چشمانش به سوراخ سوزن جلوه میکند و پگاه و بیگاه درهم و برهم و غم مضطرب الحال و مختل الشعور بسر می برد یا بعبارت دیگر در حکم مرده شمار میشود پس هر آنچه راجع به ذم و تقبیح ربا و سود بحث کرده و بگوئیم ازین قول خداوند متعال سخن جامع تر نخواهد بود:

۱ - همان اثر، حجت الله البالغه، مترجم: محمد یوسف حسین پور، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۲ - سوره بقره، آیه ۲۷۵.

۳ - همان اثر، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۷۳.

خداوند ترا ازین وعید نجات دهد چقدر وعید و ضرب الاجل شدید است علی رغم وعید مذکور ، حکام ملتها را میبینیم که با وجودیکه خود را متمدن میخوانند این حرام را انکشاف داده و آنرا بهترین وسیله برای جلب منافع می شمارند و منافع و ثمره آنرا چیزبس ارزنده تلقی میکنند اما برای آنها چنین میگوئیم : این حکومتها و حکام ضرر شراب و زنا را بخوبی میدانند با وجود این زنا و شراب را عام و علنی میخورند در حالیکه بدترین چیزی اند که به آسمان لاحق میگردند اکنون تمام ملت‌های اروپایی به حکمت حرمت این سود پی برده اند چون با نظر عمیق می بینند که تمام اموالیکه در بیت المال ها و بانکها امانت گذاشته شده بود تمام آنها را ، جنگهای بزرگ به نابودی کشانید . باید دانست که اگر ربا به اینصورت جائز قرار داده شود فائده قرض بالمثل و انواع تعاونیکه بر مبنای نیکی و تقوی گذاشته شده بود از بین رفته و منتقی میگردید خلاصه میتوانیم گفت که سود ذرئعه فساد جهان است چون هنگامیکه مردم از اموال خویش چنین منافی را در نظر داشته و به دست آرند تمایل آنها به کسالت و تنبلی بیشتر خواهد شد در حالیکه درستی و بقاء زمین بر اساس راستی ، صداقت و امانت ادامه خواهد یافت . هکذا اهداف اساسی تاجر و صانع را راستی منافع استوار ساخته و پایدار میسازد بدون اینکه متوجه اصل سرمایه باشند البته زمانیکه این اعمال نا شائسته و ملهک و خانمان سوز را ترک نمایند و اگر اعراض کردند پس از دنیا و ساکنین آن وداع باید کرد و اگر علت و انگیزه های نزول مصائب را دقیق مطالعه کرده شود ، دیده میشود که ریشه تمام این مصائب سود، استفاده از سود و معامله با سود است(۱).

فرع اول - زیان های اجتماعی ربا

شریعت اسلامی، ربا را از بزرگ ترین جرایم اجتماعی و دینی به حساب آورده و یورش بی امان به آن برده که آشتی و مدارایی ندارد و قرانکریم، معامله گران را به عذاب درد ناک در دنیا و آخرت تهدید نموده است. بزرگی این جرم زشت را به روشنی و ساده گی میتوان از تصویر شنیعی که قرآن از حالت ربا خواران کشیده و آن ها را در صورت اشخاص جن زده به نمایش گذاشته است، فهمید: ربا خوار، به مانند مجنون و فرد مبتلا در عقل و جسم خود، سردرگم، پریشان و هذیان گو می شود. دین اسلام در زشت خواندن و نفرت انگیز دانستن هیچ امری از امور جاهلیت که قصد ابطال آن را داشته است به مانند ربا به صورت جدی و گسترده عمل نکرده و در مورد هیچ منکری به مانند ربا تهدید ننموده است، زیرا ربا از نظر اسلام، سر دسته ی جرایم، اساس مفاسد و اصل شر و گناه و صورتی زشت و عبوس در مقابل صدقه نیکی و احسان است(۲).

۱ - ببین: همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، ترجمه: نقیب الله اثری، ج ۲، ۲۳۳-۲۳۴.

۲ - همان اثر، تفسیر آیات احکام، ج ۱، ص ۴۱۹.

اول - ربا وسیله انقطاع نیکی: ظاهر است که گرفتن دست فقراء و برای آنها بازو قرار گرفتن ، چیزی هست که وسیله برای الفت و محبت قلوب متنافر، دشمن و در ستیز، گردیده و ریشه دوستی را عمیق تر میسازد و در هر جائیکه چنین باشد امنیت در آنجا حاکم خواهد بود چون زمانیکه اهل ثروت برای فقراء جزء سود مال چیز دیگر را ندهند نفاق در قلب آنها عمیق شده و حسد در دلها جایگزین میشود و در نتیجه نیکی و انسان دوستی از بین رفته مال آنها را به طریقه ممکن می ستانند دلیل این کثرت جنایات سرقت ، غصب ، جبر ، وجود سرمایه مشترک وجود مرامهای سوسیالستی ، کمونستی ، آزادیخواهی و غیره میباشد(۱).

دوم - ازدیاد خصومت: ربا سبب ایجاد دشمنی و تنفر در میان افراد جامعه و گسیخته شدن روابط انسانی و اجتماعی در میان طبقات مردم شده، مظاهر شفقت، مهربانی، تعاون و احسان را در درون انسان ها از بین برده، تخم حسد و انزجار را در قلب افراد می کارد و پایه های محبت و برادری را ویران و خراب می نماید. بدون تردید اگر در قلب کسی شفقت و مهربانی سکنی نگزیند و فرد، مفهوم و معنایی برای اخوت و برادری انسانی نشناسد، به زودی احترام و عطوفت از جانب افراد جامعه را هم از دست میدهد و مردم به دیده ی حقارت و پستی به وی نگاه میکنند. برای ناهنجار بودن و خوار بودن ربا خوار، همین بس که او دشمن جامعه و هم وطن خویش و بلکه دشمن انسانیت است، زیرا او خون افراد بشر را از طریق سوء استفاده از نیاز ها و ضرورت های آن ها می مکد(۲).

فرع دوم - زیان های اقتصادی ربا

اول - متمرکز شدن ثروت: این، بسیار روشن است، زیرا مردم را به دو طبقه تقسیم میکند: طبقه مرفه که در رفاه و نعمت و با بهره گیری از حاصل عرق پیشانی دیگران زندگی میکنند و طبقه محروم و نیازمند و در مانده و بی چیز و بدین وسیله میان این دو طبقه مبارزه در میگیرد. ثابت هم شده که ربا از بزرگ ترین عوامل انباشت ثروت ها در دست عده ای اندک از افراد و سبب بلای وارد آمده بر ملت ها و گروه ها می باشد(۳).

دوم - کاهش فعالیت های اقتصادی: از آن جای که طبیعت بشری به اندوختن مال بیشتر بدون زحمت و با راحت مائل است، ربا از قوی ترین عواملی است که به تنبلی، بیکاری و ترک تلاش برای به

۱ - همان اثر، حکمت و فلسفه احمام شریعت، ترجمه: نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲ - همان اثر، تفسیر آیات احکام، مترجم: دکتر فرزاد پارسا، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳ - همان اثر، تفسیر آیات احکام، مترجم: دکتر فرزاد پارسا، ج ۱، ص ۴۲۱.

دست آوردن رزق و کارکردن برای آن می انجامد. بدون شک این تعامل (مفت خواری) در شریعت مبارک که بخاطر کار و تلاش برای زندگی آمده است، بد پنداشته و حرام است (۱).

فرع سوم - ضرر روانی ربا

ربا، علاقه به استبداد و خود خواهی را در انسان ایجاد میکند چنان که انسان، جز خود، کسی را نمی شناسد و جز مصلحت و نفع شخصی، چیزی دیگر برای او مهم نمیباشد و بدین طریق، روح ایثار و فداکاری و مفاهیم عشق و خیر در حق افراد جامعه از بین رفته، جای آن خود خواهی و خود پرستی و خود محوری می نشیند و روابط برادرانه در میان فرد و برادران (حقیقی یا دینی) متلاشی و از هم پاشیده می شود و فرد ربا خوار حالت یک حیوان وحشی شکارچی را پیدا میکند که در زندگی، فقط جمع کردن مال و مکیدن خون مردم و گرفتن دارایی های آنها و ربودن آن از چنگشان برایش مهم است و گرگی درنده در صورت یک انسان امانتدار می گردد و بدین ترتیب، مفاهیم خیر و بزرگواری در درون انسان ها از میان رفته، جای خود را به حرص و طمع میدهد (۲).

مطلب ششم - منع غرر

ابن اثیر (۳) در مورد معنی اصطلاحی بیع غرر می گوید: عبارت از چیزی است که ظاهر آن فریبنده و باطن اش مجهول میباشد. این نوع معامله شامل بیوع مختلف است که به حقیقت آن بایع و مشتری به علت مجهول بودن پی نمی برند. آیه خاص در مورد غرر وارد نشده اما اشاره در این آیت های مبرکه به بیع غرر است. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) (۴).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راه های نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و...) نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد، و خودکشی نکنید و خون همدیگر را نریزید. بی گمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود). همچنان می فرماید: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (۵).

۱ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، مترجم: محمد میرویس غیاثی، ص ۱۲۱.

۲ - همان اثر، تفسیر آیات احکام، مترجم: دکتر فرزاد پارسا، ج ۱ ص ۴۲۰.

۳ - ابو الحسن علی محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری مشهور به عزالدین ابن اثیر مورخ، ادیب و محدث. صاحب دو کتاب تاریخی الکامل اسد الغایه است در سال ۵۵۵ق چشم به جهان گشود و بنابر قول راجح در سال ۶۳۰ق دنیا را وداع گفت. الاعلام ج ۲۱، ص ۴۹.

۴ - سوره النساء، آیه ۲۹.

۵ - سوره بقره، آیه ۱۸۸.

ترجمه: و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید). (وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبُطْلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا).

ترجمه: و (همچنین بر آنان برخی از چیزهای پاکیزه و حلال را حرام کردیم) به خاطر دریافت ربا (و رباخواری)، در حالی که (بر زبان پیغمبران) از آن نهی شده بودند، و به سبب خوردن مال مردم به ناحق، و ما برای کافران ایشان عذاب دردناکی را آماده کرده‌ایم.

همچنان در حدیث از رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (عن أبي هريرة، قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن بيع الحصة و عن بيع الغرر^(۱)).

ترجمه: از ابی هریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از بیع حصاة (نوع از بیع غرر) و بیع غرر منع نمود. شک نیست که غرر و فریب نوعی از خوردن اموال مردم به باطل است. امام قرطبی^(۲).

گفته است مخاطب این آیات مبارکه همه امت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است؛ این بدین معنا است که بعضی از شما مال دیگران را به ناحق نخورید، در این ناحق قمار، فریب، پایمال کردن و انکار حقوق دیگران، آنچه که قلب صاحب مال بدان راضی نیست و آنچه که شریعت آنرا حرام قرار داده است، شامل می‌باشد^(۳).

امام نووی (رحمه الله)^(۴) در شرح صحیح مسلم می‌گوید: در باب معاملات، نهی از بیع غرر اصل عظیم و بزرگ است و به همین دلیل امام مسلم آنرا در کتاب خود، در اول فصل بیوع آورده است. بیع غرر صورت‌هایی بیشتر را دربر می‌گیرد که بیع برده فراری و شیء معدوم و یا مجهول، فروش چیز که تحویل دهی آن امکان نداشته باشد و چیز که تا هنوز در ملکیت فروشنده در نیامده است، فروش ماهی در آب فراوان که گرفتن آن به آسانی امکان نداشته باشد، فروش شیر در پستان، فروش جنین در شکم حیوان، فروش انباشته ای از طعام نامشخص، فروش لباس نامعلوم و غیر مشخص از میان چندین لباس، فروش

۱ - همان اثر، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۵۳.

۲ - ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر متولد سال ۶۰۰ ق که بعد از سقوط قرطبه به اسکندریه رفت و از آن جا به مصر رفت و در همان جا سکونت گزید علامه قرطبی مفسر، فقیه و عالم بزرگ لغت بود سرمایه علمی اش ۱۳ جلد کتاب می‌باشد که از مشهور ترین کتابهایش: جامع احکام قرآن می‌باشد و در سال ۶۷۱ ق در مصر وفات یافت و در همان جا دفن گردید. الاعلام ج ۵، ص ۱۲۵.

۳ - القرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد ابی بکر، الجامع الاحکام القرآن، جلد ۲، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۷ ق، ص ۲۲۵.

۴ - یحیی بن شرف بن مری بن حسن حزامی نووی شافعی متولد ۶۳۱ ق و متوفی ۶۷۶ ق می‌باشد که علامه در فقه و حدیث است و از تالیفات ایشان تهذیب الاسماء و اللغات و منهاج الطالبین الدقائق و منهاج فی شرح صحیح مسلم می‌باشد. الاعلام ج ۸، ص ۱۴۹.

گوسفند نامعلوم از بین چندین گوسفند و مانند این ها خرید و فروش تمام این موارد باطل است چون در همه این موارد جهالت وجود دارد امام نووی میگوید: اگر انجام معامله که در آن غرر است ضروری و پرهیز از آن غیر ممکن و جهالت در آن ناچیز و اندک باشد، معامله آن جایز است و به همین دلیل مسلمانان اجماع کرده اند که فروش چین پخته ای هر چند مشتری داخل آنرا نبیند، جایز است؛ ولی اگر پخته آنرا به تنهایی به فروش برساند، تا زمان که آنرا نبیند جایز نیست. همچنان علمای اسلام اجماع نموده اند مبنی از اینکه اجاره دادن خانه، مرکب (حیوان که برای سواری، حمل و نقل از آن استفاده میشود) و لباس برای یک ماه جایز است. با وجود اینکه ماه (مطابق به تقویم قمری) سی روز، گاهی هم بیست نه روز میباشد. در ادامه میگوید: باید دانست که معامله ملامسه، منابذه، حبل الحبله، حصات، عصب الفهل و امثال این ها از معاملات هستند که در باره عدم جواز آن ها، به دلیل وجود جهالت نصوص خاص آمده است و چون از معاملات مشهور جاهلیت بوده و بصورت مستقل ذکر و از آنها نهی شده است (۱).

۱ - ببین: النووی، محی الدین بن زکریا، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، المؤتّن للتوزیع، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

مبحث سوم - جلوگیری از نزاع بین متعاقدين

جلوگیری از نزاع بین متعاقدين از جمله مقاصدی است که شریعت اسلامی تقریباً در تمام انواع معاملات آنرا در نظر دارد همچنان یکی از مقاصد خاص در کسب مال میباشد زیرا احتمال وقوع نزاع در این امر بسیار زیاد است. مهمترین اسباب که باعث جلوگیری از نزاع بین متعاقدين می شود قرار ذیل است:

مطلب اول - توثیق در عقود و معاملات

باید دانست که دین از نظر درگیری و نزاع، از بزرگترین معاملات و بیشترین آنهاست، ولی از نظر احتیاج و نیاز چاره‌ای هم از آن نیست. بنابراین، خداوند متعال در کتابت و استشهاد بر آن، تأکید نمود، و رهن و ضمانت را مشروع گردانید، گناه کتمان شهادت در آن را بیان فرمود، و به صورت واجب کفایی به کتابت و گواه مقرر کردن بر آن، دستور داد، و این از عقود ضروری است(۱).

شریعت اسلامی برای ملکیتها و داریی‌ها اهمیت ویژه‌ای قائل است، به گونه‌ای که معاملات را به انواع مختلف آن و به عنوان وسیله دست به دست شدن مال جواز داده است، امثال خرید و فروش، اجاره، سلم و غیره معاملات شرعی، چنانچه که وسائل و پیش زمینه‌های را برای حفظ مال را در دست صاحب آن مشروع گردانیده است. ازینرو دزدی، چور، زورگیری، غصب و غیره را حرام قرار داده است و حدودی را تعیین نموده است که کفالت حفظ مال را میسر می‌سازد و یا شروطی را وضع نموده است که حق صاحب آن را صورتی که مالش در دست خودش نباشد ضمانت و حفظ می‌کند. مثل نگاشتن سند، شهادت، گرو ضمانت، کفالت و غیره(۲).

فرع اول - کتابت و شهادت

در مورد کتابت و شهادت در دین و معاملات مالی در قرآن کریم الله متعال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْلِكَ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا

۱ - همان اثر، حجت الله البالغه، مترجم: محمد یوسف حسین پور، ص ۳۷۳.

۲ - همان اثر، نظام اقتصادی اسلام، مترجم: محمد میرویس غیاثی، ص ۹۹.

تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَجَرَّةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به همدیگر تا مدت معینی (از لحاظ روز و ماه و سال) وامی دادید، آن را بنویسید، و باید نویسنده‌ای دادگرا به آن را بنویسد، و هیچ نویسنده‌ای از نوشتن (سند) بدان گونه که خدا بدو آموخته است، سرپیچی نکند. پس نویسنده باید بنویسد و آن کس که حق بر ذمه او است، باید املاء کند و از پروردگارش بترسد و چیزی از آن نکاهد، و اگر کسی که حق بر ذمه او است کم‌خرد یا (به سبب کوچکی یا بیماری یا پیری) ناتوان باشد، یا (به سبب لالی یا گنگی یا ناشنایی با زبان) او نتواند که املاء کند، باید ولی او (که شرع یا حاکم برای وی تعیین کرده است) دادگرا به املاء کند. و دو نفر از مردان خود را به گواهی گیرید، و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از میان کسانی گواه کنید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند. - (این دو زن به همراه یکدیگر باید شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی پیدا کرد، دیگری بدو یادآوری کند - و چون گواهان را به گواهی خوانند باید که از این کار خودداری نورزند. و از نوشتن وام - خواه کم باشد یا زیاد - تا سررسید آن دلگیر نشوید. این در پیشگاه (شریعت) خدا دادگرا به‌تر و برای گواهی (و صحت شهادت) استوارتر، و برای آن که دچار شک و تردید نشوید، بهتر می‌باشد. مگر این که داد و ستد حاضر و نقدی باشد که در میان خود دست به دست می‌کنید، پس در این صورت بر شما باکی نیست اگر آن را ننویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید (باز هم) کسانی را به گواهی گیرید، و نویسنده و گواه نباید که زیان ببینند و نباید که زیان برسانند، و اگر چنین کنید از فرمان خدا بیرون رفته‌اید (و بر حکم او شوریده‌اید). و از خدا بترسید (و اوامر و نواهی او را پیش چشم دارید) و خداوند (آنچه را که به نفع شما یا به زیان شما است) به شما می‌آموزد، و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

در آیه در مذکور اصول مهم قانون معاملات که در قوانین امروزی به آنها معاهدات گفته می‌شوند بیان شده و بعد از آن اصول ویژه ضابطه شهادت مذکور است و تحریر قایم مقام زبان قرار گرفته است اگر به زمان هزار و چهار صد سال پیش بنگریم دیده می‌شود که در آن وقت تمام معاملات جهان تنها شفاهی انجام می‌گرفت اصول برای نوشتن و تهیه قبض وجود نداشت از همه جلوتر قرآن‌کریم به این طرف انسان را متوجه ساخت.

فرع دوم - رهن

رهن عبارت از گرو گذاشتن مال به جهت وثیقه و تضمین نزد طلب کار تا چنان چه وی نتواند در زمان مقرر، حق خود را از بده کار استیفا کند، آن را از مال گرو گذاشته شده یا قیمت آن استیفا نماید. عقد رهن یکی از عقود تبرعی (خیریه) است چون چیزی را که راهن (رهن دهنده) به مرتهن (رهن گیرنده) می دهد در بدل عوضی نیست، همچنانی که رهن از عقود عینی نیز می باشد، عقود عینی عقودی اند که التزام و تعهد آنها تام و کامل نمی باشد، مگر زمانی که بر عقد انجام شده، ملک عینی تسلیم داده شود. علت شرط قرار دادن تسلیم دهی ملک در عقود تبرعی (خیریه) که عبارت اند از: هبه، رهن، اعاره، ایداع و قرض (۱).

جواز رهن به قرآن، سنت و اجماع علمای اسلام ثابت شده است و محدود بر جواز رهن تنها در سفر نیست، بلکه ذکر سفر در آیه، صرف بخاطر غالب بودن این حال می باشد و نه رهن در سفر و حضر هر دو جواز دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَتَىٰ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ عِاثٌ قَلْبُهُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (۲).

ترجمه: و اگر در سفر بودید و نویسندہ‌ای نیافتید، پس چیزهائی گروگان بگیرید. و اگر برخی از شما به برخی دیگر اطمینان کرد، باید کسی که امین شمرده شده است، امانت او را بازپس دهد (و بستانکار در گروگان که امانتی محسوب است خیانت روا ندارد، و بدهکار وام را که ودیعه‌ای بشمار است، به موقع بپردازد) و از خدائی که پروردگار او است بترسد، و گواهی را پنهان نکنید و هرکس آن را پنهان دارد قلبش بزهرکار است، و خدا بدانچه انجام می‌دهید آگاه است.

در سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نیز روایاتی وجود دارد که دال بر جواز رهن می باشد، چنانچه در بخاری و مسلم از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که گفت: (ان رسول الله صلی الله علیه وسلم اشتری من یهودی طعاما ورهنه درعا من حدید) (۳).

ترجمه: همانا رسول خدا از یهودی مقداری طعام خریدند و زرهی از آهن را نزد وی به رهن گذاشتند. اجماع فقها نیز بر جواز در حضر و سفر می باشد. حکمت در رهن بسیار عظیم است زیرا مرتهن سبب رفع کرب و غم از راهن می گردد که آنرا پریشان حال می سازد چون عده کثیری از مردم گاهی به چیزی ضرورت پیدا میکند که با وجود ضروریات مختلف بعض حوایج آنرا مرفوع می سازد گاهی آنرا

۱ - البیهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع عن متن الإقناع، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۰م، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲ - سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۳ - همان اثر، صحیح مسلم، ج ۵، شماره حدیث ۹۶۶.

از شخص دیگر بطور قرضه گرفته و یا مطالبه میکند . اما بدون اطمینان تحصیل مال خویش و بدون سند یا وسیله انکار میورزد پس شارع حکیم رهن را مشروع گردانید تا مرتین مطمئن گردد کاش مردم رهن را همراه با شروط شرعی آن مراعات نمایند زیرا اگر این شرایط را مراعات نمایند هرگز خانه ها قربانی وام های کمر شکن نه گشته و دروازه خانه شان که باز بود هرگز بسته و یا بند نمی شد و فامیل های که در زنده گی مرفه بودند هرگز فقیر نمیشدند البته رهن فائده را که بعد از معامله دارد همانا نیل محبت و مودت در میان مردم است . بر علاوه اجر و پاداش که از طرف الله تعالی نصیب میگردد روزیکه مال و اولاد نفع نمیرسانند(۱).

فرع سوم - کفالت

کفالت از جمله عقود توثیقی است در قرآن کریم آمده است (وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ)(۲).
ترجمه: و هرکس آن را برگرداند، بار شتری در برابر آن می گیرد. (رئیس آنان هم تأکید کرد و گفت)
ترجمه: و من شخصاً این پاداش را تضمین می کنم.. کفالت از عقود تبرعی (خیر خواهانه) و مبتنی بر روحیه هم کاری است، پس باید برای رضای الله متعال صورت گیرد، از این روی عقد کفالت در قبال دریافت اجرت و مزد، فاسد است اما اگر کفیل در انجام عقد کفالت چیزی مصرف کرد و هزینه یی به کار برد، آنچه مصرف کرده است از مکفول له گرفته میشود . حکمت تحریم اجرت در عقد کفالت این است که معمولاً کفالت کنندگان ثروت مندان اند و کسانی که درخواست کفالت می کنند، فقرا اند بناء اسلام می خواهد تا بدین شیوه، توازن میان فقر و ثروت را نگه دارد، نه این که بر فقر فقرا بیفزاید و به ثروت ثروت مندان اضافه کند(۳).

فرع چهارم - حواله

حواله نیز از جمله عقود توثیقی در معاملات مالی به شمار میرود. در اصطلاح نزد فقهای حنفی عبارت است از: انتقال مطالبه از ذمه مدین (بده کار) به ذمه ملتزم (حواله داده شده) به خلاف کفالت که ضمانت مطالبه است نه انتقال آن. پس حواله یعنی انتقال دین از ذمه اصیل به ذمه محال علیه (شخص حواله داده شده) از راه اعتماد به وی. بناء پس از عقد حواله، از مدین (بده کار) مطالبه یی صورت نگرفته و محال علیه (پرداخت کننده حواله) به جای وی قرار می گیرد(۴).

۱ - همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، مترجم: نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲ - سوره یوسف، آیه ۷۲.

۳ - المصری، رفیق یونس، النظام المصرفی الاسلامی، دار المکتبی للطباعة والنشر و التوزیع، ۲۰۰۱م، ص ۱۸۷.

۴ - ببین: همان اثر، فقه اسلامی و ادلته، ج ۵، ص ۸۹-۹۱.

مشروعیت حواله به سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و در این حدیث شریف ثابت شده است: **(مطل الغنی ظلم و اذا اتبع احدکم علی ملی ء فلیتبع)** (۱).

ترجمه: دیر کرد شخص غنی در بازپرداخت دینش به طلب کار، ظلم است و هر گاه یکی از شما برای دریافت دینش از سوی بده کار به یک شخص متمولی احاله شد، باید حواله اش را بپذیرد و دنبال آن را بگیرد بناء تویه به پذیرش حواله در این حدیث دال بر استحباب آن است نه وجوب آن. فقها نیز بر جواز حواله اجماع دارند، البته در دیون، نه در اعیان.

مطلب دوم - بناء عقود بر لزوم

اصل در عقود لزوم میباشد، زیرا عقد به منظور حصول مقصود و مقصود علیه و دفع حاجات و نیاز مندی ها تشریع شده است پس باید این لزوم برای دفع حاجات و حصول مقصود طرفین باشد. بنابر این اصل در بیع لزوم است و خیار در آن عارض میباشد. و دلیل این آیه مبارکه: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ)** (۲).

ترجمه: ای مؤمنان! به پیمان ها و قراردادهای وفا کنید (اعم از عقود و عهدهای مشروع انسان با انسان، یا انسان با خدا).

بعضی مفسران میگویند منظور از این عقود، عقود دین است که شخص با خود منعقد کرده است مثل خرید و فروش، اجاره، مزارعت، مصالحه، نکاح، طلاق، تملیک، خیار، آزاد سازی، تدبیر و غیره تا زمانیکه از شرع خارج نباشد و همچنان عقود که انسان در قسمت اطاعت و عبادت الله متعال با خود منعقد کرده مانند روزه، زکات، قیام و امثال اینها میباشد. اما جمهور مفسران میگویند که این آیه عام است و شامل تمام عقود می شود خواه از جمله عقود باشد که الله متعال آنرا بر بنده گان خود عقد کرده و خواه از جمله عقود باشد که انسان ها در میان خود عقد میکنند. پس مشخص گردید که امر در این آیه دلالت بر وجوب میکند (۳).

مطلب سوم - وفا به شرط

وفا به شرط یکی از مسایل است که باعث جلوگیری از ایجاد نزاع میان مسلمین می شود چنانچه الله متعال برای مومنین دستور میدهد تا به عهد و پیمان خویش وفا نمایند: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ اُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ اْلأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ)** (۴).

۱ - همان اثر، صحیح بخاری.

۲ - سوره مائده، آیه ۱.

۳ - بین: ابن زغبیه، عز الدین، مقاصد الشریعة الخاصة بالتصرفات المالية، الامارات العربية المتحدة، ۱۴۲۲ق، ص ۲۷۵.

۴ - سوره مائده، آیه ۱.

ترجمه: ای مؤمنان! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید (اعمّ از عقدها و عهدهای مشروع انسان با انسان، یا انسان با خدا. بعد از ذبح، خوردن گوشت) چهارپایان برای شما حلال است مگر آنهایی که (در این سوره مستثنی می‌گردد) و بر شما خوانده می‌شود. هنگامی که در حالت احرام هستید (یا این که در سرزمین حرم بسر می‌برید) شکار (برّی) را حلال ندانید. خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت بداند) حکم می‌کند.

مطلب چهارم - خیار در خرید و فروش

شارع حکیم همیشه حریص بر مصالح بندگان بوده، برای ضرر کسی هیچ راهی را باز نگذاشته است از این جهت خیار مشروع گردیده حکمت در خیار این است که گاه انسان یک چیزی را خریده و بعضی عیوب که بر ژرف نگری تعلق دارند ظاهر نمی‌باشد مگر با مشوره اهل خبره و افراد ماهر که کمتر مشکل مواجه شود و مدت خیار را سه روز گردانید که این مدت برای شناخت کافی میباشد از سوی دیگر بسیار چیزها را که در محل ظن قرار دارند شارع آن‌ها را به این مدت معلق ساخته است گاهی مشتری دوست متخصص دارد که در این مدت غایب میباشد برای بیرون رفت از این معضله شارع راه دیگر را تعیین نموده است یعنی زمانی که این مدت نزدیک به پایان باشد مشتری و بایع هر دو قرار دارد عقد را فسخ نموده و سه روز دیگر آن مدت را بار دوم تمدید کرده میشود چنانچه این فسخ و تمدید ادامه پیدا میکند تا زمانی که غایب حاضر شده و مشتری به خصوصیات آن آگاه شود و تا یک شخص در معرض غبن فاحش و غش قرار نگیرد لذا این یک حکمت بزرگ است که از وقوع تنازع در بین جمع مسلمین جلوگیری مینماید(۱).

۱ - همان اثر، حکمت و فلسفه احکام شریعت، مترجم: نقیب الله اثری، ج ۲، ص ۲۶۲.

نتیجه گیری

۱. معرفت علل و غایات احکام شریعت ، به ملکه استعداد مجتهد قوت می بخشد و با توجه به حکمت ها و مقاصد عامه و خاصه شریعت از نگاه وجوب ، استحباب ، اباحت ، کراهت و تحریم از ادله شرع استنباط نماید ، به طور مشخص در صورت تعارض ادله ، معرفت مقاصد به مجتهد در ترجیح کمک می نماید. وقتی که به ظاهر در میان دلایل تعارض به نظر می آید مجتهد توسط این علم می تواند در میان دلایل متعارض جمع و تطبیق و یا ترجیح را در نظر بگیرد.

۲. بدون تردید علم مقاصد شریعت اسلامی یکی از دقیق ترین علم‌هاست و کسی که از درجه ای علمی بالایی برخوردار نباشد هرگز نخواهد توانست در این دریای بی کران ماهیگیری کند؛ بنابراین عالم مقاصد شریعت باید دارای ذهن دقیق و فهم نافذ باشد؛ چرا که این علم به درک فقه اسلامی کمک شایانی می‌نماید. شناخت مقاصد عمومی شریعت، امری ضروری برای فهم صحیح نصوص شرعی و استنباط احکام از ادله‌شان به صورت مقبول است.

۳. علم مقاصد شریعت باعث می‌شود که نفس انسان اطمینان بیشتری به احکام و شریعت اسلامی پیدا کند یکی از اسباب اختیار این موضوع همین است علم مقاصد شریعت مشیر به وجود کمال در تشریع و احکام اسلامی است. علم مقاصد شریعت مفید معرفت مراتب مصالح و مفاسد و در حیات اعمال در شریعت و واقع است و اهمیت این امر به هنگام موازنه‌ی بین اعمال مشخص می‌گردد. استفاده از مقاصد شریعت در زمینه‌ی تعارض یا ترجیح بین ادله مطلوب است بدین معنا که فرد مجتهد با استفاده از مقاصد شریعت بهتر می‌تواند این مسئله را تشخیص دهد که دلیلی که بدان استناد کرده مناسب بوده یا نبوده است.

۴. کسب مال که از جمله مهمترین عمل یک مومن بشمار می‌آید در شریعت اسلام دارای مقاصد واهداف است که همانا ازجمله مهمترین مقاصد شریعت در کسب مال عبادت الله با تمام خلوص نیت میباشد که مومن مسلمان هرگاه میخواهد مالی را کسب نماید باید به این مقصد شریعت متوجه باشد. بدیهی است که بسیار از قضایای مدنی که در آنها نزاع و خصومت ایجاد میشود برای اینست که شروط مقرر از جانب شارع حکیم مراعت کرده نمیشود و به

آن احکام و مقاصد که شریعت اسلامی در نظر دارد توجه درست صورت نمیگیرد بنابر این فهم مقاصد شریعت در کسب مال خصومت و سایر مشکلات را ریشه کن میسازد.

۵. باید دانست که انسان مدنی الطبع آفریده شده و محتاج است به اینکه برای منافع داد و ستد مشترک داشته باشد برابر است که از طریق تجارت باشد و یا از طریق غرس اشجار زراعت و دهقانی که همه اسباب تجمع و مجاورت انسان ها برای امرار معاش آنها میباشد پس وقتیکه مسئله چنین است برای منافع حریص بوده و اماره بالسوء میباشد و معلوم است که طمع یکی از عادات قدیمی انسان است شارع حکیم برای کسب مال قوانین وضع نموده که کسی به حقوق دیگر تجاوزنکرده و مردم در احوال خوبی قرار بگیرند تا در منافع بهتر شریک باشند

۶. بیان مقاصد شریعت اسلامی در کسب مال در درک و فهم ماهیت معاملات مالی برای مسلمان کمک نموده تا در به درستی عمل رسیده و به سعادت دنیا و آخرت نایل گردد دین مبین اسلام همواره طالب سعادت‌مندی بشر است و خداوند متعال برنامه جامع زندگی را در قرآن‌کریم برای انسان ذکر نموده و توسط پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) فرستاده است یکی از مهمترین بخش زندگی بشر بحث اقتصاد و میزان کسب آن است که با آن بتواند زندگی خود و خانواده خود را اداره کند. کار و تلاش و کوشش برای تامین زندگی و حفظ آبرو و پاسداری از حریم خانواده یکی از بهترین کار های اخلاقی هر مسلمان است و حاصل دسترنج او صرف عزت و کرامت نفس خواهد شد.

۷. اسلام پیروان خود را تشویق می نماید تا هر کس کار کند و زحمت بکشد و از زحمت کشی خود نان بخورد و برای فامیل و خانواده خویش زمینه آرامش و آسایش را فراهم سازد، حتی برای دیگران نیز باید کمک نماید. شریعت اسلام به هیچ عنوان نمی پذیرد که انسان کار نکند و بار دوش جامعه باشد و دیگران نفقه آن را بدهند، انسان از دیدگاه شریعت اسلام حتی به خاطر مصروف شدن در عبادت نمیتواند دست از کار بکشد و بگوید که من عبادت می نمایم.

در اسلام کار کردن ثواب و منزلت زیادی دارد

۸. لازم است که کسب و کار، انسان را به طور کلی به دنیا و منافع دنیوی مشغول نسازد به گونه که سرمایه آخرت را ضایع بگرداند و در نتیجه دچار زیانمندی آشکاری گردد، بلکه باید قصد و نیت اش از تجارت و کسب و کار، به دست آوردن مال حلال و بی نیاز شدن از دیگران باشد در ضمن از اندوختن توشه ی سعادت آفرین آخرت خویش غافل نماند

۹. اسلام یکی از مهمترین مقاصد شریعت متعلق به مال و ثروت و اقتصاد رابطه آن با ایمان به الله متعال و معانی ربانی از معرفت الله تعالی، محبت او، ذکر و یاد او، شکر او، حسن عبادت او، رجاء به رحمت او، ترس از عذاب او، توکل به او و غیره که جنبه ربانی را در حیات و زندگی مومن بناء میکند است. جنبه دیگر مال در اسلام اینست که مال وسیله کمک کننده به اطاعت و عبادت الله متعال است زیرا مسمان را قادر میسازد که به طور منظم مستمر صدقه بدهد

۱۰. اصل در معاملات حلال و اباحت است و هیچ چیز حرام و ممنوع نیست مگر اینکه دلیل شرعی بر حرمت آن وارد شده باشد. به جز از این اباحت و جواز در هر معامله و کسب باقیست. که این خود دلالت بر آسانی و وسعت نظر شریعت اسلامی دارد با این بیان فهمیده می شود که اسباب مالکیت مشروع بسیار متنوع اند و شمارش آن کاریست بس دشوار. چون این اسباب از شخصی تا شخصی دیگر از توانایی تا توانایی دیگر و نسبت به علاقه مندی های متفاوت فرق میکند، به همین سبب اسباب تحریم تملک محصور و محدود است، چون خود حرمت محدود و معدود است

۱۱. اسلام پس از این که حق کسب مالکیت را به رسمیت می شناسد، چارچوب هایی را برای آن وضع نموده است که راه های تملک مشروع را نشان داده و از راه های نامشروع منع می نماید از جمله راه های مشروع تملک در اسلام عبارت است از: تصرف اشیا مباحی که در تملک کسی نیست، مثل احیای زمین های بایر، استفاده از گنجینه ها و دفینه های زیر زمینی، شکار، تهیه هیزم و غیره. تملک یک چیز با رضایت طرفین به عوض چیزی دیگر مانند: تملک از راه بیع، اجاره، مشارکت و غیره یا بدون عوض، مانند: گرفتن مال به عنوان بخشش، وصیت، میراث و صدقه.

پیشنهادهات

بنده بعد از تکمیل نمودن رساله پیشنهادات ذیل را ارائه می نمایم.

۱. برای بلند بردن آگاهی مردم عوام از علم مقاصد شریعت اسلامی باید کتب بیشتر در این زمینه تالیف گردد زیرا در زندگی انسان خاصا در عصر کنونی علم مقاصد شریعت اسلامی از اهمیت و جایگاه خاص برخوردار میباشد و دانستن آن برای پیشبرد امور زندگی خیلی مهم پنداشته می شود.

۲. دعوت گران، علماء و خطباء باید از طرق مختلف علم مقاصد شریعت اسلامی خاصا در بخش معاملات مالی و اقتصادی را به مردم برسانند تا مردم و تجار از این طریق بتوانند تمام معاملات تجارتی و مالی خود را در چهارچوب شریعت اسلامی عیار بسازند.

۳. کتب موجود در مسایل مقاصدی به زبان عربی باید به زبان های پشتو و دری ترجمه گردد تا از این طریق افراد که با زبان عربی بلدیت ندارند بتوانند از این کتب بهره مند شوند.

فهرست آیات قرآن کریم

شماره	آیات قرآن کریم	سوره	صفحات
۱	وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ	النحل ۹	۸
۲	ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ	فاطر ۳۲	۸
۳	لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا	المائدة ۴۸	۸
۴	مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ	مائدة ۶	۱۲
۵	وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ	بقره ۱۸۵	۱۲
۶	يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ	بقره ۳۷	۱۲
۷	مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَآلِنَ السَّبِيلَ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ	حشر ۷	۱۶
۸	وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ	النحل ۸۹	۱۷
۹	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ	بقره ۲۱	۱۷
۱۰	وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ	الزخرف ۳۹	۱۷
۱۱	فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ، فَكُ رَقَبَةً ، أَوْ إِطْعَمَ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْجَبَةٍ ، يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ، أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ	البند ۱۱ - ۱۶	۲۶
۱۲	كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ	بقره ۱۸۰	۲۶
۱۳	يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَآلِنَ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ	بقره ۲۱۵	۲۶
۱۴	أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشَّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ	بقره ۲۸۲	۲۶
۱۵	وَلَا تَوَثُّوا أَلْسِنَتَكُمْ لِيَنْتَهِىَ عَنْكُمْ قَوْلُ اللَّهِ لَكُمْ قِيلَ مَا أَنْزَلَ وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا	نساء ۵	۲۸
۱۶	فَمَنْ أَعَدَّىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْدَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعَدَّىٰ عَلَيْكُمْ	بقره ۱۹۴	۲۸
۱۷	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	ذاریات ۵۶	۳۱
۱۸	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا	توبه ۱۰۳	۳۳
۱۹	وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا	بقره ۱۲۵	۳۵
۲۰	لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ	بقره ۱۹۸	۳۶

٢١	وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ	انفال ٦٠	٣٧
٢٢	مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا	بقره ٢٤٥	٣٨
٢٣	لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ	آل عمران ٩٢	٣٩
٢٤	زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْأَفْئَةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ	آل عمران ١٤	٤٢
٢٥	وَكَايِنَ مَنْ دَابَّةٌ لَا تَحْمِلُ رَزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	عنكبوت ٦٠	٤٤
٢٦	فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	جمعه ١٠	٤٥
٢٧	وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا	قصص ٧٧	٤٨، ٣٣
٢٨	ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ	حديد ٧	٥٠
٢٩	هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ	بقره ٢٩ - ٣٠	٥٢
٣٠	إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ	تغايين ١٥	٥٢
٣١	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ	المنافقون ٩	٥٣
٣٢	إِنْ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى فَنَعَى عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوتُوا بِالْعِصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ	قصص ٧٦	٥٣
٣٣	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ	بقره ١٦٨	٥٥
٣٤	أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا	النساء ٢٩	٥٦، ٦٦، ٧٢
٣٥	رَجُلًا لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ	نور ٣٧	٥٦
٣٦	وَأَيَّةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ، وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ، لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ، سُبْحَنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ	يس ٣٣-٣٦	٥٧
٣٧	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ، يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	نحل ١٠-١١	٥٨
٣٨	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ	ملك ٩	٥٨

٣٩	لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ	حديده ٢٥	٥٨
٤٠	يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلِلْأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ؕ لِأَبَائِكُمْ وَلِأُمَّاتِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ، وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُن لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَّةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةُ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ	النساء ١١-١٢	٥٩
٤١	يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ	بقره ٢١٩	٦٣
٤٢	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	مايده ٩٠	٦٣
٤٣	سَمِعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْلُونَ لِّلَسَحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ	مايده ٤٢	٦٥
٤٤	السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	مايده ٣٨	٦٧
٤٥	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ	مايده ٣٣	٦٧
٤٦	الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	بقره ٢٧٥	٦٩
٤٥	وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَتَيْنَ بِبَعْضِكُمْ بَعْضًا فَلَئِنَّ الَّذِي أَوْثَمَ أَمْنَتُهُ وَلَيَتَّقِ اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا تُكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ ءَاتِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ	بقره ٢٨٣	٧٧
٤٦	وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ	يوسف ٧٢	٧٨
٤٧	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَيْعُمَا الْإِنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحْلِي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ	مايده ١	٧٩

فهرست احاديث

شماره	احاديث وتخریج آن	صفحات
۱	كل مسكر خمر. صحيح مسلم	۱۹
۲	على اليد ما اخذت حتى تؤدى. سنن ابى داود	۲۸
۳	من قتل دون ماله فهو شهيد و من قتل دون دينه فهو شهيد و من قتل دون دمه فهو شهيد و من قتل دون اهله فهو شهيد. سنن ترمذی	۲۹
۴	ارایت ان جاء رجل يريد اخذ مالى؟ قال فلا تعطه مالک قال: ارایت ان قاتلتنى؟ قال، قاتله قال: ارایت ان قاتلتنى؟ قال: فانت شهيد قال: ارایت ان قاتلته؟ قال هو فى النار. صحيح مسلم	۲۹
۵	عن انس بن مالک عن النبى صلى الله عليه وسلم قال: طلب الحلال واجب على كل مسلم. الطبرانی	۳۱
۶	عن كعب بن عجرة قال: مر على النبى صلى الله عليه وسلم رجل فرأى اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم من جلده و نشاطه فقالوا: يا رسول الله: لو كان هذا فى سبيل الله؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ان كان خرج يسعى على ولده صغارا فهو فى سبيل الله و ان كان خرج يسعى على ابوين شيخين كبيرين فهو فى سبيل الله و ان كان يسعى على نفسه يعفها فهو فى سبيل الله و ان كان خرج رياء و مفاخره فهو فى سبيل الشيطان. الطبرانی	۳۲
۷	عن ابى هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤمن القوی خير و احب الى الله من المؤمن الضعیف و فى كل خير احرص على ما ينفعك و استعن بالله و لا تعجز و ان اصابك شى فلا تقل لو انى فعلت كان كذا و كذا ولكن قل قدر الله و ماشاء فعل فان لو تفتح عمل الشيطان. صحيح مسلم	۳۲
۸	سبعة يظلمهم الله فى ظله يوم لا ظل الا ظله... إلى أن قال» و رجل تصدق بصدقة فأخفاها حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه. البخارى	۳۸
۹	عن عبدالله بن عمر ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال و هو على المنبر و هو يذكر الصدقه و التّعفف عن المساله اليد العليا خير من اليد السفلى واليد العليا المنفقة و السفلى السائلة. صحيح مسلم	۳۸
۱۰	عن جابر ان النبى صلى الله عليه وسلم دخل على ام مبشر الانصارية فى نخل لها فقال لها النبى صلى الله عليه وسلم: من غرس هذا النخل امسلم ام كافر؟ فقالت بل مسلم فقال لا يغرس مسلم غرسا ولا يزرع زرعاً فيأكل من انسان و لا دابة ولا شىء الا كانت له صدقة. صحيح مسلم	۳۹
۱۱	عن ابى هريره قال قال النبى صلى الله عليه وسلم الساعى على الارمله و المسكين كالمجاهد فى سبيل الله و القائم الليل الصائم النهار. صحيح بخارى	۴۶
۱۲	لان يحترم احدكم حزمه من حطب فيحملها على ظهره فيبيعها خير	۴۶

	له من ان يسال رجلا يعطيه او يمنعه. صحيح مسلم	
٤٧	عن انس بن مالك ان رجلا من الانصار اتى النبی صلی الله عليه وسلم يساله فقال: اما فی بیتک شیء؟ قال: بلی جلس نلیس بعضه و نبسط بعضه وقعب نشرب فيه من الماء قال: انتنی بهما قال: فاتاه بهما فاذاهما رسول الله صلی الله عليه وسلم بيده و قال : من يشتري هذين؟ قال: رجل : انا اخذهما بدرهم قال: من يزيد على درهم مرتين او ثلاثا قال رجل: انا اخذهما بدرهمين فاعطاهما اياه و اخذ الدرهمين و اعطاهما الانصارى وقال: اشتر باحدهما طعاما فانيذره الى اهلك و اشتر بالآخر قدوما فانتني به فاتاه به فشد فيه رسول الله صلی الله عليه وسلم عودا بيده ثم قال له: اذهب فاحتطب وبع و لا ارینک خمسة عشر يوما فذهب الرجل يحتطب و يبيع فجاء و قد اصاب عشرة دراهم فاشتري ببعضها ثوبا و ببعضها طعاما فقال رسول الله صلی الله عليه وسلم: هذا خير لك من ان تجيء المسالة نكتة في وجهك يوم القيامة ان المسالة لا تصلح الا لثلاثة: لذي فقر مدقع او لذي غرم مفطع او لذي دم وجع. سنن ابی داود	١٣
٥٤	عمل الرجل بيده و كل بيع مبرور. مسند احمد	١٤
٥٤	ما اكل احد طعاما قط خيرا من ان ياكل من عمل يده و ان نبی الله داود عليه السلام كان يا كل من عمل يده. صحيح بخاری	١٥
٦٩	لعن رسول الله رسول الله صلی الله عليه وسلم اكل الربا و موكله و كاتبه و شاهديه وقال: هم سواء. صحيح بخاری	١٦
٧٣	عن أبي هريرة، قال: نهى رسول الله صلی الله عليه وسلم عن بيع الحصة و عن بيع الغرر. صحيح مسلم	١٧
٧٧	ان رسول الله صلی الله عليه وسلم اشترى من يهودى طعاما ورهنه درعاً من حديد. صحيح مسلم	١٨
٧٨	مطل الغنى ظلم و اذا اتبع احدكم على ملىء فليتبع. صحيح بخاری	١٩

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحات
۱	ابن قدامه	۲۰
۲	ابن قیم	۱۷
۳	ابن نجیم	۲۲
۴	ابن اثیر	۷۲
۵	امام العز	۲۱
۶	امام شافعی	۱۶
۷	امام غزالی	۱۶
۸	امام نووی	۷۳
۹	بهوتی	۲۳
۱۰	زرکشی	۱۶
۱۱	سرخسی	۲۲
۱۲	شاطبی	۱۰
۱۳	شاه ولی الله دهلوی	۴۴
۱۴	علال الفاسی	۹
۱۵	قرطبی	۷۳
۱۶	محمد طاهر عاشور	۸

فهرست منابع مأخذ

١. ابن النجار، تقي الدين ابوالبقاء، محمد بن احمد بن عبدالعزيز، شرح الكوكب المنير، تحقيق محمد الزحيلي و نزيه حماد، جلد چهارم، مكتبة العبيكان، ١٩٩٧م.
٢. ابن دقيق العيد، تقي الدين، إحكام الأحكام شرح عمدة الأحكام. جلد اول، مصر: مطبعة السنة ١٤١٨ق
٣. ابن عاشور، محمد الطاهر، مقاصد الشريعة الإسلامية. تونس: الشركة التونسية للتوزيع، ١٩٩٩م.
٤. ابن عبدالسلام، عبدالعزيز بن عبدالسلام. قواعد الحكام فى مصالح الانام. بيروت: موسسه الريان، ١٩٩٠م.
٥. ابن فارس، ابوالحسين احمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، جلد پنجم، دارالفكر، ١٣٩٩ق.
٦. ابن قدامه، موفق الدين عبدالله بن احمد بن محمد. روضة الناظر وجنة المناظر فى اصول الفقه على مذهب الامام احمد بن حنبل، جلد دوم، مؤسسة الريان للطباعة ٢٠٠٢م.
٧. ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد. المغنى لابن قدامه، جلد هفتم، مكتبة القاهرة، ١٩٤٨م.
٨. ابن قيم الجوز، ابو عبدالله محمد بن ابى بكر. شفا العليل فى مسائل القضاء والقدر والحكمة و التعليل. القاهرة: مكتبة التراث، ١٩٧٥.
٩. ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر. تفسير ابن كثير. بيروت، دار ابن حزم، ١٤٢٠ق.
١٠. ابن منظور، محمد بن مكرم. لسان العرب، جلد ششم، بيروت: دارصادر، ١٤١٤م.
١١. ابن نجيم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، جلد وپنجم، مصر، مطبعة دارالكتب، ٢٠١١م.
١٢. ابن مفلح، ابى اسحاق برهان الدين ابراهيم بن محمد بن عبدالله، المبدع شرح المقنع، جلد دوم، لبنان، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
١٣. ابن زغيبه، عزالدين، مقاصد الشريعة الخاصة بالتصرفات المالية، الامارات العربية المتحدة، ١٤٢٢ق.
١٤. ابى داود، سليمان بن اشعث، ابى داود، جلد پنجم، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٠ق.
١٥. ابراهيمى، پوهنمل محمد يونس، نظام اقتصادى اسلام، كابل، انتشارات حامد رسالت، ١٣٩٦ش.
١٦. احمد بن حنبل، ابى عبدالله احمد بن احمد، مسند احمد، جلد ٢٨، بيروت، مؤسسة الرسالة. ب-ت.
١٧. ادارة و تثير ممتلكات الأوقاف، جدة البنك الاسلامى للتنمية، ١٤٠٤ق.
١٨. الازهرى، ابى منصور محمد بن احمد، تهذيب اللغة، تحقيق: محمد عوض مرعب، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٤م.
١٩. امام، عبدالفتاح، حسن دواجرى و حماد فلاح الغزالى. المنطق والمناهج البحث العلمى. الجماهيريه العربيه الليبيه الشبيعه الشتراكىه: امانة التعليم ١٩٨٢م.
٢٠. البخارى، ابو عبدالله محمد ابن اسماعيل ابن ابراهيم ابن المغيرة. صحيح بخارى، دمشق، دارابن كثير، ١٤٣٢ق.
٢١. البهوتى، شيخ منصور بن يونس بن ادريس، كشف القناع عن متن الاقناع، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠١٠م.
٢٢. البهوتى، شيخ منصور بن يونس بن ادريس، شرح المنتهى الارادات-دقايق اولى النهى الشرح المنتهى، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.

٢٣. الترمذى، محمد بن عيسى. سنن الترمذى، جلد چهارم، بيروت، ١٤٠٥ق.
٢٤. جرجاوى، دكتور على احمد، حكمت و فلسفه احكام شريعت، مترجم: نقيب الله اثرى، كابل، انتشارات خيبر، ١٣٩٤ش.
٢٥. جعيم، نعمان. طرق الكشف عن المقاصد الشارح. الاردن، دارنفائس، ٢٠١٤م.
٢٦. جمع از علماء اسلام، موسوعة الفقهية الكويتية، جلد ٤٤، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، الكويت، ١٤٠٤ق.
٢٧. الحاكم، ابي عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين للحاكم، جلد دوم، دمشق، دارالمنهاج للقيام للنشر و توزيع، ١٤٣٩ق.
٢٨. حماد، نزيه، بحوث فى المال، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٤١٠ق.
٢٩. حنيف، محمد معروف و منيب اسرار الحى، مقاصد شريعت، وزارت تحصيلات على، كابل، ١٣٩٨ش.
٣٠. الخادمى، نور الدين بن مختار، علم المقاصد الشريعة، الرياض، مكتبة البيكان، ٢٠٠١م.
٣١. الخلاف، عبدالوهاب. علم وصول الفقه، مصر: مكتبة الدعوة، ب_ت.
٣٢. دهلوى، شاه ولى الله. حجت الله البالغه. مترجم: سيد محمد يوسف حسين پور، كتابخانه عقيدة، ب-ت.
٣٣. الرازى، فخرالدين ابو عبدالله محمد بن عمر، المحصول فى اصول الفقه، جلد دوم، محقق: دكتور طه جابر فياض العلونى، مؤسسة الرسالة، ١٩٩٧م.
٣٤. الريسونى، احمد. نظرية المقاصد عند الامام الشاطبى، المهد العالمى للفكر السلامى ١٩٩٥م.
٣٥. الزحيلي، وهبه اصول الفقه الاسلامى، دمشق: دار الفكر للطباعة والتوزيع والنشر، ١٩٨٦م.
٣٦. الزحيلي، محمد مصطفى. مقاصد الشريعة مجلة كلية الشريعة والدراسات الاسلامية. مكة المكرمة، جامعة ام القرى، ب-ت.
٣٧. الزحيلي، دكتور وهبة بن مصطفى، الفقه الاسلامى و ادلته، دمشق، دارالفكر، ٢٠٠٢م.
٣٨. الزركشى، بدرالدين محمد بن بهادر بن عبدالله البحر المحيط فى اصول الفقه الكويت وزارة الاوقاف، ١٩٨٨م.
٣٩. الزركشى، بدرالدين محمد بن بهادر بن عبدالله البحر المحيط فى اصول الفقه، جلد چهارم، محقق: محمد تامر، لبنان، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٠م.
٤٠. الزركشى، بدرالدين محمد بن بهادر بن عبدالله، المنثور فى القواعد الفقهية، شركة دارالكويت للصحافة، ١٤٠٢ق.
٤١. زيدان عبد الكريم. اصول فقه اسلامى، مترجم: ابو عاصم عبدالناصر زاهد، كابل، انتشارات رسالت، ١٣٩٠ش.
٤٢. الزيلعى، عثمان بن على، تبين الحقايق شرح كنز الدقايق، جلد پنجم، دارالكتب العلمية، ٢٠١١م.
٤٣. الساهى، شوقى عبده، موسوعة احكام مواريث، بيروت، دارالحكمة، ١٩٨٨م.
٤٤. السجاوندى، سراج الدين محمد بن عبدالرشيد، السراجى، پشاور. ب-ت.
٤٥. السرخسى، شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل، المبسوط، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٩٩٥م.
٤٦. سعدى، عبدالحكيم عبدالرحمن اسعد، مباحث العلة فى القياس عند الاصوليين، بيروت، دار البشائر الاسلامية، ١٤٠٦ق.

٤٧. سيد قطب. في ظلال القرآن، جلد دوم، القاهرة، دار الشروق، ١٤٢٣ق.
٤٨. سيد سابق، فقه السنة، مترجم: دكتور محمود ابراهيمي، كتابخانه عقيدة ب-ت.
٤٩. السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن الاشباه والنظائر في القواعد الفقهية، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٣هـ.
٥٠. الشاطبي، ابراهيم بن موسى اللخمي، الموافقات في اصول الشريعة، تحقيق أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، السعودية: دار ابن عفان، ١٩٩٧م.
٥١. الشافعي، محمد بن ادريس، الام، تحقيق: دكتور رفعت، دار الوفاء للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٢٢ق.
٥٢. شبير، محمد عثمان، المدخل إلى فقه المعاملات المالية، اردن، دار النفائس، ٢٠١٠م.
٥٣. شوكانى، محمد بن على، فتح القدير، بيروت، دار المعرفة، ٢٠٠٧م.
٥٤. الشيباني، محمد بن حسن، الكسب، بيروت، دار البشائر الاسلامية، ١٤١٧ق.
٥٥. صابوني، محمد على، تفسير آيات. احكام، مترجم: دكتور فرزا ديار سا، سنندج، انتشارات، كردستان، ١٣٨٩ش
٥٦. الطبري، معروف الحرستاني، تفسير طبرى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٥ق.
٥٧. الطبراني، ابي قاسم سليمان بن احمد، المعجم الاوسط للطبراني، دار الحرمين، ١٤١٥ق.
٥٨. الطوفى، ابوالربيع نجم الدين سليمان بن عبد القوي. شرح مختصر الروضة، تحقيق عبد الله بن عبد المحسن التركي، بيروت: مؤسسة الرسالة ١٩٨٧ م.
٥٩. العالم، يوسف المقاصد العامة للشريعة الاسلامية، المعهد العالمي للفكر الاسلامي، ١٩٩١م.
٦٠. عاشور، عبدالجواد عبد الحميد، البديل الاسلامي للفوائد المصرفية، طنطا، دار الصحابة للتراث، ١٩٩٢.
٦١. عبادى، عبدالسلام، الملكية فى الشريعة الاسلامية، عمان، مكتبة الأقصى، ١٩٧٧م.
٦٢. عبدالكريم بن على بن محمد النملة، الجامع لمسائل أصول الفقه و تطبيقاتها على المذهب الراجح، رياض، مكتبة الرشد، ٢٠٠٠م.
٦٣. عبدالكريم بن على بن محمد النملة، المذهب فى علم اصول الفقه المقارن، جلد پنجم، رياض، دار النشر ١٩٩٩م.
٦٤. العز بن عبدالسلام، قواعد الاحكام فى مصالح الانام، القاهرة، مكتبة الكليات الازهرية، ١٤١٤ق.
٦٥. عثمانى، مفتى محمد شفيع، تفسير معارف القرآن، مترجم: مولانا يوسف حسين پور، انتشارات شيخ الاسلام احمد جام، ١٣٩٦ش.
٦٦. العميدى، على، حاشيه العدوى على كفاية الطالب الربانى، جلد دوم، تحقيق: محمد عبدالله شاهين، ناشر دار الكتب العلمية، ٢٠٠٨م.
٦٧. غزالي، ابوحامد محمد بن محمد، مختصر احياء علوم الدين، ترجمه و تحقيق: محمد صالح سعيدي، سنندج، انتشارات كردستان، ١٣٩٩ ش.
٦٨. الغزالي، ابوحامد محمد بن محمد، المستصفى من علم الاصول، جلد اول، جدة المدينة المنورة، ب-ت.
٦٩. الغزالي، ابوحامد محمد بن محمد شفاء الغليل فى بيان الشبه والمخيل ومسالك التعليل. بغداد: مطبعة الارشاد، ١٩٧١م.
٧٠. فادى، محمد الرفاعى، المصارف الاسلامية، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية، ٢٠٠٧م.
٧١. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير، محقق: محمد يوسف شيخ، بيروت، المكتبة العصرية، ١٤٢٨ق.
٧٢. قاسم، محمود المنطق ومناهج البحث العلمي القاهرة : مكتبة الانجلو المصرية، ١٩٥٣م.

٧٣. القرطبي، ابي عبدالله، محمد بن احمد ابى بكر، الجامع الاحكام القرآن، جلد دوم، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٧ق.
٧٤. قرضاوى، دكتور يوسف، عبادت در اسلام، مترجم: محمد ستارى خرقانى، تهران، نشر احسان، ١٣٨٨ش.
٧٥. القرضاوى، دكتور يوسف، دور القيم و الاخلاق فى الاقتصاد الاسلامى، قاهره، مكتبة وهبة، ١٤١٥ق.
٧٦. القرضاوى، دكتور يوسف، مقاصد الشريعة المتعلقة بالمال، بحث مقدم، ١٤٢٩ق.
٧٧. قلعةجى، محمدراسى، مباحث فى الاقتصاد الاسلامى من اصوله الفقهية، بيروت، دار النفائس، ١٤١٢ق.
٧٨. الكاسانى، علاء الدين ابوبكر بن مسعود بن احمد، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٦ق.
٧٩. محمد بن يوسف، تفسير بحر المحيط، جلد پنجم، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٣ق.
٨٠. المرزوقى، عمر بن فيحان و العقيدى، عبدالله بن محمد و الحزى، عبدالله بن ابراهيم و المقرن، محمد بن سعد، نظام اقتصادى اسلام، مترجم: محمد ميرويس غياثى، كابل، انتشارات مستقبل، ١٣٩٥ش.
٨١. المصرى، رفيق يونس، النظام المصرفى الاسلامى، دارالمكتبة للطباعة و النشر و التوزيع، ٢٠٠١م.
٨٢. المقرن، محمد بن سعد، مقاصد الشريعة الاسلامية فى حفظ المال و تنميته، المملكة العربية السعودية، جامعة ام القرى، ١٤٢٠ق.
٨٣. النووى، ابوزكريا محي الدين يحيى بن شرف، المنهاج شرح صحيح مسلم. جلد دهم، المؤتمر للتوزيع، ب - ت.
٨٤. النيسابورى، ابوالحسين، مسلم بن الحجاج القشيري، صحيح مسلم، جلد سوم، ٢٠٠٣م.
٨٥. الیوبى، محمد سعد بن احمد بن مسعود مقاصد الشريعة الاسلامية وعلاقتها بالادلة الشرعية، السعودية دار الهجرة للنشر والتوزيع، ١٩٩٨م.

Summary of the Research

I thank Allah (the most high) for blessing us with Islam and making its rulings and purposes easy for us, which are compatible with the nature of all human beings in every situation and time, and at the same time, they are in step with the spirit of progress, development, transformation, and the requirements of every era. Knowing the purposes of Islamic law is considered important for every believer so that he can recognize it and adjust his life accordingly. In particular, explaining the purposes of Islamic law in acquiring wealth has helped Muslims to understand the nature of financial transactions and achieve happiness in this world and the hereafter. The religion of Islam always seeks the happiness of mankind, and Allah Almighty has mentioned a comprehensive plan of life for man in the Holy Quran and sent it through the Holy Prophet of Islam (peace and blessings of Allah be upon him). One of the most important parts of human life is the discussion of the economy and the amount of its acquisition with which he can manage his life and his family. Working and striving to provide for his life and maintain his honor and protect the privacy of his family is one of the best moral deeds of every Muslim, and the results of his efforts will be used for the honor and dignity of his soul. Therefore, I have organized this thesis into three chapters as follows:

Chapter One: This chapter includes the following topics: defining the objectives of Islamic law, ways of recognizing the objectives of Islamic law, divisions of the objectives of Islamic law, and the concept of property in Islamic law.

Chapter Two: It includes the following topics: acquiring property is worship, accountability for human nature, and succession on earth.

Chapter Three: The third chapter includes the topics of acquiring property through legitimate means, the prohibition of acquiring property through non-Islamic means, and preventing disputes between contracting parties.

Finally, I have presented the results and achievements of the research process, and I have also presented my suggestions for other researchers and those in need, and finally, I have addressed the sources and references in a standard manner. Key words of maqasid sharia and wealth.

Keywords: Purposes, Sharia & Wealth



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

The Purposes of Islamic sharia in acquiring wealth

A Master's thesis

Student: Muheb ullah Alokozay

Supervised by: Dr. Mohammad yonus Ebrahimy

Year: 2023



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

The Purposes of Islamic sharia in acquiring wealth

A Master's thesis

Student: Muheb ullah Alokozay

Supervised by: Dr. Mohammad yonus Ebrahimi

Year: 2023